

ماہنامہ تحلیلی  
ویژہ ہادیان سیاسی بسیج

# حد اپٹ

سال چہار دہم

سال ۱۳۹۳

شمارہ - ۱۵۲

## کیمیائی بمباران اور کیمیائی جنگ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

# هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۵۲ - سال ۱۳۹۳

«هدایت»

## «ماهنامه تحلیل سیاسی»

**صاحب امتیاز:** نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

**مدیر مسئول:** عبدالله داورزنی

**سر دبیر:** حمید عبداللهی

**تایپ و صفحه آرایی:** شهلا مهدوی

**طرح جلد:** عباس رستمی

**ویراستار:** غلامرضا گودرزی

**مخاطبان:** هادیان سیاسی بسیج

**همکاران این شماره:**

۱- علی آزمی ۲- علی مرادزاده ۳- سید وحید ظهوری

۴- بهزاد کاظمی ۶- محمدرضا مرادی ۷- قاسم غفوری

**شمارگان:** ۷/۵۳۲

**نشانی:** تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

**تلفن و نمابر نشریه:** ۶-۳۳۲۳۹۶۷۳

**پست الکترونیکی هادی (ایمیل):** ssb۱۱۰@chmail.ir E-mail:

**نشانی ما روی شبکه:** [www.hadinews.ir](http://www.hadinews.ir)

**سامانه پیامکی:** ۶۶۰۰۰۰۰۸۰

**لیتوگرافی، چاپ، صحافی:** مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

### خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است، بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می‌رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادهای ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

# فهرست مطالب

| صفحه   | عنوان     |
|--------|-----------|
| ۱..... | سفن هدایت |
| ۴..... | کلام نور  |

## بخش سیاسی

|         |                                                                              |
|---------|------------------------------------------------------------------------------|
| ۹.....  | * انسجام ملی وفاداران نظام؛ زمینه‌ای برای تحقق گفتمان انقلاب اسلامی          |
| ۲۵..... | * جمهوری اسلامی ایران و طلوع نظم نوین اسلامی در نظام بین‌المللی              |
| ۳۶..... | * دست برتر دیپلماسی از آستین مقاومت                                          |
| ۴۶..... | * اهداف پنهان ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و دلایل عدم حضور ایران در این ائتلاف |
| ۵۶..... | * مقاومت یمن، مصادره انقلاب و پیامدها                                        |

**بخش اقتصادی**

۶۹.....\* تحریم روسیه و فرصت‌های ایران

**اندیشه سیاسی اسلام**

۷۹.....ولایت فقیه در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup>

**مفاهیم و اصطلاحات**

۹۵.....ارتجاع روشنفکری

۱۰۳.....بخش پرسش و پاسخ

۱۱۳.....بخش نظرسنجی

## درس‌ها و پندهای عاشورا

اث‌رگذارترین حادثه در تاریخ اسلام، قیام عظیم و مقدس امام حسین علیه‌السلام است که از یک سو اوضاع سیاسی و اجتماعی موجود را دست‌خوش تغییرات اساسی کرده و از سوی دیگر پیامدهای روحی و معنوی عمیقی بر جای گذاشت. به عبارتی دیگر می‌توان گفت تاریخ؛ حادثه‌ای به جاودانگی و ماندگاری «قیام کربلا» که تا این حد در ذهن‌ها و زندگی‌ها باقی مانده باشد سراغ ندارد، قیامی که این‌گونه زمان‌ها و مکان‌ها و انسان‌ها فراگرفته باشد و موج عاشورایی آن همیشه در حال تلاطم باشد.

بدون شک، مصیبت کربلا را باید یکی از بزرگ‌ترین مصائب تاریخ دانست؛ فاجعه‌ای بس بزرگ و تکان‌دهنده و بی‌نظیر که روح هر آزاداندیشی را آزرده خاطر می‌کند، اما اینکه چرا کار به اینجا رسید که بزرگ‌ترین فاجعه انسانی به دست شقی‌ترین افراد بر ضد برترین افراد، یعنی اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله روی داد و به تعبیر

سید  
شاهین

مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «جادارد ملت اسلام فکر کند که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله کار کشور اسلامی به جایی رسید که همین مردم مسلمان از وزیرشان، امیرشان، سردارشان، عالمشان، قاضی‌شان، قاری‌شان گرفته، در کوفه و کربلا جمع بشوند و جگرگوشه همین پیغمبر صلی الله علیه و آله را با آن وضع فجیع به خاک و خون بکشند؟ آدم باید به فکر فرو برود که چرا این گونه شد؟... کار به جایی برسد که جلوی چشم مردم، حرم پیامبر صلی الله علیه و آله را بیاورند توی کوچه و بازار، به آنها تهمت خارجی بزنند».

قیام عاشورا، مهم‌ترین رویداد تاریخی پس از ظهور اسلام است که پیامدهای مهم و ثمربخش آن در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی، اخلاق و معنویت (انقلاب درونی)، و الهام‌بخشی و اثرگذاری (الگوسازی) در روند مبارزه مکتبی توانست در جامعه اسلامی هم انقلاب درونی (تحول روحی) و هم انقلاب برونی (حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی) را ایجاد کند.

وحدت و همبستگی مسلمانان به خصوص تشیع از پیامدهای مهم عاشورا است که نماد عینی وحدت و همبستگی آن در انقلاب اسلامی ایران متجلی شده و جهان اسلام نیز تحت‌تأثیر آن در پی درک اهمیت و ضرورت ایجاد امت واحده اسلامی است.

تفکیک اسلام راستین از اسلام دروغین یکی دیگر از مهم‌ترین اثر قیام عاشورا بود. قیام کربلا حساب خلافت انحرافی را از اسلام ناب محمدی (ص) جدا کرد و پرده از واقعیت خلافت اموی برداشت تا مردم متوجه شوند خلافت بنی‌امیه، یک حکومت جاهلی است که لباس اسلام بر تن پوشیده است. مردم دریافتند که حکومت اموی، یک سلطنت ظالمانه است که هیچ ربطی به اسلام ندارد. امام خمینی (ره) هم با الهام گرفتن از این پیام عاشورا، ماهیت اسلام دروغین آمریکایی که مروج حکومت سلطنتی بود را برای مردم ایران

افشا نمود و در برابر آن اسلام ناب محمدی را به عنوان الگوی حکومت اسلامی معرفی کرد که نتیجه عملی آن با ولایت فقیه ظهور یافته است. قیام خونین کربلا سبب عظمت یافتن مکتب تشیع در نزد جهانیان شده به گونه‌ای که حتی مستشرقان و بعضی اسلام‌شناسان اجنبی نیز آن را حرکتی عظیم و تحسین‌برانگیز دانستند. در واقع حادثه کربلا، سبب جان گرفتن و بالندگی شیعه و افزایش پیروان مکتب تشیع گردید؛ و می‌توان ادعا کرد روز دهم محرم آغاز حرکت شیعه و ظهور آن بود که انقلاب اسلامی ادامه حرکت خونبار کربلا در عصر حاضر است.

از دیگر نتایج واقعه عاشورا تزلزل دولت اموی بود. امام حسین علیه‌السلام با فدا کردن جان عزیز خود در راه دین جدش ارکان حکومت اموی را متزلزل ساخت، پس از فاجعه عاشورا و انعکاس اخبار آن در مراکز مهم اسلامی، مردم حصار خودفرورفتگی که رژیم اموی به دور آنان کشیده بود را در هم ریختند و دریافتند که حق با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله است و حکومت مخالف آنها، نه تنها به اصول و ارزش‌های اسلامی پای‌بند نیست، بلکه رژیم‌ی خون‌ریز و مستبد است که می‌خواهد جامعه اسلامی را به جاهلیت نخستین برگرداند. از این رو جامعه از حکومت بنی‌امیه، رو برگرداند.

شهادت امام حسین علیه‌السلام، در روز عاشورا جامعه اسلامی را تکان شدیدی داد، موجی از تنفر علیه دستگاه حکومتی ایجاد کرد و شیعیان به خود آمدند و از اینکه فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله را یاری نکرده بودند، به شدت پشیمان شدند و به تدریج، موج بیداری، سراسر جامعه اسلامی را فرا گرفت و زمینه نهضت‌ها و قیام‌های بعدی را فراهم ساخت. انقلاب اسلامی ایران یکی از نهضت‌هایی است که با الهام از قیام عاشورا، امروز خود به الگوی عملی برای کشورهای اسلامی منطقه تبدیل شده است و موج بیداری آن، کشورهای اسلامی را متلاطم کرده است.

قیام عاشورا، در حقیقت، مشعل فروزانی برای شیعیان و سرمشقی برای تمامی مسلمانان جهان است که درس دین‌باوری، ایثار، شجاعت، شهامت، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر و روحیه ستیزه‌جویی، پرخاشگری و جسارت در مقابل حکام جور را در مکتب خود دارد.

محرم امسال در حالی از راه می‌رسد که عشق به امام حسین علیه‌السلام بعد از قریب ۱۴۰۰ سال همواره مانند خون تازه‌ای در رگ‌های مسلمانان، جریان پیدا می‌کند و موقعیت عاشقان اهل بیت رسول خدا<sup>(ص)</sup> را هم‌چنان استوار کرده است که ستمگران امکان تعرض به دودمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام را باقی نخواهد گذاشت.

مراسم عاشورا عبرت‌ها، پیامدها و نتایج بس فراوانی دارد که ذکر آن در این یادداشت نمی‌گنجد. اما آنچه لازم است، اینکه باید هوشیار بود تا تاریخ عاشورا تکرار نشود. با درس‌های عاشورا و پیام‌های آن و به کار بستن آن؛ باید درک کرد که عاشورا غیر از درس، یک صحنه عبرت است و به قول ولی امر مسلمانان (مدظله‌العالی): «انسان باید در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد. عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب و فرزندان انقلاب در جامعه منزوی شوند» و کلام آخر اینکه باید بصیرت داشت، چراکه «بی‌بصیرت‌ها بدون اینکه بدانند، فریب می‌خورند و در جبهه باطل قرار می‌گیرند».

ان شاء الله خداوند یاری فرماید تا همه ما با بصیرت کامل و با بهره‌گیری از منویات رهبر بصیر و شجاع راه آن مکتب را ادامه داده و ذره‌ای از پیروی از حق کوتاهی نکنیم.

## اولویت اصلی جهان اسلام در پیام حج رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت کنگره عظیم حج، توجه به مسائل جهان اسلام و اتحاد مسلمین، مسأله فلسطین، و نگاه هوشمندانه به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی را سه اولویت اصلی جهان اسلام دانسته که امت اسلامی باید با بصیرت و ژرفاندیشی، به وظیفه و تکلیف روز خود در قبال این موضوعات عمل کند.

### ۱- توجه به مسائل جهان اسلام در صدر وظایف و آداب حج گزاران؛

در فرصت مغتنم این مناسک پُر مغز و بی نظیر، به جز تپهیر و تعمیر (آبادسازی، نوسازی) معنوی و روحی که برترین و ریشه‌ای‌ترین دستاورد حج است، توجه به مسائل جهان اسلام و نگاهی بلند و فراگیر به مهم‌ترین و اولویت‌دارترین موضوعات مرتبط با امت اسلامی، در صدر

وظایف و آداب حج‌گزاران است.

### اتحاد مسلمانان و گشودن گره‌های فاصله‌افکن

امروز از جمله این موضوعات مهم و دارای اولویت، مسأله اتحاد مسلمانان و گشودن گره‌های فاصله‌افکن میان بخش‌های امت اسلامی است. حج، مظهر وحدت و یکپارچگی و کانون برادری و هم‌یاری است. در حج باید همگان درس تمرکز بر مشترکات و رفع اختلافات را فرا بگیرند.

### تفرقه‌افکنی با دست‌های پلید سیاست‌های استعماری

دست‌های پلید سیاست‌های استعماری از دیرباز تفرقه‌افکنی را برای تأمین مقاصد شوم خود در دستور کار داشته‌اند، ولی امروز که به برکت بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان دشمنی جبهه‌استکبار و صهیونیسم را بدرستی شناخته و در برابر آن موضع گرفته‌اند، سیاست تفرقه‌افکنی میان مسلمانان شدت بیشتری یافته است.

### جنگ‌های خانگی میان مسلمانان سیاست‌گذارانه دشمن مکار

دشمن مکار بر آن است که با افروختن آتش جنگ‌های خانگی میان مسلمانان، انگیزه‌های مقاومت و مجاهدت را در آنان به انحراف کشانده، رژیم صهیونیستی و کارگزاران استکبار را که دشمنان حقیقی‌اند، در حاشیه امن قرار دهد. راه‌اندازی گروه‌های تروریستی تکفیری و امثال آن در کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا ناشی از این سیاست‌گذارانه است. این هشدار به همه ما است که مسأله اتحاد مسلمین را امروز در صدر وظایف ملی و بین‌المللی خود بشماریم.

### ۲- دو حقیقت آشکار در مسأله فلسطین

اول آنکه رژیم صهیونیست و پشتیبانان جنایتکار آن، در قساوت و

سببیت و پایمال کردن همه موازین انسانی و اخلاقی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسند. جنایت، نسل‌کشی، ویران‌گری، کشتار کودکان و زنان و بی‌پناهان، و هر تعدی و ظلمی را که از دستشان برآید برای خود مباح می‌شمردند و به آن افتخار هم میکنند. صحنه‌های گریه‌آور جنگ پنجاه روزه اخیر غزه، آخرین نمونه این بزهکاری‌های تاریخی است که البته در نیم قرن اخیر بارها تکرار شده است.

دومین حقیقت آن است که این سفاکی و فاجعه‌آفرینی‌ها نتوانسته است هدفِ سردمداران و پشتیبانان رژیم غاصب را برآورده سازد. بر خلاف آرزوی احمقانه اقتدار و استحکامی که سیاست‌بازان خبیث برای رژیم صهیونیستی در سر می‌پروراندند، این رژیم روزبه‌روز به اضمحلال و نابودی نزدیک‌تر شده است. ایستادگی پنجاه روزه غزه محصور و بی‌پناه در برابر همه توان به صحنه آورده رژیم صهیونیست، و سرانجام، ناکامی و عقب‌نشینی آن رژیم و تسلیم شدنش در برابر شروط مقاومت، نمایشگاه آشکار این ضعف و ناتوانی و بی‌بُنیگی است. این بدان معنی است که ملت فلسطین باید از همیشه امیدوارتر باشد، مبارزان جهاد و حماس باید بر تلاش و عزم و همت خود بیفزایند، کرانه غربی راه پرافتخار همیشگی را با قدرت و استحکام بیشتر پی‌گیرند، ملت‌های مسلمان پشتیبانی واقعی و جدی از فلسطین را از دولت‌های خود مطالبه کنند، و دولت‌های مسلمان صادقانه در این راه گام نهند.

### ۳- نگاه هوشمندانه به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام

#### آمریکایی

سومین موضوع مهم و دارای اولویت، نگاه هوشمندانه‌ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را برحذر بدارند.

نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد. اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردم سالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۲) است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند.

پنجم ذی الحجه ۱۴۳۵ مصادف با هشتم مهرماه ۱۳۹۳

## انسجام ملی وفاداران نظام؛ زمینه‌ای برای تحقق گفتمان انقلاب اسلامی

بهزاد کاظمی

### مقدمه

اتحاد و انسجام ملی برای پایدار ماندن اجتماع یک نیاز و ضرورت اساسی است که همواره باید مورد توجه جدی قرار گیرد. بدیهی است به میزانی که تنوع قومی و مذهبی در جامعه بیشتر باشد، مسائل اجتماعی پیچیده‌تر و حل آنها با دشواری‌های بیشتری همراه است و یکی از دغدغه‌های اساسی در چنین جوامعی دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی است.

هویت ملی در فضای تنوع قومی و مرزبندی‌های اجتماعی به عنوان یک عامل مؤثر در انسجام ملی قابل توجه است. هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش یکپارچه در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است.

هویت ملی دارای عناصر سازنده گوناگونی چون ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی و در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، جغرافیایی و زبانی می‌باشد. هویت ملی از نظر جامعه‌شناسی به مثابه نوعی احساس و تعهد و تعلق عاطفی نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام و تحقق گفتمان محور در جامعه می‌شود. هدف این نوشتار ارزیابی اتحاد و انسجام ملی وفاداران نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان زمینه‌ای برای تحقق گفتمان انقلاب اسلامی است.

### کلیدواژه‌ها

هویت ملی، تنوع قومی، اتحاد و انسجام ملی، نظام جمهوری اسلامی ایران، گفتمان انقلاب اسلامی

### مقدمه

استمرار و پایداری حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه، در گرو انسجام و همبستگی بین اجزا و عناصر سازنده ساختار اجتماعی است. انسجام، توافق در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌هاست. انسجام در فرایندی اجتماعی متولد می‌شود و محصول کنش عقلانی است. از سوی دیگر، انسجام، پدیده‌ای نیست که یک بار برای همیشه ایجاد شود، بلکه نیازمند بازسازی و بازتولید مستمر است.

در پژوهش و بررسی در خصوص انسجام ملی، دست‌کم سه سطح تحلیلی را می‌توان از یکدیگر تفکیک نمود:

اول؛ سطح خرد (معطوف به افراد و شهروندان)، دوم؛ سطح میانی (در سطح خانواده، گروه و خرده‌فرهنگ‌ها) و سوم؛ سطح عالی (ساختارها و نهادها). تجزیه و تحلیل و ارائه هرگونه راه‌حل، ناگزیر باید متناسب با هریک از سطوح سه‌گانه باشد و دست‌آخر آن‌که، انسجام به معنای حذف و نادیده

گرفتن تفاوت‌ها نیست، بلکه چگونگی سازگاری بین جهان متکثر و تفاوت‌های حذف‌ناشدنی است. اتحاد و همبستگی ملی، راز پیشرفت و عامل استحکام جامعه و برقرارکننده آرامش اجتماعی، ایجادکننده ضمانت اجرایی برای قانون، فراهم‌کننده شرایط لازم برای رشد و ارتقا و روابط بین نهادها و فرآیندهای حکومت برای برآورده کردن نیازهای شهروندان است.

کشور عزیز ایران از طوایف، گروه‌ها، نژادها و گویش‌های گوناگون تشکیل شده است؛ بنابراین وحدت ملی ضامن سعادت ملت و گامی در جهت حرکت به سوی افق‌های روشن خواهد بود.

از نظر جامعه‌شناسی سیاسی مبحث اقلیت‌های قومی و ملی و رابطه آنها با قدرت دولتی، مبحث مهمی است. بدین ترتیب از نظر جامعه‌شناسی، یک گروه قومی عبارت از مردمی است با ویژگی‌های خاص دینی، نژادی، جغرافیایی و با عادات و رسوم ویژه که در داخل یک مجموعه اجتماعی - فرهنگی گسترده جای گرفته است. از این رو میزان تمایل اقوام به یکپارچه شدن با کل جامعه در عین حفظ خرده فرهنگ‌های خاص حائز اهمیت است. برای یک اتحاد ملی پایدار باید از ارکان گروهی کوچک در جامعه شروع کرد و با رواج نگرش برابری در این سطوح به شکل‌دهی زیرساخت‌های مورد نیاز برای هدف اصلی که همان اتحاد ملی پایدار است، پرداخت.

نهادهای اجتماعی نیز در دو وجه رفع نیازهای اجتماعی و نظارت اجتماعی می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد همبستگی ملی داشته باشند. اساساً بدون ایجاد ارتباط و تعامل اجتماعی و وابستگی افراد جامعه به هم ضرورتی برای شکل‌گیری مباحث فرهنگی و بررسی نیروهای اجتماعی پدید نمی‌آید.

### مفهوم اتحاد ملی

اتحاد ملی، مترادف با همبستگی ملی و وفاق اجتماعی است و در فرهنگ

لغات، به معنای موافقت با عملی است که میان دو طرف واقع می‌شود. اتحاد ملی، هرگز به معنای یکی شدن همه افراد کشور نیست، بلکه بدین معناست که با وجود اختلافات قومی، نژادی، مذهبی و جغرافیایی، همه افراد جامعه حول محور مشترکات الهی و انسانی و بر اساس منافع ملی و مصالح کشور گام بردارند و به هنگام خطر، کنار هم باشند.

منظور از وحدت از دیدگاه جامعه‌شناختی یعنی اینکه اعضای جامعه فعالیت‌های خود را همسو با سایر شهروندان و در کمال همبستگی و پیوند متقابل به انجام برسانند. با این نگاه، وحدت آن گونه که عده‌ای می‌پندارند امری مطلق نخواهد بود که همه مردم یک گونه فکر کرده و از روش اعتقادی یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا این روش نه ممکن و نه مطلوب است.

بنابراین اتحاد ملی به معنای همدلی، همراهی و یکپارچگی ملت است. بهترین برداشت از وحدت می‌تواند این گونه باشد: تلاش برای نهادینه کردن منافع و آرزوها و آرمان‌های مشترک در میان اقشار جامعه. تعریف وحدت ملی از دیدگاه امام خامنه‌ای نیز چنین است:

«منظور ما از وحدت چیست؟... وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند؛ می‌توانند کنار هم باشند؛ می‌توانند دعوا نکنند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶).

## وجوه اتحاد ملی

اتحاد یا وحدت ملی را به چند صورت زیر می‌توان تصور کرد:

۱. اتحاد اجزای ملت: ملت ما بسان بسیاری از ملل دیگر از قومیت‌ها، زبان‌ها، سنین و اقشار مختلفی تشکیل شده است و سطوح افراد هم با یکدیگر فرق دارد، اما اشتراکاتی نیز با هم دارند. امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

«وحدت مردم، اتحاد قلبی مردم، اتحاد روحی مردم، محبت مردم، وفاق مردم حول نظام اسلامی، حول احکام مقدسه اسلام، حول قانون اساسی - که قانون اساسی هم منطبق بر احکام اسلامی است - حول قوانین کشور - که لااقل اغلب آنها منطبق بر قوانین اسلامی است، اگر نگوییم همه‌اش منطبق است - وحدت ملی را تشکیل می‌دهد» (۷۹/۱/۲۶).

این سؤال محتمل است که آیا وحدت اجزای ملت به این معناست که باید اختلافات را به طور کامل نادیده انگاریم و اجازه بیان سلیقه‌های مختلف را به افراد و احزاب ندهیم، یا معنای دیگری دارد؟ در این باره، مقام معظم رهبری تأکید دارند:

«معنای وفاق این نیست که گروه‌ها و تشکیلات و جناح‌های گوناگون اعلام انحلال کنند، نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسبت به هم خوشبین باشند، رحماء بینهم (فتح: ۲۹) باشند، همدیگر را تحمل کنند، در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن بپرهیزند. امروز به نظر من وظیفه ما این است» (۸۱/۳/۷).

۲. یکپارچگی ملت و دولت: تمام اجزای ملت و دولت، بسان پیکر یک انسان واحد با هم هماهنگ هستند. در واقع اگر جامعه بشری را به یک موجود زنده، مانند انسان تشبیه کنیم، اتحاد یعنی اجزای گوناگون بدن با یکدیگر و با اجزای مدیریتی بدن مانند قلب و مغز یکپارچه باشند، و اگر دردی بر یکی وارد شود دیگر اجزای بدن با او همدردی کنند و اگر لذتی وارد آید سایر اجزا نیز خوشی کنند، اما تفرقه به این معناست که برخی اجزای این بدن با بقیه هماهنگ نباشند، مانند پایی که بر اثر حادثه یا

بیماری، با بقیه بدن هماهنگ نیست.

۳. وحدت مسئولان کشور: اتحاد و همدلی مسئولان بر محور اهداف ملی و کنار گذاشتن اختلافات عامل پیشرفت جامعه و مشیت محکمی بر دهان معاندان نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. بیانات امام خامنه‌ای در این باره بسیار راهگشاست:

«یک مسأله هم مسأله وحدت و همبستگی است. در کشور ما خوشبختانه ملت متحدند؛ این خیلی دستاورد مهمی است؛ از این باید صیانت کرد؛ نگذاریم از بین برود. این اختلافاتی که گاهی بین مسئولین بروز می‌کند - که به سطح رسانه‌ها هم کشیده می‌شود؛ بیخود، بی‌مورد، بی‌فایده - به اتحاد ملی ضربه می‌زند. یک عده می‌شوند طرفدار این، یک عده هم می‌شوند طرفدار آن؛ مخالفت کردن، متهم کردن یکدیگر؛ یک عده‌ای قوه مجریه را متهم کنند، یک عده‌ای از آن طرف قوه مقننه را متهم کنند، یک عده‌ای قوه قضائیه را متهم کنند، تقصیرها را گردن هم بیندازند؛ این جزو کارهای بسیار مضر است و دوستان محترم ما، مسئولان عزیز کشور بدانند که این در بین مردم هم هیچ‌گونه آبرو و وجهه‌ای ایجاد نمی‌کند که ما مشکلات را هی به گردن این و آن بیندازیم. نه، یک مشکلاتی وجود دارد؛ باید حل کرد و می‌توانیم هم حل کنیم؛ ما از حل مشکلات مان ناتوان نیستیم. همان‌طور که عرض کردم، اینها واقعیت‌های کشور است که دارد به ما نشان می‌دهد» (۱۳۹۱/۰۵/۰۳).

«دشمن نباید بتواند سوءاستفاده کند. یک اختلاف نظر جزئی را بزرگ می‌کنند و یک نابسامانی را چند برابر نشان می‌دهند، برای اینکه وحدت و یکپارچگی ملت و مسئولان را مخدوش کنند. اختلافات جزئی و نظری را به شکاف‌های عمیق اعتقادی تبدیل می‌کنند؛ یا اگر نمی‌توانند تبدیل کنند، این‌طور وانمود می‌کنند. اینها هدف‌های دشمن است؛ همه باید مراقب باشند؛

مسئولان و رؤسا هم مراقب باشند؛ یکدیگر را تضعیف نکنند، وظایف قانونی یکدیگر را مورد اهانت قرار ندهند و کارهای قانونی یکدیگر را زیر سؤال نبرند. قوا، یکدیگر را تضعیف نکنند. قوای سه‌گانه و مسئولان در جای خود وظایف سنگینی دارند و باید به آن وظایف با جدیت رسیدگی کنند. وقتی ملت ببیند مسئولان با یکدیگر متحد و متفقند؛ یک حرف را می‌زنند و یک راه را دنبال و یک هدف را تعقیب می‌کنند، در دلش نور امید فروزانتر می‌شود. دشمن با این مخالف است و نمی‌خواهد بگذارد» (۱۳۸۱/۰۹/۱۵).

### مخاطبان اتحاد ملی

بر اساس آنچه در توضیح وجوه اتحاد ملی بیان شد مخاطبان اتحاد ملی عبارت‌اند از توده‌های ملت، مسئولان نظام و دستگاه‌های دولتی که امام خامنه‌ای در مورد هر یک از این مخاطبان رهنمودهایی دارند:

الف. همه آحاد ملت:

«هر ملتی که متحد باشد، هر ملتی که میان خود تنازع و جدال ویرانگر نداشته باشد، هر ملتی که با مسئولان خود یکدل و یک‌زبان باشد و مسئولانش را از خود بداند و مسئولان هم به وظایفشان در مقابل ملت عمل کنند و خود را خدمت‌گزار مردم بدانند، آن ملت در مقابل همه دشمنی‌ها شکست‌ناپذیر خواهد شد» (۱۳۷۹/۱۰/۷).

ب. مسئولان نظام و دستگاه‌های دولتی:

مسئولان دستگاه‌های دولتی به ویژه قوای سه‌گانه باید با هم هماهنگ عمل کنند:

«مسئولان نیز وظیفه دارند با یکدیگر هماهنگ باشند تا در برابر دشمنان احساس قدرت بیشتری کنند و در حل مشکلات مردم

موفق‌تر عمل کنند. امروز وفاق ملی یک وظیفه عمومی است. تسلیم شدن در مقابل قواره کلی نظام اسلامی، یکی از وظایف عمومی ما مسئولان است» (۱۳۸۱/۸/۲۰).

«به مسئولان در سطوح مختلف هم عرض می‌کنم که یکی از راه‌های موفقیت عملی و جا گرفتن در چشم مردم، همکاری دستگاه‌های مختلف و همکاری قوای سه‌گانه است، نباید همدیگر را تضعیف بکنند. هیچ کس نباید قوای مسئول مملکت را تضعیف بکند» (۱۳۷۹/۱۰/۷).

### شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های «وحدت و انسجام»

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۹ شاخص‌های راهبردی، ابعاد و مؤلفه‌های «وحدت و انسجام» را به شرح جدول زیر تدوین نموده است:

| شاخص راهبردی<br>(متغیر استراتژیک) | شاخص هدف (بعد)                             | شاخص عملیاتی (مؤلفه)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
|-----------------------------------|--------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| وحدت و انسجام                     | ۱. تقریب (همگرایی) بین مذاهب               | نمادهای دینی مشترک<br>(قرآن، قبله، پیامبر و ....)                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|                                   | ۲. ارزش‌های مشترک (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی) | <ul style="list-style-type: none"> <li>- اعتقاد به حاکمیت ضوابط</li> <li>- نفی خودباختگی در برابر بیگانگان</li> <li>- نفی تحجر فکری</li> <li>- دلبستگی به نمادهای ملی مشترک (سرزمین، سنت‌های ملی، استقلال کشور، تاریخ کشور، پرچم)</li> <li>- روحیه تعاون</li> <li>- روحیه تحمل و مدارا</li> <li>- احترام به حقوق شهروندی</li> </ul> |
|                                   | ۳. اتحاد در مقابل دشمن                     | <ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش اختلافات داخلی</li> <li>- وحدت عمل در مقابل دشمن</li> </ul>                                                                                                                                                                                                                           |

|                                               |                                                                                                                                                                                    |
|-----------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۴. وحدت میان مسئولان<br>نظام(قواها با یکدیگر) | - همسویی نظرات مسئولان<br>- هماهنگی بین نهادهای نظام                                                                                                                               |
| ۵. خرده فرهنگ‌ها                              | - احترام و به رسمیت شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی و مذهبی<br>- پذیرش همانند گردی فرهنگی<br>- آمیختگی فرهنگی<br>- تعلق و وفاداری اقوام به هویت                                |
| ۶. روابط بین قومی                             | - نفی قوم مداری<br>- روابط اقتصادی یا معیشتی<br>- اختلافات و منازعات بین قومی<br>- روابط فرهنگی<br>- روابط اجتماعی(دوستی یا معاشرت یا خویشاوندی)                                   |
| ۷. غرور و عزت ملی                             | - اقتدار ملی                                                                                                                                                                       |
| ۸. محوریت منافع ملی                           | - محوریت منافع نظام در فعالیت احزاب و گروه‌ها<br>- حفظ تمامیت ارضی<br>- بقا و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران<br>- حفظ و ارتقای منابع حیاتی کشور<br>□ دفاع از منافع ملی در عرصه ملی |
| ۹. وحدت دولت (قوه مجریه) و ملت                |                                                                                                                                                                                    |

### چگونگی شکل‌گیری اتحاد ملی

در بیان چگونگی شکل‌گیری اتحاد ملی دو مقوله مهم مطرح است: اقدامات ایجابی یا کارهایی که باید انجام داد و اقدامات سلبی یا کارهایی که نباید انجام داد.

#### ۱- اقدامات ایجابی برای وحدت

۱-۱. تأکید بر احترام متقابل و محبت و جاذبه در رفتار و گفتار نسبت به

یکدیگر در میان اجتماع شامل مسئولان، احزاب، رسانه‌ها، اقوام و آحاد مردم و ...

امام خامنه‌ای در این باره تأکید دارند که:

«با تشر زدن و دعوا کردن و تهدید کردن، همیشه این مقصود [وحدت جامعه] حاصل نمی‌شود. بیشتر با محبت و جلب قلوب و جذب باید این مقصود را عملی کرد» (۱۳۶۹/۱۲/۱).

۱-۲. تلاش در جهت نهادهای سازشی ارزش‌ها و منافع مشترک در جامعه و تأکید بر مشترکات:

تاریخ مشترک، زبان ملی مشترک، سرنوشت مشترک، دشمن مشترک، علایق مشترک مانند علاقه به اسلام، قرآن مجید و پیامبر اعظم (ص)، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) که در بین اغلب مردم ما مشترک است و... می‌تواند در افزایش وحدت مؤثر واقع شود.

۱-۳. گسترش همکاری‌ها بین مسئولان، احزاب، رسانه‌ها و نخبگان از قومیت‌های گوناگون و گرایش‌های سیاسی و فکری مختلف با محوریت منافع ملی و مصالح عمومی.

۱-۴. توجه و اهتمام به مسائل اصلی و کوتاه آمدن در امور فرعی.

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«بدون تنازل، امکان ندارد که این مقصود [وحدت] حاصل بشود» (۱۳۶۹/۱۲/۱).

۱-۵. توجه به دشمن مشترک: امروزه که دشمنان مشترک ملت ایران به منابع زیرزمینی و روزمینی کشور ما می‌نگرند و بنا را بر این گذاشته‌اند که ملت ایران را تجزیه و اسلام عزیز را در این مملکت ریشه کن کنند، بسی خطرناک است به اختلافات داخلی مشغول شویم.

۱-۶. برخورد با تفرقه‌افکنان: برخی افراد بدون توجه به منافع عظیم

وحدت برای مردم، سعی دارند تا تفرقه اندازند. با اینان باید برخوردی قاطعانه داشت.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«بعضی‌ها تلاش می‌کنند که بین مردم اختلاف بیندازند، بعضی‌ها هم تلاش می‌کنند که مردم را نسبت به مسئولان و نظام بدبین کنند. اینها بدانند که این کار خیانت است و من ادامه این گونه کارها را تحمل نخواهم کرد» (۱۳۷۰/۴/۱۳).

- ۱-۷. هدایت افکار عمومی به سوی منافع ملی و فاصله گرفتن از منافع گروهی و جناحی و کنار گذاشتن تعصبات قومی، حزبی و ....
- ۱-۸. ایجاد روحیه نقدپذیری علمی و منصفانه.
- ۱-۹. آگاه‌سازی مردم از ترفندهای دشمنان در راستای تفرقه و اتحاد شکنی.

- ۱-۱۰. پای‌بندی همه گروه‌های وفادار نظام به قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان منشور اتحاد ملت ایران.

## ۲. اقدامات سلبی برای وحدت

عوامل زیر اتحاد ملی را زیر سؤال می‌برند و به تفرقه کمک می‌کنند. از این رو باید با آنها مبارزه کرد:

- ۲-۱. تحقیر و توهین به یکدیگر اعم از مسئولان، احزاب، رسانه‌ها، مذاهب و اقوام مختلف.
- ۲-۲. تبعیض و ترجیح غیر منطقی فرد یا افرادی بر دیگران به جهت قومیتی یا فکری و سیاسی چه در نگاه‌ها، و چه در رفتارها و توزیع امکانات که می‌تواند وحدت ملی را تضعیف کند.
- ۲-۳. بزرگ‌نمایی منازعات سیاسی، مسائل اختلاف‌انگیز و پررنگ کردن حاشیه‌ها.

۴-۲. گرایش‌های سلیقه‌ای و انحصارطلبی تنگ‌نظرانه در زمینه‌های گوناگون.

### زمینه‌سازی اتحاد ملی برای تحقق گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان به چهارچوب و استخوان‌بندی نظری و فکری هر مکتب و تفکر گفته می‌شود که اعمال پیروان آن را سازمان‌دهی و هدایت می‌کند. برای مثال، صورت‌بندی گفتمانی انقلاب اسلامی را می‌توان متشکل از گزاره‌های کلی و احکامی نظیر «اسلام همه‌اش سیاسی است»، «حکومت، فلسفه عملی فقه است»، «سیاست ما عین دیانت ماست» و مانند آن دانست.

جوهره اصلی گفتمان انقلاب اسلامی را باید در نوع نگاه و برداشت از روابط حاکم بر تعاملات انسانی در قالب روابط فرد با سایر افراد، فرد با جامعه و افراد و کشورها در عرصه بین‌الملل جستجو نمود که خدامحوری و دین‌مداری، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری مفاهیم اساسی این گفتمان را تشکیل می‌دهند.

امام خمینی<sup>(ع)</sup> از آغاز نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، چه از لحاظ باورهای ذهنی و چه از نظر رفتار عینی همچنان با تأکید بر این گفتمان، آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را به شکل بالنده به پیش بردند.

امام خامنه‌ای در یکی از دیدارهای رییس جمهور و اعضای هیأت دولت نهم (۱۳۸۷/۰۶/۰۲) مواردی را به عنوان مؤلفه‌های گفتمان انقلاب و امام معرفی می‌کنند که به طور خلاصه عبارتند از:

عدالت‌خواهی و استکبارستیزی، اعاده عزت ملی و ترک انفعال در مقابل سلطه و تجاوز و زیاده‌طلبی سیاست‌های دیگران و ترک شرمندگی در مقابل غرب و غربزدگی، جرات در ایجاد تحول، جرأت در مقابله با فساد، روحیه تهاجم در مقابله با زورگویان بین‌المللی.

اما در این میان به نظر می‌رسد که بهترین تعبیری که از گفتمان اصلی انقلاب اسلامی می‌توان نمود گفتمان عدالت‌محور است که عصاره تمامی موارد ذکر شده می‌باشد.

امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

«گفتمان عدالت و دقایق نظری آن به دلیل جامعیت و فراگیری و تأکید بر توزیع متناسب و عادلانه ثروت، قدرت و منزلت و ریشه داشتن در متون دینی و اصالت داشتن در رفتار پیشوایان شیعی، خصوصاً حضرت علی<sup>(ع)</sup>، یکتا راهبرد کارآمدی نظام اسلامی و اساس مشروعیت آن به‌شمار می‌آید... گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و - همان‌طور هم که چند روز پیش در جلسه‌ای مطرح کردم - همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۸۳/۰۸/۱۰).

نقطه محوری گفتمان انقلاب اسلامی، توجه به آموزه‌های اصیل اسلامی و پرهیز از به کارگیری نسخه‌های غرب در اداره کشور بوده است؛ به ویژه توجه به مفاهیمی چون عدالت‌خواهی، توجه به محرومان و مستضعفان، معنویت، آزادی، استقلال، مهدویت و مقابله با هر نوع انفعال و خودباختگی در مواجهه با قدرت‌های زورگو و ... که در حقیقت تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت مردم خواهد بود.

### مشارکت عمومی، انتخابات و اتحاد ملی

اهمیت نقش مشارکت‌های اجتماعی در همه ابعاد آن و تأثیر فعالیت‌های مردمی، نهادها، مؤسسه‌ها، سازمان‌ها و احزاب در توسعه همه‌جانبه جوامع، کاملاً روشن و بی‌نیاز از استدلال است. انتخاب و گزینش، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان است که در تعیین

سرنوشت نهایی او مؤثر است. طبیعی است که همه انسان‌ها همواره در پی انتخاب بهترین گزینه هستند. یکی از مصادیق انتخاب در حوزه زندگی اجتماعی، انتخاب اشخاص صالح برای اداره امور سیاسی و اجتماعی به نمایندگی از مردم است. انتخاب مسئولان از سوی مردم در نظام جمهوری اسلامی به دلیل گستردگی و حساسیت مسئولیت‌های آنان از اهمیت زیادی برخوردار است.

مقوله مهم مشارکت و انتخابات، تجلی اتحاد ملی است و جایگاه مشارکت مردم در گفتمان انقلاب اسلامی ریشه در دین اسلام و راهبرد حاکمیت نظام اسلامی دارد. بدیهی است که منافع و مصالح نسل‌های حال و آینده، تا حد قابل توجهی در پرتو انسجام ملی و مشارکت آگاهانه احاد جامعه در تعیین سرنوشت، معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

تأمین ثبات مستمر برای یک کشور، در گرو عوامل متعددی است که مهم‌ترین آنها دست یافتن به یک سازوکار کارآمد برای گردش قدرت سیاسی میان اندیشه‌ها و برنامه‌های سیاسی در اداره کشور بر پایه اتحاد و انسجام ملی است؛ به گونه‌ای که مردم‌سالاری به معنای واقعی آن در سایه وحدت و هم‌گرایی عمومی تحقق یابد.

در میان عناصر حیاتی مساعد و عوامل زمینه‌ساز تحقق گفتمان انقلاب اسلامی، اتحاد و انسجام ملی از شرایط اساسی و تعیین‌کننده به شمار می‌آید؛ چراکه «ثبات سیاسی» شرط حداقلی و لازم، برای آغاز و تداوم پیشرفت و دستیابی به آرمان‌هاست و مقدمه ثبات سیاسی در کشور نیز اهتمام جدی به وحدت ملی خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

وحدت و یکپارچگی، عامل پیروزی همه ملت‌ها در گذشته، حال و آینده است. اتحاد ملی و همبستگی عمومی یک ضرورت تام برای حفظ هویت ملی

و دینی است که امنیت پایدار و اقتدار درون‌زا را در پی خواهد داشت و غفلت از این امر نیز پیامدهای منفی بسیاری به دنبال دارد.

فروپاشی جوامع، به اختلاف و تفرقه بر می‌گردد. در این صورت، جامعه هر چند پیشرفته و عزتمند باشد، لباس پستی و خواری بر تن می‌کند. تفرقه از بدترین آسیب‌هایی است که می‌تواند بر یک ملت وارد آید. باید از اختلاف نظرهای برخاسته از کینه‌ورزی با طرف مقابل، پرهیز نمود و در عین اختلاف سلیقه و نظر مثل دوستی صمیمی در کنار هم زندگی کرد.

آنچه موجب اقتدار اجتماعی و امنیت ملی می‌شود رابطه تعاملی و مشارکتی است. امروزه مشارکت اجتماعی به عنوان قدرت نرم‌افزاری جوامع محسوب می‌شود که اهمیت آن از توان سخت‌افزاری و از جمله قدرت نظامی کمتر نیست. در واقع همین قدرت است که به تأیید نظریه‌پردازان عامل اصلی «پیشرفت و توسعه» محسوب می‌شود و امروز اقتدار ملی جوامع و کشورها وابستگی مستقیم به میزان توسعه آنها دارد و توسعه هم امری است که با مشارکت اجتماعی میسر می‌گردد.

در نهایت باید گفت در دنیای امروزی اقتدار ملی جوامع امری نیست که به تنهایی توسط حکومت‌ها یا دولت‌ها و یا اقلیتی از جامعه میسر باشد. اقتدار ملی مشارکت همه‌جانبه اجتماعی و مردمی را می‌طلبد.

در میان شرایط لازم برای تحقق آرمان‌ها و اهداف متعالی جامعه که در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ترسیم شده، انسجام و اتحاد ملی از جایگاه بالاتری برخوردار است. انسجام و اتحاد ملی مسیر پیشرفت همه‌جانبه را هموار می‌سازد و موانع را کنار می‌زند. تأثیر این پدیده به حدی است که گاه ناممکن‌ها را ممکن می‌کند و پشتوانه‌ای مستحکم و ستونی استوار برای حرکت به سمت اهداف و آرمان‌ها فراهم می‌نماید.

به نظر می‌رسد در دهه چهارم انقلاب اسلامی یعنی دهه عدالت و

پیشرفت، نیازمند نگاه جامع‌نگر نسبت به اهداف مقدس اسلام و انقلاب اسلامی هستیم تا شاهد پیشرفت متوازن و هماهنگ همه اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی بر اساس نیازهای جامعه باشیم که این مهم جز با وحدت ملی و مشارکت آگاهانه و هوشمندانه در تعیین سرنوشت کشور قابل دستیابی نخواهد بود.

### کتابنامه

۱. اتحاد ملی و انسجام اسلامی - نشریه طوبی - آذر ۱۳۸۶، شماره ۲۴.
۲. اتحاد ملی، انسجام اسلامی و چهار سؤال - نشریه حصون - تابستان ۱۳۸۶، شماره ۱۲.
۳. اتحاد ملی و انسجام اسلامی، موانع و راهکارها - حجت‌الاسلام کاظم لطفیان.
۴. پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری.
۵. پایگاه اینترنتی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۶. گفتمان انقلاب اسلامی، عوامل فرود عناصر فراز - ماهنامه سوره شماره ۴۲.

## جمهوری اسلامی ایران و طلوع نظم نوین اسلامی در نظام بین‌المللی

علی آزرمی<sup>۱</sup>

### مقدمه

«در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته‌ی اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است...؛ این نظم در حال تغییر است...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای خبرگان رهبری؛ ۱۳ شهریور ۱۳۹۳).

بر اساس تاریخ روابط بین‌الملل و مطالعات نظام جهانی، شرایطی که امروز جهان شاهد آن است، از جهات گوناگون جزء شرایط نادر در تاریخ بشریت و نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. به طور کلی جهان در دوران گذار است، اما چند سالی است که وارد مرحله جدیدی شده و بیداری اسلامی، بخش عمده تحولات آن است. دقت در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های گفتمان بیداری اسلامی نیز این نکته را به اثبات می‌رساند که این حرکت اساساً خود را در تقابل با نظم موجود جهانی تعریف کرده است و از این سبب می‌کوشد ضمن توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی، زمینه گسترش تمدن نوین اسلامی را به جهان معاصر فراهم سازد. سخنان مقام معظم رهبری که در ابتدای یادداشت نیز به آن اشاره شد بیانگر آن است که شرایط و تلاطم‌های کنونی فقط به فضای سیاسی و سقوط و ظهور برخی دولت‌های منطقه محدود نمی‌شود، بلکه تغییر نظم موجود و ایجاد نظم جدیدی را به دنبال خواهد شد؛ که تغییرات بزرگ‌تری در حوزه‌های مختلف را در آینده رقم

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

خواهد زد.

بر این اساس دوران گذار از نظم جهانی آمریکایی و ورود به نظم نوین جهانی یا اسلامی اکنون وارد مرحله جدیدی شده است که مقام معظم رهبری از آن با عنوان «پیچ تاریخی» یاد می‌کنند. پیچ تاریخی کنونی حاکی از تحولاتی است که آینده هندسه نوین جهانی را رقم خواهد زد، مهم‌ترین مؤلفه این نظم جدید، بر هم ریختن نمودار و هندسه نظم موجود و ایجاد نظم نوین مطابق معماری جدید است. به عبارت دیگر پایه‌های ارزشی و فکری و نیز نظام‌های سیاسی غرب متزلزل شده‌اند و نظم نوین جدید با معیارهای دینی و اسلامی در حال شکل‌گیری است. در عین حال از نظر مقام معظم رهبری، نشانه‌های بروز نظام نوین چندوجهی در مقابل نظام یک‌جانبه‌گرایی سلطه، اکنون برجسته است؛ زیرا هندسه غلط بین‌المللی موجود از ساختارهای معیوب، منسوخ، ناعادلانه و غیردمکراتیک تشکیل شده است که نیازمند بازنگری است. در واقع نظم بین‌الملل جهانی در دهه‌های اخیر بیشتر دستخوش انواع تحولات شده است که همگی حاکی از نارضایتی بودن اکثر بازیگران بین‌المللی از وضع موجود و نظم مستقر است. همانطور که اشاره شد، تحولات سال‌های اخیر در غرب آسیا و شمال آفریقا و دنیای اسلام نیز حکایت از اعتراض به نظم مستقر به رهبری آمریکا دارد. ایدئولوژی‌های گذشته و حال، مطابق با نیازهای امروز بشر نیست و بسیاری از ملت‌ها در پی تغییرات اساسی هستند. این نشان می‌دهد که هندسه جدید جهانی در حال شکل‌گیری است. تزلزل قدرت‌های سنتی نظام بین‌الملل و ظهور قدرت‌های جدید همچون قدرت فرهنگی و منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران برخی از نشانه‌های ظهور نظم نوین اسلامی است. شواهد حاکی از آن است که بازیگران جهانی نیز، این شرایط را حس کرده‌اند تا در این پیچ تاریخی جا نمانند؛ چراکه در غیر این صورت سالیان سال از گردونه رقابت با رقبای جا

خواهند ماند.

نظام جمهوری اسلامی ایران، بر اساس دیدگاه و بیانات مقام معظم رهبری، مؤثر در این هندسه نوین جهانی است. در واقع در این شرایط، چنانچه گفتمان اسلام‌خواهی با محوریت ایران نتواند سهم و جایگاه خود از آینده جهان را حفظ و تثبیت کند، و نتواند شرایط حساس و این پیچ تاریخی را درک کند، ده‌ها سال و شاید بتوان گفت قرن‌ها عقب خواهد افتاد. در حال حاضر نیز تلاش رهبر انقلاب این است که جهان اسلام را به این آگاهی برسانند که چنانچه نتوانند در این موقعیت سرنوشت‌ساز این گذار را درک کنند و به اتحاد و ائتلاف دست یابند دقیقاً گرفتار آسیبی خواهند شد که در جنگ‌های جهانی اول و دوم دچار آن شدند؛ یعنی شکل‌گیری نظم‌ی که در آن مسلمانان جایگاهی نداشتند. لزوم فهم چپستی و ابعاد این نظم جدید و بررسی نقش ایران در این شرایط، موضوع نوشتار حاضر است که می‌کوشد با نگاهی کلان‌نگر آن را مورد واکاوی قرار دهد.

### ویژگی‌های نظم نوین اسلامی از نظر مقام معظم رهبری

۱- توجه به خدا: بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، یکی از فاکتورهای هندسه نوین جهانی، توجه به خداوند متعال است. نشانه بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی.<sup>۱</sup> بشر امروز، که به علت سیاست برخی از کشورها غرق در لذایذ مادی شده است، در درون خود نوعی خلأ را احساس می‌نماید. ره‌آورد چنین سیاست‌هایی برای بشر امروز یا پوچ‌گرایی (Nihilism) بدون ارزش‌های اخلاقی و معنوی درونی است یا غرق ماندن در امور مادی و ظاهری. اما در مقابل، دهه‌هاست که جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری

۱- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

بر توجه به خدا به عنوان تنها راه درمان تأکید نموده‌اند. در هندسه نوین جهانی، بسیاری از ملت‌ها در پی بازگشت به خداوند، دین و مذهب هستند. اعتراضات درونی و بیرونی به سیاست‌های دولت‌های غربی، موج بیداری اسلامی و استقلال و تأکید ملت ایران بر حقوق خود بدون ترس و واهمه از تهدیدها و غیره، بیانگر تغییر وضع موجود در آینده نزدیک و بیانگر توجه به خدا است.

**۲- بازگشت به دین و مذهب:** موج بیداری اسلامی اکنون کشورهای عربی را درنوردیده است و هر روز گستره آن افزایش می‌یابد. اگرچه کشورهای غربی سعی دارند با فشار و نفوذ، این موج را از مسیر اصلی خود منحرف نمایند، اما این واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است که خواست و اراده ملت‌ها را به راحتی نمی‌توان منحرف کرد. به همین علت، مقام معظم رهبری، با حساسیت ویژه‌ای از پیچ تاریخی سخن گفتند؛ زیرا به این امر واقف بودند که کشورهای غربی اگر بتوانند اراده دولتمردان کشورهای دستخوش تحول را آن گونه که می‌خواهند جهت دهند، اراده ملت‌ها آن گونه که امروز هست باقی خواهد ماند و در آینده غالب خواهد شد. ایشان به صراحت اعلام نمودند که: «یک پیچ تاریخی جلوی بشریت گذاشته شد یعنی روند به سمت مادیگرایی بود و یک پیچ به سمت معنویت داده شد» در گذشته به سمت مادیگرایی پیش می‌رفت، ولی یکی از برکات حضرت امام<sup>(ه)</sup>، انقلاب اسلامی و شهدا این بود که نه تنها حاکمیت دین را در جامعه برپا کردند، بلکه جهان را به سمت خدا پیش بردند».

**۳- معنویت گرایی:** مقام معظم رهبری همواره تأکید بر معنویت بشری دارند و در این زمینه به جد معتقدند که «این قرن، قرن معنویت است». حاکمیت ارزش‌های معنوی و الهی روندی است که پس از انقلاب اسلامی ایران آغاز شد. در سال‌های گذشته، جمهوری اسلامی ایران گام‌های زیادی

برای بازگشت امور معنوی به زندگی بشر برداشته است. توجه به این امور، بخش مهمی از شاکله سیاست خارجی ایران را نیز تشکیل می‌دهد. وضعیت نگران‌کننده شهروندان کشورهای غربی برای دولتمردان این کشورها نیز مشخص شده است و آنها برنامه‌هایی را برای بازگشت برخی امور معنوی در پیش گرفته‌اند.

#### ۴- سرکوب دیکتاتوری‌ها (داخلی و بین‌المللی): هندسه نوین جهانی

با سرکوب دیکتاتوری‌ها، در دو عرصه داخلی و بین‌المللی، همراه خواهد شد. دیکتاتورهایی که اکنون زمام امور را در کشورهایشان در دست دارند، در پیچ تاریخی، سقوط خواهند کرد و در هندسه نوین، جایگاهی نخواهند داشت. علاوه بر سقوط دیکتاتوری‌های داخلی، در عرصه بین‌المللی نیز شاهد سقوط دیکتاتوری‌های بین‌المللی و نهادهایشان خواهیم بود. از منظر مقام معظم رهبری، «نظم آرمانی، در نقطه مقابل نظام سلطه قرار دارد که در قرن‌های اخیر، قدرت‌های سلطه‌گر غربی (و امروز دولت زورگو و متجاوز آمریکا) مدعی و مبلغ و پیش‌قراول آن بوده‌اند و هستند».

منظور از دیکتاتوری‌های بین‌المللی کشورهای زورگو، نهادهای بین‌المللی غیرمستقل و نهادهای اقتصادی بین‌المللی است. ایالات متحده در هندسه نوین جایگاه ابرقدرت، سقوط خواهد کرد و چهره اتوپیایی خود را قطعاً از دست خواهد داد و سایر کشورهای زورگو نیز مجبور خواهند شد در سیاست‌های خود تجدید نظر کنند. در هندسه نوین جهانی، اقتصاد بین‌الملل و نهادهای اقتصادی بین‌المللی، همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی نیازمند بازنگری اساسی‌اند. سیاست‌های اقتصادی این نهادها به حدی یک‌جانبه و دیکتاتورگونه است که حتی انتقاد بسیاری از درون خود این نهادها را برانگیخته است.

در هندسه نوین جهانی، به دلیل عدالت‌خواهی ملت‌ها و دولت‌ها، نهادهای

بین‌المللی قدیمی مانند شورای امنیت، مشروعیت خود را از دست می‌دهند. در واقع امر، در میان نهادهای بین‌المللی سیاسی، شورای امنیت ناعادلانه‌ترین ساختار را دارد. رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران نیز بارها از شورای امنیت سازمان ملل انتقاد کرده‌اند و این مسأله را به صراحت اعلام داشته‌اند. خبرگزاری فرانسه نیز در این باره نوشت: «آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، در سخنان آغازین نشست گروه نم در تهران، که بان‌کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل، در آن حضور دارد، از "دیکتاتوری" شورای امنیت سازمان ملل انتقاد کرد و گفت که این سازمان از ساختاری غیردمکراتیک و ناعادلانه برخوردار است».

بنابراین در نظم آرمانی مورد نظر مقام معظم رهبری، دیکتاتوری‌های زورگو داخلی و بین‌المللی در برابر ملت‌های جهان با چالش مواجه خواهند شد و باید اصلاح شوند. بسیاری از مسائل بین‌المللی طی سالیان زیاد، همچنان حل نشده باقی مانده‌اند. بر این اساس، تیبریو گراتسیانی، رئیس مؤسسه عالی مطالعات ژئوپلیتیک ایتالیا، اظهار داشته است: «سخنان رهبر ایران اثبات ناکارآمدی سازمان ملل در پرونده فلسطین است».

##### ۵- تبادل قدرت و توانایی‌های عمومی: طبق تحلیل‌ها و دیدگاه‌های

مقام معظم رهبری، هندسه جدید جهانی، عرصه‌ی مبادله قدرت و توانایی‌ها میان کشورها خواهد بود. در نظر ایشان، کشورهای عضو جنبش عدم تعهد باید نقش بیشتری را در معادلات جهانی پذیرا باشند و در برابر زورگویی‌های قدرت‌های بزرگ سر خم ننمایند: «در جهت تبادل قدرت و توانایی‌های عمومی بین شرق و غرب یا بین بخشی از ملت‌های دنیا با بخش دیگر، پیداست که به سوی تحولات تازه‌ای داریم پیش می‌رویم».

کشورهای اثرگذاری مانند ایران نیز نقش مهمی در انتقال توانایی‌های خود در عرصه‌های مختلف سیاسی و تکنولوژیک خواهند داشت. در هندسه

نوین آرمانی، رقابت وجود خواهد داشت، اما مبارزه قدرت‌طلبی نفی خواهد شد. به دلیل حساسیت کنونی نظام بین‌الملل و قرار گرفتن در پیچ تاریخی، کشوری مثل ایران که روح استقلال و عدالت‌خواهی خود را حفظ نموده است، با رهبری شجاعانه آیت‌الله خامنه‌ای، نقش ویژه‌ای خواهد داشت.

### نقش دنیای اسلام و ایران در نظم نوین اسلامی

از نظر مقام معظم رهبری، دنیای اسلام به دلیل پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیک و حتی جمعیتی، نقش ویژه‌ای در آینده هندسه جهانی خواهد داشت. امام خمینی<sup>(ه)</sup> نیز پیش‌تر بر بازگشت به اسلام تأکید می‌نمودند.

ایشان در صحیفه نور (ج ۱۲، ص ۲۸۲) می‌فرمایند: «ما تا به اسلام برنگردیم، تا به اسلام رسول‌الله برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش هست، نه می‌توانیم قضیه فلسطین را حلش کنیم و نه افغانستان را و نه سایر جاها را. ملت‌ها باید برگردند به صدر اسلام. اگر حکومت‌ها هم با ملت‌ها برگشتند که اشکالی نیست و اگر برگشتند، ملت‌ها باید حساب خودشان را از حکومت‌ها جدا کنند».

چنان که مشاهده می‌شود، پیش‌بینی حضرت امام کاملاً تحقق یافته است و مقام معظم رهبری نیز بر اساس آن، اکنون بیشترین نقش را در بازگشت مسلمانان به اسلام واقعی و همچنین وحدتشان ایفا می‌نماید. مسلمانان جهان اکنون در جای‌جای نقاط کره زمین پراکنده شده‌اند و مسلمانان در کشورهای اروپایی و آمریکا، جزء اقلیت اثرگذار محسوب می‌شوند. ملت‌های مسلمان و مردم ایران بدون تردید نقش بیشتری در آینده تحولات جهانی خواهند داشت. جایگاه ایران، به دلیل ماهیت نظام خود و نقش مقام معظم رهبری در وحدت مسلمانان، استکبارستیزی و عدالت‌خواهی، برجسته‌تر خواهد بود. ایران به عنوان کشور مهم منطقه غرب آسیا (خاورمیانه)، نقش

مهمی در مدیریت تحولات این منطقه دارد. رهبر جمهوری اسلامی ایران در این میان، به عنوان رهبری معنوی، به دنبال وحدت و جلوگیری از تفرقه و اختلاف میان مسلمانان است. هندسه نوین جهانی زمانی وارد عرصه عملیاتی‌تر خواهد شد که مسلمانان با بصیرت، اختلاف‌افکنی و فرافکنی، بیگانگان را مدیریت نمایند تا باعث ارتقا و قدرت مسلمانان در عرصه جهانی شوند. رهبر ایران از هر نشست و کنفرانس بین‌المللی مسلمانان استفاده کرده‌اند و وحدت مسلمانان را به عنوان فصل‌الخطاب مطرح نموده است.

### ایران قدرتمند در چشم‌انداز نظام نوین اسلامی

حال سؤال اصلی این است که ایران در این نظام متحول جهانی در کجا قرار دارد؟ و قابلیت‌ها و توانمندی‌های آن چیست؟ در اینجا درصدد نیستیم که به عوامل و پارامترهای قدرتی ایران بپردازیم، اما ایده این قسمت نوشتار، این است که ایران در محور این تحولات قرار دارد و قابلیت‌های متفاوت و فاخری در این زمینه داراست.

مهم‌ترین توانایی محوری ایران، قابلیت‌های فکری و نرم‌افزارانه آن است. نباید فراموش کنیم که این قابلیت به شدت توانایی تغییر را دارد. در این راستا، دو موضوع به ما کمک شایان توجهی می‌کند: اول غنای فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی و دوم سابقه دینی و اسلامی ما. هر دو این مؤلفه‌ها را می‌توان با جزئیات توضیح داد که از حوصله این نوشتار خارج است، اما نکته این است که هر دو این مؤلفه‌ها باعث قدرت کاریزمایی ما در دنیا می‌شود و به همین سبب، همیشه ایران در میان جهانیان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. ما می‌توانیم از لحاظ فکری، با توجه به آسیب‌هایی که نظم وستفالی داراست، در زمینه‌های زیر فعال باشیم و مدرانه برای آنها، به‌ویژه در دستگاه دیپلماسی خود، برنامه‌ریزی کنیم:

## ۱- ترویج دین در عرصه نظام بین‌الملل

همان‌طوری که می‌دانیم، دنیای غرب نظم و ستفالی را از لحاظ معرفتی لائیک بنا نهاد، ولی این تفکر لائیک خسارت‌های زیادی را به دنیا وارد کرد. دین راستین می‌تواند راه را برای خیلی از بن‌بست‌های جهانی باز کند که اول آنها اخلاق‌گرایی است. بسیاری از بحران‌های بین‌المللی ناشی از بی‌اخلاقی‌های موجود در نظم و ستفالی است. مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران، رهاورد دین در عرصه سیاست است. میراث گفتمانی حضرت امام<sup>(ره)</sup> بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز همین است.

## ۲- شکل دادن به انسان حقوق-تکلیف‌مدار

یکی از مهم‌ترین ابعاد تفکر اسلامی در بستر انقلاب اسلامی ایران، این است که انسان فقط انسان حقوق‌مدار و لذت‌جو نیست. انسان عصر مدرن، تنها حقوق‌مدار و لذت‌جو دیده شده است؛ دیدگاهی که در خود دنیای غرب نیز به‌سختی به چالش کشیده شده است. این انسان لذت‌جو، هم به خود، هم به سایر انسان‌ها و حتی به محیط‌زیست اطراف خود، خسارت‌های زیادی را وارد آورده است که مسبب اصلی آن، تفکر غربی نهفته در بستر این پارادایم فکری است. حال ایران در مجامع گوناگون، این ایده را مطرح کرده، اما نیازمند آن است که برای آن مدبرانه برنامه‌ریزی نماید. در این میان، تغییر در تفکر حقوق بشری مبتنی بر فرهنگ و تمدن غربی و همچنین بازتعریف اصل مسئولیت دولت‌ها، بسیار حائز اهمیت است.

## ۳- رهبری راهبردی جهان اسلام

امروزه متأسفانه جهان اسلام سخت دچار تشقت و واگرایی است. در اینجا درصدد نیستیم که دلایل این شرایط مورد بحث قرار گیرد، اما ادعا این است که ایران به‌خوبی دارای قابلیت رهبری حرفه‌ای و فنی جهان اسلام است که در عین حال، دارای یک عمق راهبردی نیز برای ما هست. عملکرد

اخلاق‌مدارانه‌ی ایران در جهان اسلام و به‌ویژه حمایت از حزب‌الله لبنان، به‌خوبی اثبات‌کننده رسالت اخلاقی ما بوده است. ما با پایمردی و مساعی جمیله، ایستادگی کردیم و پرچم مقاومت را در اهتزاز نگه داشتیم. ما اکنون سرمایه بسیار خوبی داریم که می‌توانیم از شخصیت و هویت کاریزمای ملی خود در جهان اسلام استفاده کنیم.

#### ۴- ارائه چهره صحیح از اسلام یا معرفی اسلام ناب محمدی<sup>(ص)</sup>

علی‌رغم گذشت بیش از سه دهه از شانتازهای تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی، اکنون ایران ثابت کرده است که اصیل‌ترین و مدبرانه‌ترین تفکر اسلامی را در این منطقه آشوب‌زده داراست. ایران و رهبری آن، همواره خشونت‌طلبی را محکوم کرده‌اند و حتی خود قربانی دشمنی‌های خشونت‌طلبانه و تروریستی بوده‌اند. اگر بازیگران منطقه‌ای و جهانی، اخلاقی و به دور از سیاست دروغ به قضایای فعلی منطقه، به ویژه جریان‌های سلفی بنگرند، خیلی آسان تشخیص خواهند داد که ایران چه چهره با اصالت و درستی دارد. این در حالی است که اکنون خود برای مقابله با افراطی‌گری سلفی به کمک‌های ایران نیاز پیدا کرده‌اند و البته به نظر می‌رسد که غرب، به‌ویژه آمریکا، به دنبال تکه‌تکه کردن کشورهای اسلامی و استقرار سیاستِ تفرقه بینداز و حکومت کن هستند.

#### ۵- طرح عدالت‌جویی جهانی

یکی از خصایص منفی نظم وستفالی غیر اخلاقی بودن و ناعادلانه بودن آن است. رهاورد اصلی انقلاب اسلامی ایران، عدالت‌طلبی آن است. این خصیصه نه تنها در جهان اسلام، بلکه در میان کشورهای جنوب نیز طرفداران زیادی را برای ایران به وجود آورده است. به عبارت دیگر، عدالت‌خواهی خصیصه ذاتی بشری است و هر نظم جهانی که نتواند به عدالت منتهی شود، در نهایت فروخواهد پاشید و امروز یکی از ویژگی‌های نظم مستقر وستفالی،

بی‌عدالتی در شعب مختلف آن، به‌خصوص در زمینه‌های اقتصادی است که سبب شده تا هرچه بیشتر شکاف بین فقر و غنی در دنیا بیشتر شود. در این زمینه، ایران دستاوردهای بسیار خوبی در میان کشورهای جنوب، به‌خصوص در میان کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین دارد که شایسته است به بهترین شکل، از این سرمایه خود در این دوران انتقالی در نظم جهانی، استفاده کند.

## دست برتر دیپلماسی از آستین مقاومت

قاسم غفوری

جهان، دنیای تعامل است و کشورها ناچار به حضور در معادلات جهانی برای تأمین منافع هستند. کشورها نمی‌توانند حصارى به دور خود کشیده و به تنهایی زندگی کنند؛ چراکه خواه‌ناخواه زندگی بشریت به هم گره خورده و کشورها برای بقا نیازمند حضور در صحنه جهانی هستند. نکته مهم آن است که اعلام بی‌طرفی یک کشور صرفاً نمی‌تواند ضامن امنیت و منافع آن کشور شد؛ چراکه موقعیت جغرافیایی و چگونگی برخورداری از منابع خدادادی در زمینه‌ساز توجه و بعضاً دخالت سایر کشورها در یک کشور می‌شود. بر این اساس کشورها برای بهره‌گیری از فرصت و مقابله با تهدیدات نیازمند دیپلماسی هستند.

باید توجه داشت که دیپلماسی صرفاً به منزله مذاکره و تعامل با جهان نیست، بلکه گاهی به منزله پاسخ‌های تهاجمی به تهدیدهای بازیگران منطقه‌ای و جهانی است. بر این اساس دیپلماسی را می‌توان مجموعه‌ای از فرآیندهای رفتاری براساس رفتارهای سایر کشورها و البته ملت‌ها و نهادهای بین‌المللی تعریف نمود که از روابط راهبردی تا روابط قهرآمیز و تقابل را در بر می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری با موقعیت جغرافیایی راهبردی و منابع اقتصادی گسترده، مسلماً نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد و خواه‌ناخواه باید در حوزه دیپلماسی حضوری فعال داشته باشد. این امر زمانی بیشتر نمود می‌یابد که به رغم رویکرد مسالمت‌آمیز و دوستانه ایران به جهانیان، برخی از کشورها با تصور استعمار و استثمار ایران، چشم به این سرزمین دوخته و از هیچ توطئه‌ای فروگذار نیستند.

با توجه به تأکید ملت بزرگ ایران مبنی بر حفظ استقلال و آزادی و عدم ظلم‌پذیری، دستگاه دیپلماسی در ایران نقش مهم و تأثیرگذار دارد که همواره زیر ذره‌بین ملت بوده و هست؛ چنانکه در کنار حمایت‌های قاطع از دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با نقدها و بیان مطالبات مشفقانه خویش بر لزوم پاسخ‌گویی قاطع به زیاده‌خواهی‌های دیگران و البته نگاه تعاملی به سراسر جهان به ویژه همراهی مظلومان در برابر ظالمان تأکید دارند.

### قدرتمند کیست؟

در باب قدرت و جایگاه منطقه‌ای و جهانی کشورها دیدگاه‌های متعددی مطرح است که در دو حوزه موافقان و مخالفان هم‌گرایی با قدرت‌های برتر جهان تقسیم می‌شود. آنچه نظام سلطه با محوریت آمریکا بر آن تأکید دارند آن است که هر کشوری در کنار آمریکا باشد از جایگاه و توان بالایی برخوردار خواهد بود و هر کشوری که مغایر این اصل حرکت کند نمی‌تواند دستاوردی داشته باشد، نمود این عبارت را در سخنان جرج بوش پسر پس از حوادث ۱۱ سپتامبر می‌توان مشاهده کرد که می‌گوید: «هر که با ما نیست علیه ماست» و یا باراک اوباما رئیس‌جمهور کنونی آمریکا که در باب ائتلاف‌مند داعش می‌گوید «هر که در این ائتلاف باشد، با ماست و هر که نباشد حامی تروریسم، و آمریکا با آن مقابله خواهد کرد». هر چند که غربی‌ها با تئوری‌های متعدد و فضا سازی رسانه‌ای گسترده تلاش دارند تا این نظریه را بر جهانیان تحمیل نمایند، اما بررسی آنچه در غرب آسیا (خاورمیانه) می‌گذرد حقایقی مغایر با این ادعاها را نشان می‌دهد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس همواره بهترین روابط را با آمریکا داشته و به نوعی تأمین‌کننده منافع آن در منطقه بوده‌اند.

حال آنکه به ادعان جهانیان هرگز این کشورها به عنوان قدرت منطقه‌ای

شناخته نشده و در معادلات جهانی نقشی برای آنها در نظر گرفته نشده و اگر هم نگاهی به آنها بوده صرفاً به دلیل منابع نفتی و دلارهای بادآورده آنان بوده که صرف باعث خریدهای تسلیحاتی و بحران‌سازی در منطقه گردیده است.

در نقطه مقابل، جمهوری اسلامی ایران که همواره در تقابل با آمریکا بوده، به عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای شناخته شده و حتی مقامات آمریکایی نیز به آن اذعان دارند. در باب توان ایران همان بس که هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در پایان دوره چهار ساله‌اش می‌گوید بزرگ‌ترین چالش من ایران بوده است. هنری کیسینجر، ثنوریسین بزرگ آمریکایی که معمار سیاسی خارجی آمریکا در چند دهه اخیر بوده، ایران را امپراتوری منطقه معرفی می‌کند و تأکید دارد اولویت آمریکا به جای داعش باید مقابله با ایران باشد. برژینسکی سیاستمدار کهنه‌کار آمریکا نیز می‌گوید ایران قدرتی منطقه‌ای است و آمریکا چاره‌ای جز پذیرش این قدرت ندارد.

حال این سؤال مطرح است که با وجود روابط نزدیک کشورهای عربی به آمریکا و میلیاردها دلار خریدهای تسلیحاتی این کشورها، چرا جهانیان و از جمله خود مقامات آمریکایی این کشورها را قدرت منطقه نمی‌دانند و جمهوری اسلامی ایران را قدرت برتر منطقه معرفی می‌کنند؟ پاسخ به این پرسش را در یک جمله می‌توان داد و آن اینکه در دنیا میزان قدرت کشورها بر اساس توانایی مقابله آنها با آمریکا و قدرت‌های جهانی سنجیده می‌شود. هر چند که مسائل اقتصادی از این مؤلفه‌ها به حساب می‌آید، اما نقشی تعیین‌کننده ندارد، چنانکه چین و هند به رغم قدرت اقتصادی برتر جهان مانند روسیه دارای جایگاه جهانی نبوده و بعضاً به عنوان قدرت درجه دو جهان شناخته می‌شوند. به گفته بسیاری از نظریه‌پردازان، توان دفاعی بالا که برگرفته از استقلال درونی باشد به گونه‌ای که اگر آن کشور با جنگی مواجه شد توان تأمین امنیت و تسلیحات بدون دریافت کمک‌های خارجی را داشته

باشد، میزان تأثیرگذاری در معادلات منطقه‌ای و جهانی را مشخص می‌سازد. بر اساس همین اصول پذیرفته‌شده در صحنه بین‌الملل است که جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از توان بالای دفاعی و نیز قدرت تأثیرگذاری بر منطقه مغایر با خواست و اهداف نظام سلطه به سرکردگی آمریکا به عنوان قدرت منطقه شناخته می‌شود. حال این سؤال مطرح است که عامل اصلی اقتدار ایران چیست و چه عواملی در تحقق این امر تأثیرگذار بوده است؟

### پاسخ به یک پرسش

پاسخ به این پرسش را در مواضع سران غرب و محافل رسانه‌ای آنان می‌توان جستجو کرد. اوباما در مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۲ در واکنش به سخنان رامنی، رقیب جمهوری خواهش که خواستار اقدام نظامی علیه ایران می‌شود می‌گوید: «سخن گفتن از جنگ در قبال ایران دیوانگی است».

پنتاگون و نهادهای اطلاعاتی آمریکا نیز می‌گویند: شاید آمریکا آغازگر جنگ علیه ایران باشد، اما پایان‌بخش آن نخواهد بود. آنها تأکید می‌کنند جنگ با ایران منطقه را به آتش خواهد کشید و آمریکا بازنده این جنگ خواهد بود. دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی نیز می‌گوید اگر به ایران موشکی شلیک شود در برابر پاسخ ایران، نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم، فرصت خوردن یک فنجان قهوه را نخواهد داشت.

برای درک بهتر مؤلفه‌های قدرت ایران می‌توان به مطالبات غربی‌ها در فرآیند مذاکرات هسته‌ای اشاره کرد. اوباما در سال ۲۰۰۸ در باب اهداف آمریکا در قبال ایران می‌گوید: «هدف ما استفاده از هویج و چماق‌های بزرگ‌تر برای مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حمایت ایران از گروه‌های

مقاومت در منطقه و عدم جنگ ایران با رژیم صهیونیستی است». پس از توافق ژنو در زمستان ۱۳۹۲ نیز کاخ سفید اعلام می‌کند: «هر چند توافق با ایران صورت گرفته، اما این به معنای نادیده گرفتن رفتارهای منطقه‌ای ایران نیست و ایران باید از حمایت حماس، حزب‌ا... و سوریه (ارکان مقاومت) دست بردارد».

جان کری، در نشست استماع کنگره در باب مذاکرات هسته‌ای می‌گوید: «۱۰ سال پیش ایران ۲۰۰ سانتریفیوژ داشت و امروز ۱۹ هزار عدد دارد. آن روز غنی‌سازی اورانیوم نداشت و امروز غنی‌سازی ۲۰ درصد دارد. اگر با ایران امروز مذاکره نکنیم معلوم نیست فردا چه خواهد شد». محافل رسانه‌ای آمریکا و اندیشکده‌های این کشور نیز بارها اذعان کرده‌اند ایران با بازوی مقاومت توانسته جایگاهی تأثیرگذار در معادلات منطقه کسب کند و غرب توان نادیده گرفتن آن را ندارد. آنها تأکید می‌کنند که عنصر مقاومت نه تنها در عرصه سیاسی و امنیتی منطقه بلکه در میان ملت‌ها نیز ایران را به جایگاهی مهم رسانده است.

با توجه به این شرایط به صراحت می‌توان گفت آنچه غرب را به پای میز مذاکره با ایران کشانده است نگاه مسالمت‌آمیز و یا تغییر دیدگاه ضد ایرانی آنها نیست، بلکه این مقاومت ایران بوده که موجب شده تا غرب گزینه‌ای جز مذاکره در پیش روی نداشته باشد و گرنه غرب هر زمان که توانسته گزینه نظامی و تهدید را در پیش گرفته که با شکست مواجه شده که نمود عینی آن تجاوز پهلپاد رژیم صهیونیستی به حریم هوایی ایران بود که به دست توانمند پدافند هوایی ایران سرنگون شد.

بر اساس اعتراف خود غربی‌ها، مقاومت و عدم عقب‌گرد ایران در دستیابی به حقوق خود شاخص اصلی مذاکرات هسته‌ای بوده است. حال آنکه در باب تحولات منطقه نیز این مقاومت بوده که اعتراف جهانی به نقش ایران را رقم

زده است. تفاوت دیدگاه سازشکارانه با مقاومت را در تفاوت دستاوردهای ایران و کشورهای عربی می‌توان یافت. آنانی که به روند سازش روی آوردند، نه تنها دستاوردی نداشته‌اند، بلکه امتیازات بسیاری داده‌اند و هر روز از میزان جایگاه مردمی آنها کاسته شده است. حال آنکه الگوی مقاومت هر روز دستاوردهای بسیاری داشته است. جهانیان اذعان دارند هر جایی که ایران با الگوی مقاومت وارد شده، پیروز میدان بوده است که از آثار آن پیروزی مقاومت بر رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه لبنان، ۲۲ روزه و ۸ روزه و ۵۱ روزه غزه و دستاوردهای گسترده ایران در گسترش روابط با کشورهایی مانند عراق است که به اذعان جهانیان ایران محور اصلی تحولات این کشور است.

حمایت قاطع ایران از سوریه در برابر تروریسم و تهدیدهای خارجی در طول سه سال و نیم گذشته یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در تقویت جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران بوده است. نکته مهم آنکه الگوی مقاومت موجب شده است تا ملت‌ها نیز نگاه ویژه‌ای به ایران داشته باشند، چنانکه مردم یمن، بحرین، مصر و... ایران را الگوی قیام خود می‌دانند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها از دخالت در امور آنها خودداری می‌کند و صلح و ثبات آنها را صلح و ثبات خود می‌داند، اما ملت‌های منطقه به دلیل همان روحیه مقاومت، بر لزوم الگوگیری از ایران تأکید دارند و در این راه نیز به دلیل وابستگی دولتمردانشان به غرب، راهکار اولیه تحقق آرمان‌هایشان برای رسیدن به پیشرفت و توسعه را الگوگیری از انقلاب ملت ایران در سرنگون‌سازی رژیم‌های پادشاهی و دست‌نشانده خود می‌دانند. اصلی مردمی که سران برخی از کشورهای عربی برای توجیه عدم پاسخگویی به مطالبات مردم و توجیه سرکوب‌گری‌های خود از آن با نام دخالت ایران یاد می‌کنند، حال آنکه این مسائل کاملاً مطالبه

مردمی و برگرفته از انزجار ملت‌های منطقه از وابستگی به غرب است.

### راه تعامل با جهان

چنانکه ذکر شد هیچ کشوری نمی‌تواند در میان حصار خودساخته زندگی کند و در نهایت محکوم به تعامل با جهان است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر استثنا نیست؛ بنابراین رویکرد جهانی از اولویت‌های آن است. دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران مأموریت دارد تا ضمن حفظ تمام ارزش‌ها و آرمان‌های مردم و انقلاب اسلامی آنان، برای تعامل با جهان گام بردارد. در همین چارچوب نیز همواره اصل موضع‌گیری شفاف و قاطع در حمایت از مظلوم در برابر ظالم از مقابله با نظام سلطه از ارکان دستگاه دیپلماسی کشور بوده است. نمود عینی این مسأله حمایت‌های قاطع دولت‌ها از ملت فلسطین در مقاطع مختلف بوده است.

حال این سؤال مطرح است که راهکار دستگاه دیپلماسی در مقطع کنونی برای حفظ و استمرار روند رو به رشد جایگاه مهم ایران در معادلات جهانی چیست؟ پاسخ به این پرسش را در عملکردهای ملت‌ها و بسیاری از دولت‌های جهان به عنوان جامعه هدف دستگاه دیپلماسی کشور می‌توان جستجو کرد.

### الف) نگاه ملت‌ها

جنگ ۵۱ روزه غزه در حالی روی داد که در طول این مدت، یک اصل در سراسر جهان مشاهده می‌شد و آن فریاد ملت‌ها در حمایت از فلسطین و مقاومت بوده است. این حقیقت غیر قابل کتمان است که اکثریت ملت‌ها حتی در اروپا و آمریکا و به ویژه در منطقه آمریکای لاتین با برپایی تظاهرات ضد صهیونیستی بر حمایت از فلسطین و مقاومت منطقه تأکید کردند. این امر چنان بود که بسیاری از دولت‌ها برای کسب وجهه مردمی به موضع‌گیری

در حمایت از فلسطین پرداختند که برخی از آنها مقامات اروپایی بوده‌اند؛ کشورهای که در روزهای آغازین جنگ در کنار صهیونیست‌ها بودند تحت فشار افکار عمومی وادار به تغییر موضع و انتقاد از این رژیم شدند. نشست سران ناتو در ولز (شهریور ماه ۹۳) در حالی برگزار شد که مردم در بسیاری از کشورهای اروپایی با برپایی تظاهرات، خواستار برچیده شدن ناتو و عدم همراهی کشورهای اروپایی با آمریکا شدند. جالب توجه آنکه سفر مقامات آمریکایی به سایر کشورها به طور معمول با تظاهرات ضد آمریکایی همراه است. مجموع این مثال‌ها و ده‌ها تحول دیگر جهانی نشان می‌دهد که نگاه ملت‌ها به الگوی مقاومت است و آنها به دنبال رویکرد کشورشان به کشورهای است که در چارچوب مقاومت و عدم سازش با نظام سلطه گام بر می‌دارند که با توجه به سابقه درخشان ایران در این حوزه می‌توان از این ظرفیت برای تعامل گسترده با جهان بهره گرفت.

### ب) نگاه دولت‌ها

زمانی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بر این ادعا بودند که تعامل با آنها یعنی رسیدن به همه چیز و کشوری که با آنها نباشد با انزوای جهانی مواجه می‌شود. هر چند آمریکایی‌ها در فضای رسانه‌ای همچنان بر این امور تأکید دارند، اما بیان چند مثال ساده حقیقتی دیگر را ثابت می‌کند. شصت و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد با حضور اعضا در نیویورک در حالی برگزار شد که یک اصل به کرات در آن مشاهده می‌شود و آن نهادینه شدن راهبرد مقاومت در میان کشورها است. زمانی فقط ایران و چند کشور محدود با الگوی مقاومت در سازمان ملل سخنرانی می‌کرد، اما اکنون در این جمع طیف وسیعی را می‌توان مشاهده کرد که از آن جمله سخنرانی خانم فرناندز در مجمع عمومی سازمان ملل بود که از یک سو سیاست‌های سلطه‌گرایانه آمریکا را زیر سؤال برد و از سوی دیگر حمایتی قاطع از مقاومت

از جمله مقاومت فلسطین، حزب الله لبنان و نظام سوریه داشت. موضعی که با استقبال گسترده ملت‌ها و دولت‌ها مواجه شد. نمونه‌های چنین رویکردهایی را در سخنرانی‌های متعددی در سازمان ملل می‌توان مشاهده کرد.

آمریکا در حالی ادعای اجماع جهانی به رهبری این کشور برای به اصطلاح مقابله با داعش را مطرح می‌کرد که در نهایت چند کشور اروپایی و عربی و رژیم صهیونیستی در کنار این کشور قرار گرفتند و سایر کشورها با طرح آمریکا مخالفت کردند. نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حالی برگزار شد که از نکات مهم آن را بیانیه جنبش عدم تعهد با ۱۲۰ عضو، در حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و نیز لزوم لغو تحریم‌ها می‌توان مشاهده کرد. اقدامی که مشابه آن توسط گروه ۷۷ و چین در حاشیه نشست سازمان ملل تکرار شد.

نکته قابل توجه دیگر آنکه روسیه در حالی که با تحریم‌های آمریکا و اروپا مواجه شد از اولویت‌های خود را هم‌گرایی با ایران قرار داد. هر چند که مسائل اقتصادی و ظرفیت‌های ایران از دلایل این هم‌گرایی است، اما چنانکه خود روس‌ها اذعان دارند تجربیات مقاومتی ایران مؤلفه مهم در رویکرد روسیه به تهران برای برخورداری از این تجربیات بوده است.

### جان کلام

با توجه به مجموع مؤلفه‌های ذکر شده از عرصه جهانی می‌توان گفت که بازوی مهم دستگاه دیپلماسی در تحقق اهداف خویش از جمله تعامل با همه جهان را مقاومت تشکیل می‌دهد. البته باید در نظر داشت که این مقاومت در چارچوب ایستادگی دستگاه دیپلماسی در برابر زیاده‌خواهی غرب و نیز تقویت جبهه ضد امپریالیسم با مؤلفه‌های دیگری نیز قدرتمندتر می‌گردد که محور آن را نیز الگوی مقاومت در سایر عرصه‌های کشور تشکیل می‌دهد. با اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به جای چشم‌داشت به

کمک‌ها و درآمدهای خارجی، یکپارچگی ملی در رفع مشکلات و حتی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌توان به ضرورت بهره‌گیری از اصل مقاومت پی برد؛ مؤلفه‌ای که تحقق آن در حوزه داخلی و خارجی دستاوردهای بسیاری را به همراه خواهد داشت که بخشی از آن ثبت کارنامه‌ای موفق و غرورآفرین برای دستگاه دیپلماسی خواهد بود که تجلی‌بخش آرمان‌ها و اهداف تعریف‌شده در قانون اساسی برای دستگاه دیپلماسی کشور می‌شود.

## اهداف پنهان ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و دلایل عدم حضور ایران در این ائتلاف

محمدرضا مرادی

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا به مناسبت سالگرد ۱۱ سپتامبر طی یک سخنرانی سیاست‌های آمریکا را در مورد گروه تروریستی داعش اعلام کرد. وی بیان داشت که داعش در هر نقطه باشد مورد حمله قرار خواهد گرفت و این گروه، تهدیدی علیه منافع ملی و امنیت آمریکا است. به دنبال این سخنرانی ائتلاف ۴۰ کشور تشکیل شد و بر ضرورت حمله به داعش تأکید داشتند. تاکنون این ائتلاف توانسته است مواضع داعش را در خاک عراق هدف قرار دهند، اما نکته قابل تأمل در این مورد نقض حاکمیت سوریه به وسیله جنگنده‌های آمریکا و هم‌پیمانان عربش است که به بهانه مبارزه با داعش صورت گرفته است. اما از همان ابتدای تشکیل ائتلاف بین‌المللی به اصطلاح ضد داعش تردیدهایی در مورد اهداف پشت پرده این ائتلاف وجود داشت. مهم‌ترین سؤالی که از همان ابتدا در مورد این اقدام آمریکا مطرح شد این بود که در صورتی که نیت واقعی بانیان این ائتلاف مبارزه با داعش است، چرا کشورهایی مانند ایران، سوریه و روسیه در این ائتلاف نیستند؛ به ویژه ایران که در سال‌های اخیر هم قربانی تروریسم بوده است و هم پرچمدار مبارزه با تروریسم. به همین دلایل کارشناسان و ناظران منطقه‌ای هدف از ایجاد این ائتلاف را دلایلی غیر از مبارزه با داعش می‌دانستند. در این مطلب سعی می‌شود به سه هدف پنهان بانیان این ائتلاف پرداخته شود و در انتها دلایل عدم حضور ایران در ائتلاف بین‌المللی ضد داعش بررسی خواهد شد.

## اهداف ائتلاف ضد داعش

شاید بتوان تعریفی که از سیاست وجود دارد را در مورد ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در اینجا به کار برد: «سیاست همانند کوه یخی است که تنها بخش بسیار کوچکی از آن روی آب است و بخش اعظم آن در زیر آب و از دید پنهان است». در مورد این ائتلاف نیز دقیقاً وضع به همین منوال است. هدف اعلامی، مبارزه با داعش ذکر شده، اما در پشت پرده دلایل دیگری وجود دارد که در این مطلب سه دلیل از آنها بررسی می‌شود:

### ۱- ابزاری برای محبوبیت

باراک اوباما در دوران ریاست جمهوری خودش به ویژه در دور دوم با انتقادهای بسیاری روبه‌رو شده است. بیشترین انتقادی که به وی وارد کرده‌اند عدم به کارگیری سیاست سخت است. در واقع منتقدان داخلی جامعه آمریکا وی را به اتخاذ سیاست‌های منفعلانه محکوم کرده و وی را رئیس جمهوری در حد آمریکا نمی‌دانند. توجیه آنها نیز این است که چرا اوباما قدرت تصمیم‌گیری درباره اعزام نیرو یا صدور دستور حمله به غرب آسیا را ندارد (در صورتی که اوباما آنچنان که منتقدان می‌گویند صلح‌طلب نبوده و در دوران ریاست جمهوری‌اش به ۷ کشور از جمله لیبی، سومالی، عراق، افغانستان و یمن حمله کرده است).

این انتقاد زمانی حائز اهمیت است که دموکرات‌ها که اوباما نماینده آنها است انتخاباتی در پیش داشته باشند و عدم محبوبیت اوباما هزینه‌های زیادی را بر هم‌حزبی‌های وی در حزب دموکرات وارد کند. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا نزدیک است و برای دموکرات‌ها حکم مرگ و زندگی را دارد. در حال حاضر تعداد دموکرات‌ها نسبت به جمهوری‌خواهان در سنا ۵۵ به ۴۵ است. اما در این دوره در ایالت‌هایی که عمدتاً اوباما بازنده بوده، کرسی‌های

سنا مورد رأی‌گیری قرار می‌گیرد و جالب اینکه عمده این کرسی‌ها در حال حاضر در اختیار دموکرات‌ها قرار دارد و نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ در این ایالت‌ها می‌تواند زنگ خطر را برای سناتورهای دموکرات فعلی به صدا در آورد. در حال حاضر دموکرات‌ها ۱۵ کرسی این‌چنینی را در اختیار دارند و برنده شدن جمهوری‌خواهان در نیمی از آنها می‌تواند ترکیب سنا را متحول و به نفع آنها نماید.

لازم به ذکر است اگر دموکرات‌ها بتوانند حداقل ۱۶ کرسی از ۳۶ کرسی را به دست آورند برنده انتخابات میان دوره‌ای سال ۲۰۱۴ خواهند بود. حال آنکه از این ۳۶ سناتوری که دوره فعالیت آنها به سر آمده و می‌بایست ایالت‌های آنها سناتور جدیدی را انتخاب کنند ۲۱ سناتور دموکرات و ۱۵ سناتور هم جمهوری‌خواه هستند. این مسأله کار را برای دموکرات‌ها کمی دشوار و البته پیچیده کرده است.

این وضعیت نامناسب برای دموکرات‌ها فشار زیادی را متوجه اوباما کرده است و وی به ناچار باید برگ برنده‌ای برای بازیابی محبوبیت دموکرات‌ها رو کند. اوباما مبارزه با داعش را به عنوان برگ برنده در این مورد رو کرده است. این امر برای وی می‌تواند فواید زیادی داشته باشد. از جمله اینکه وی می‌تواند نشان دهد که بر خلاف انتقادهایی که از سوی منتقدان بر وی وارد می‌شود نه تنها منفعل نیست، بلکه سیاست نرم وی در مواقع لازم می‌تواند بسیار سخت نیز باشد؛ بنابراین اوباما در اقدامی انحرافی علم مبارزه با داعش را در دست گرفته است در حالی که هدف واقعی وی بیشتر یک سیاست انتخاباتی است و گر نه چطور می‌توان باور داشت داعشی که توسط خود آنها تأسیس و تقویت شده است اکنون به عنوان دشمن شماره یک مورد حمله قرار بگیرد.

رئیس جمهور آرژانتین در سخنرانی خود در شورای امنیت به خوبی به

این سیاست مزورانه غربی‌ها حمله کرد. وی در این سخنان چنین گفت: «ما یک سال قبل بازهم جمع شده بودیم و شماها مدعی شده بودید که نظام بشار اسد رئیس جمهوری سوریه یک نظام دیکتاتوری است و در آن زمان شما به مخالفان کمک کردید و از آنها حمایت می‌کردید، شما از مخالفانی حمایت می‌کردید که مدعی بودید انقلابی هستند، اما امروز چه شده است بازهم گردهم آمده‌ایم، اما این بار جمع شده‌ایم تا آن انقلابیونی را که تا سال قبل از آنها حمایت می‌کردیم سرکوب کنیم، با این تفاوت که امسال دیگر مطمئن شده‌ایم، این انقلابیون تروریست هستند؛ بنابراین الان متوجه شده‌اید که بسیاری از این گروه‌هایی که تا دیروز انقلابی خوانده می‌شدند در واقع گروه‌های فعال تروریستی هستند، آنها از تندرو به گروه‌های بسیار تندروتر تغییر موضع داده‌اند». رئیس جمهور آرژانتین در ادامه با بیان این سؤال که «داعش و القاعده سلاح‌های خود را از کجا آورده‌اند؟ مبارزان آزادی‌خواه دیروز، تروریست‌های امروز هستند» سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحده را به شدت مورد انتقاد قرار داد.

بنابراین کاملاً مشخص است که یکی از اهداف پشت‌پرده غرب از حمله به داعش سیاست انتخاباتی اوباما برای انتخابات میان دوره‌ای کنگره در چهارم نوامبر (۱۰ آبان) است.

## ۲- بازیابی آبروی سیاسی

آمریکا همواره سعی دارد از پدیده‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری در جهت منافع خود بهره بگیرد. این کشور در چند سال گذشته با افت شدید محبوبیت نزد افکار عمومی مواجه بوده است؛ بنابراین به دنبال بهانه‌ای برای فرافکنی و بازیابی پرستیژه و اعتبار از دست‌رفته هرچند به صورت ظاهری است. از این رو یکی دیگر از دلایلی که می‌توان برای بررسی علت حمله

ائتلاف بین‌المللی ۴۰ کشور به رهبری آمریکا ذکر کرد، تلاش برای کسب اعتبار از دست‌رفته نزد افکار عمومی است. آمریکا و هم‌پیمانانش در سال ۲۰۰۱، به بهانه مبارزه با القاعده، وارد افغانستان شدند و سربازان زیادی را به این کشور اعزام نمودند. اکنون ۱۳ سال از آن زمان می‌گذرد و نه تنها تروریسم القاعده در افغانستان نابود نشده، بلکه بذر تروریسم در سراسر منطقه پخش شده است. این شکست و همچنین ناتوانی آمریکا در عراق، اعتبار اعلامی این کشور را تا حد زیادی مخدوش کرد. حال نوبت به داعش رسیده که ضربه‌ای دیگر بر اعتبار آمریکا و غربی‌ها وارد کند، اما این‌بار آمریکا سعی دارد با حمله به داعش، خود را منادی مبارزه با تروریست نشان دهد تا حداقل قادر به بازپایی بخشی از اعتبار از دست‌رفته باشد.

اما افکار عمومی جهان با رشد فناوری و گسترش شبکه‌های جهانی که جهان را یک قدم دیگر به تحقق کامل دهکده جهانی نزدیک کرده است دیگر با الفاظ سیاسی و اقدامات فریبکارانه اقناع نمی‌شود و افکار عمومی سوابق کشورها را در مورد قضاوت درباره نیت آنها در نظر می‌گیرند.

### ۳- تضعیف دولت مرکزی سوریه

اما یکی از دلایل بسیار مهم و پنهانی که از همان ابتدای تشکیل ائتلاف ۴۰ کشور علیه داعش مطرح شد تلاش این کشورها برای تضعیف دولت مرکزی سوریه بود. در واقع بر مبنای این دیدگاه دغدغه غربی‌ها مبارزه با داعش و نابودی آن نیست، بلکه مسأله اصلی در این مورد حمله به دولت سوریه از راهی غیر مستقیم است. سال گذشته که اوباما تصمیم به حمله به سوریه به بهانه استفاده ارتش این کشور از سلاح‌های شیمیایی گرفت به دلیل مخالفت‌های عمومی موفق به این اقدام نشد؛ بنابراین آمریکایی‌ها نیک می‌دانند با پیشروی‌های ارتش سوریه امکان حمله مستقیم به این کشور

وجود ندارد. به همین منظور حربه‌ای دیگر به راه انداختند و به اسم حمله به داعش حاکمیت سوریه را نقض کردند و جنگنده‌های آمریکایی در کنار هواپیماهای عربستان و امارات مواضعی از خاک سوریه را هدف قرار دادند. این توطئه غربی‌ها زمانی آشکار شد که این جنگنده‌ها زیرساخت‌ها و بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های سوریه را به بهانه مبارزه با داعش هدف قرار دادند. هدف جبهه غربی-عربی از این حربه تضعیف دولت مرکزی و ایجاد فرصت برای پیشروی مخالفان به اصطلاح میانه رو سوری است، اما خیلی زود «اسب تروای» غربی‌ها لو رفته و همگان می‌دانند هدف جنگنده‌های آمریکا در خاک سوریه نه داعش بلکه زیرساخت‌های نظام سوریه است.

### دلایل عدم حضور ایران در ائتلاف ضد داعش

عدم حضور جمهوری اسلامی ایران در این ائتلاف نشان‌دهنده آن است که این ائتلاف بیش از آنکه هدفش از بین بردن تروریست‌ها باشد، اهداف سیاسی دیگری را مدنظر دارد که در بالا به آنها اشاره شد. با توجه به روشن‌گری مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مبنی بر درخواست آمریکایی‌ها از جمهوری اسلامی به منظور همکاری برای مبارزه با داعش، عدم همراهی ایران با غرب در این موضوع، به الزامات و بایسته‌ها فکری و عملی ایران در عرصه بین‌المللی باز می‌گردد. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها از همان ابتدا تمایلی برای به وجود آوردن ائتلاف بین‌المللی برای برخورد با داعش نداشتند. در این میان عدم حضور ایران به عنوان پرچمدار مبارزه با تروریسم در منطقه که خود نیز از بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم است را می‌توان در قالب دو دسته دلایل بررسی کرد. از یک طرف ایران بنابه دلایلی حاضر به شرکت در ائتلاف به اصطلاح ضد داعش نبود و از سوی دیگر کشورهای عضو این ائتلاف نیز با توجه به دلایلی که نزد خود داشتند حضور ایران را در ائتلاف بر نمی‌تابیدند.

## الف- دلایل ایران

جمهوری اسلامی ایران تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست در ائتلافی شرکت کند که بانیان آن همه از دشمنان سرسخت ایران بوده و در سه دهه اخیر بیشترین خیانت‌ها را در مورد این کشور انجام داده‌اند. به طور مشخص ایران برای شرکت نکردن در این ائتلاف چند دلیل داشت:

۱- ایران همواره خود را نوک پیکان حمله به تروریسم می‌داند. در این مسیر نیز تاکنون هزینه‌های زیادی داده است. حال اگر در ائتلافی شرکت کند که آمریکا، فرانسه، انگلیس، عربستان و قطر که بیشترین نقش را در شکل‌گیری و تقویت گروه تروریستی داعش داشتند به معنای عدول از آرمان‌های مبارزه با تروریسم خواهد بود؛ بنابراین بنابر بیانات مقام معظم رهبری با وجود درخواست آمریکا برای شرکت در این ائتلاف، جمهوری اسلامی ایران این درخواست را رد کرد.

۲- دلیل دیگر مخالفت ایران در این مورد این است که حضور ایران در این ائتلاف به معنای پذیرش رهبری آمریکا در این ائتلاف بود. این موضوع با آرمان‌های انقلاب کاملاً در تضاد بود. در واقع زمانی که ایران راهبرد خود را به عنوان محور گفتمان مقاومت در یک مبارزه طولانی به نظام سلطه به رهبری آمریکا تعریف کرده است دیگر نمی‌تواند رهبری این نظام سلطه را بپذیرد. به همین دلیل است که رهبری انقلاب همواره تأکید داشته‌اند که در مورد نیات آمریکا باید با دیده شک و تردید نگریست.

۳- یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل ایران برای شرکت نکردن در این ائتلاف به رویکردهای دوگانه آمریکا بر می‌گردد. جمهوری اسلامی معتقد است که آمریکایی‌ها تروریست را به بد و خوب تقسیم می‌کنند و عزم جدی برای از بین بردن مسأله تروریست ندارند. تروریسم خوب آن دسته از گروه‌هایی هستند که در جهت منافع غرب حرکت می‌کنند، مانند سازمان منافقین و یا

طالبان در زمان مبارزه با شوروی و همین طور داعش در زمان مبارزه با بشار اسد. از این رو ایران ترجیح داد در ائتلافی که رهبر آن چنین نگاهی به تروریسم دارد شرکت نکند؛ چراکه تبعات منفی زیادی می‌توانست در آینده برای پرچمدار محور مقاومت به دنبال داشته باشد.

### ب- دلایل کشورهای عضو ائتلاف

دلیل اول غربی‌ها و اعضای ائتلاف برای مخالفت با حضور ایران در این ائتلاف مربوطه به تبعات این حضور بود. در واقع غربی‌ها و متحدان منطقه‌ای آنها در منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ همواره سیاست خود را در تقابل با ایران تعریف کرده‌اند و از هرگونه ابزاری برای ضربه زدن به منافع جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند. در سالیان اخیر به ویژه از آغاز هزاره سوم این تقابل تشدید شده است. از این رو به روشنی در صحنه بین‌المللی قابل مشاهده است که آنها برای حل مشکلات منطقه‌ای که ایران می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کند با حضور و مشارکت ایران مخالفت می‌کنند. دلیل این امر نیز به این مسأله بر می‌گردد که دعوت از ایران برای شرکت در ائتلاف‌ها و نشست‌های حل بحران از دید آنها اعتراف رسمی به قدرت و نقش تعیین‌کنندگی این کشور است و این موضوع با اهداف آنها در سه دهه اخیر (تضعیف قدرت ایران) در تضاد است؛ بنابراین به این دلیل ایران به ائتلاف به اصطلاح ضد داعش دعوت نشد.

از سوی دیگر برخی از کشورهای عضو این ائتلاف مانند عربستان از لحاظ ایدئولوژیکی با ایران رقابت دارند. عربستان سعودی در سه دهه اخیر همواره تلاش داشته است که رهبری جهان اسلام را در دست بگیرد، در حالی که جهان اهل سنت به خوبی آگاه شده‌اند که مقامات آل سعود نه تنها شایستگی رهبری جهان اهل سنت را ندارد، بلکه این کشور خود از بزرگ‌ترین حامیان تروریسم و مروج اندیشه‌های افراطی و تکفیری است. آل سعود ناکامی خود را

در این مورد متوجه ایران کرده است و معتقد است که جمهوری اسلامی ایران در تلاش است که از نفوذ اندیشه وهابیت و سعودی‌ها جلوگیری کند. در حالی که سیاست‌های ایران در سه دهه اخیر همواره بر مبنای تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تعریف شده است. حال عربستان اعتقاد دارد نباید کشوری که مانع نفوذش شده است در ائتلافی بین‌المللی که می‌تواند باعث افزایش قدرتش شود شرکت داده شود.

یک دلیل دیگر در مورد مخالفت آمریکا با حضور ایران در این ائتلاف این است که جمهوری خواهان کنگره آمریکا، انتقادات زیادی نسبت به عملکرد اوباما در رابطه با منطقه غرب آسیا و به خصوص جمهوری اسلامی ایران دارند. آنها معتقدند آمریکا برای حفظ سلطه خود در جهان، می‌بایست قبل از آنکه تهدیدی در جهان شکل گیرد با آن مقابله کند. به همین دلیل اوباما را متهم به مداخلات در خصوص بحران سوریه و حتی پرونده هسته‌ای ایران می‌نمایند. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران تهدیدی عملی برای حفظ سلطه آمریکا در جهان محسوب می‌شود، هرگونه همکاری غرب با ایران را رد می‌کنند. از این رو ورود ایران به این ائتلاف می‌توانست با واکنش کنگره همراه باشد.

### پایان سخن

با توجه به مطالبی که در این مقاله بررسی شد می‌توان نتیجه گرفت که ائتلاف بین‌المللی ضد داعش تنها یک «شوی سیاسی» است که اتفاقاً ضعیف‌ترین و کم‌رنگ‌ترین هدف آن نابودی داعش است و در پشت پرده هر کشوری با اهداف و نیات مختلف وارد این ائتلاف شده است؛ بنابراین انتظار نابودی داعش از طریق این ائتلاف را داشتن ناشی از سطحی‌نگری و عدم درک عمیق از مسائل بین‌الملل است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران

---

نیز با توجه به آرمان‌های تعریف‌شده خود با وجود درخواست غربی‌ها حاضر به همراهی با حامیان تروریسم علیه تروریسم نشد.

## مقاومت یمن، مصادره انقلاب و پیامدها

دکتر سیدوحید ظهوری

### چکیده

یمن، سرزمینی که به اندازه تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس جمعیت دارد، از معادن ارزشمند و آب و هوای معتدل برخوردار بوده و از طبیعتی سبز و خرم بهره‌مند است، این روزها از یک‌سو در تب و تاب حرکتی آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه به سر می‌برد و از سوی دیگر آستان حوادثی است که بر اثر مقاومت دولت در مقابل مردم و تهدید برخی کشورهای همسایه در حال وقوع است.

مردم این سرزمین بدون جنگ و خونریزی و با رسیدن حضرت علی‌بن‌ابیطالب<sup>(ع)</sup> فرستاده ویژه پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به اسلام گرویده و به این دین الهی مشرف شدند.

اما همین سرزمین با این ویژگی که ۴۵ درصد از جمعیت ۲۳ میلیونی آن را شیعیان زیدیه، اسماعیلیه و دوازده امامی تشکیل می‌دهد و بقیه نیز از سنی‌های شافعی مذهب محب اهل بیت<sup>(ع)</sup> هستند، امروز آستان حوادثی است که کوچک‌ترین اشتباه دولت این کشور و عدم تمکین در برابر خواسته‌های مردم می‌تواند آن را به بشکه‌ای از باروت تبدیل کند و حوادث غیر قابل پیش‌بینی را در آن رقم بزند.

در این مقاله به تحولات و انقلابی دیگر در یمن و بررسی مؤلفه‌های مختلف آن پرداخته شده است. برای این منظور، ابتدا حاکمیت و موقعیت ویژه یمن بررسی و در ادامه آثار و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای انقلاب و تلاش برای مصادره آن و شیعیان الحوثی معرفی خواهد شد.

## واژگان کلیدی

علی عبدالله صالح، حوثی‌ها، عربستان، آمریکا، عبدربه منصورهادی، عبدالملک الحوثی، انصارالله، انتخابات، یمن

## مقدمه

حاکمیت دیکتاتور یمن، علی عبدالله صالح، با تکیه بر موازنه قبیله‌ای و کمک ارتش و نیروهای امنیتی به صورت غیر قانونی بیش از سه دهه طول کشید تا بالاخره مردم در ۱۶ فوریه ۲۰۱۱ با حکومت وابسته به غرب وی مبارزه اجتماعی را آغاز کردند.

در کنار شرایط داخلی، تحولات منطقه‌ای و بیداری اسلامی ملت‌ها در سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا، به ویژه پس از سرنگونی بن علی در تونس و مبارک در مصر، بر عزم مردم یمن برای سرنگونی صالح افزود.

با آغاز قیام‌های مردمی در یمن، آمریکا و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان که منافع آن در گرو ثبات در یمن است برای حفظ صالح تلاش می‌کردند.

هر چند آمریکا جلوگیری از افزایش فعالیت القاعده را بهانه توجهات خود به این کشور قرار داده، اما منابع نفتی، نزدیکی یمن به عربستان، ملاحظات غرب برای عدم دگرگونی در عربستان، موقعیت جغرافیایی یمن به ویژه نزدیکی آن به تنگه راهبردی باب‌المندب و جلوگیری از الگو شدن یمن برای سایر ملت‌های عرب حوزه خلیج فارس به ویژه بحرین، از جمله دلایل توجه آمریکا به یمن به حساب می‌آید.

آمریکا با حمایت از صالح به دنبال پایان دادن به بحران یمن بود، اما با اوج‌گیری قیام مردمی، در ظاهر حمایت از حرکت‌های مردمی را در پیش

گرفت که در این راستا با اوج گرفتن تظاهرات مردمی، صالح ابتدا اعلام کرد در سال ۲۰۱۳ از قدرت کناره‌گیری می‌کند، اما تحت فشارها در ۱۸ مه ۲۰۱۱ با امضای توافقنامه‌ای با مخالفان وعده آمادگی کناره‌گیری طی یک ماه را به شرط مصونیت، اعلام کرد.

در نهایت وی در راستای ابتکار عمل شورای همکاری خلیج فارس قدرت را به معاون خود "عبدربه منصور هادی" واگذار و پس از اخذ مصونیت قضایی که گام دوم توافقنامه بود یمن را به سوی آمریکا ترک کرد.

برای اجرای مرحله سوم توافقنامه، انتخابات فرمایشی ریاست‌جمهوری یمن در ۲۱ فوریه ۲۰۱۲ در شرایطی برگزار شد که تنها یک نفر (منصور هادی) نامزد این پست بود.

در نتیجه پس از آنکه مردم هم‌زمان با شروع موج انقلاب‌های منطقه در سال ۲۰۱۱ موفق به ساقط کردن علی عبدالله صالح در یمن شدند و امیدوار بودند که بتوانند حاکمیت رأی مردم را برقرار کنند، اما مقاومت یمنی‌ها در برابر دیکتاتور مورد حمایت غرب، دولت‌های ارتجاعی منطقه در شورای همکاری خلیج فارس را بر آن داشت تا با تهیه طرحی مزورانه، هم صالح را از خطر محاکمه مردمی رهانده و هم نظام حاکم را حفظ کنند. با اجرایی شدن این طرح و فرار علی عبدالله صالح، انقلاب مردم یمن وارد فاز جدیدی شد. رئیس‌جمهور سابق یمن پس از انتخابات ماه فوریه ۲۰۱۲ قدرت را به تنها نامزد موجود منصور هادی که معاون قدیمی‌اش بود، واگذار کرد. انقلاب یمن در طی این مدت با موانع زیادی روبه‌رو بود که شاید بتوان مداخله‌گری‌های عربستان و آمریکا و فعالیت‌های تروریستی القاعده را از جمله مهم‌ترین آنها دانست. اما طی سه سالی که در دوران عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور کنونی گذشت نه تنها مردم به آرمان‌های انقلابی خود نرسیدند، بلکه نخست‌وزیری محمد باسندوه و ناکارآمدی وی نیز به مشکلات قبلی افزوده

شد.

### احیای انقلاب به سرقت‌رفته

انقلاب به سرقت‌رفته یمن توسط عربستان این بار با خواسته‌های اصلاحی بیشتر دوباره در حال بازیابی است؛ هر چند در مقابل حرکت مردم، استقرار یگان ضد شورش دولت در خیابان‌های صنعا، پایتخت یمن و هدف قرار دادن آنان، بحران یمن وارد مرحله خطرناکی شده و حمله به مردم ده‌ها کشته و زخمی بر جای گذاشته است.

محمد عبدالسلام، سخنگوی حوثی‌ها اعلام کرد مسئولیت کامل حمله نیروهای امنیتی و ارتش یمن به تظاهرات مسالمت‌آمیز مردمی در نزدیکی ساختمان نخست‌وزیری این کشور در صنعا، بر عهده دولت است.

مردم یمن پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ و جانشینی عبدربه منصورهادی معاون علی عبدالله صالح، دیکتاتور برکنار شده یمن، به عنوان رئیس جمهوری موقت، معتقدند انقلاب آنها از سوی زمامداران یمنی مصادره شده است؛ بنابراین سرنگونی دولت فاسد، لغو دستور آزادسازی حامل‌های سوخت و لزوم اجرای نتایج کنفرانس گفتگوهای ملی، از خواست‌های یمنی‌ها در اعتراض‌های نامحدود مدنی بوده که با سرکوب خونین مواجه شده است.

منصورهادی با سوق دادن یمن به سوی ناآرامی بر آن است زمینه دخالت بیشتر شورای همکاری خلیج فارس به ویژه عربستان را در امور یمن با راهبرد "جنگ داخلی" فراهم سازد.

منصورهادی، پس از آنکه نتوانست اعتراض‌های خیابانی را متوقف کند، به گزینه نظامی و سرکوب روی آورده است و آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل و شیوخ خلیج فارس را نیز با خود همراه می‌داند.

از آغاز اعتراض‌های حوثی‌ها، رژیم آل سعود تهدید کرد که در صورت نیاز، از طریق مداخله نظامی، معترضان را سرکوب خواهد کرد. به همین دلیل با

فراگیر شدن دامنه اعتراض‌های حوثی‌ها، احتمال ورود نظامی عربستان به یمن مطرح شده است.

یمن در شرایط فعلی آستان تحولات زیادی است و بیم دخالت خارجی یا رویارویی ارتش با مردم یمن، شرایط این کشور را پیچیده‌تر ساخته است.

این بار عبدالملک الحوثی رهبر جریان انصارالله در پیامی از تمامی مردم یمن خواست تا با راهپیمایی عمومی و اعتراضی به وضعیت فساد و ناکارآمدی دولت و در یک کلام شکست آن در تمامی زمینه‌ها، به سوی صنعا پایتخت این کشور حرکت کنند. حوثی‌ها البته تأکید کردند که تظاهرات آرام و مسالمت‌آمیز است، اما تا زمانی که واکنش دولت و ارتش آرام باشد.

سخنگوی انصارالله هم تأکید کرد که در صورت سرکوب مردم، آنها نیز گزینه‌های سخت‌تری را انتخاب خواهند کرد.

حالا دولت یمن که انتظار پاسخ مثبت و گسترده به فراخوان الحوثی را نداشت، در مقابل حرکت وسیع مردمی قرار گرفت و برای حل بحران و آرام کردن اعتراض‌ها، در مقام دفاع به مذاکره با انصارالله پرداخت و از سویی تلاش کرد تا قیام مردمی در یمن به یک قیام خشن و مسلحانه تعبیر شود که در این صورت برخوردهای سرکوب‌گرایانه تحت عنوان احساس خطر جدی، به راحتی انجام خواهد گرفت، اما الحوثی‌ها که این مسأله را به خوبی درک کرده بودند بر مسالمت‌آمیزی و مردمی بودن آن تأکید کرده و هدف خود را نه فتح صنعا و ساقط کردن نظام که اصلاح روند حکومت‌داری از سوی "منصوره‌ادی" بیان کرده‌اند.

### پیامدهای داخلی و منطقه‌ای تحولات یمن

"منصوره‌ادی" رئیس‌جمهور یمن که پس از قیام مردم این کشور در جریان بیداری اسلامی توانست با حمایت‌های عربستان از معاونت "علی

عبدالله صالح"، خود را به کرسی ریاست جمهوری برساند و استبداد سنتی را در قالبی جدید بر این کشور مسلط کند، شاید با اندکی درایت بتواند به خواسته‌های مردمی که از درخواست‌های قبلی خود مبنی بر «اسقاط نظام» کوتاه آمده و با پایین گرفتن لوله‌های سلاح به «اسقاط فساد» و برگزاری تظاهرات آرام روی آورده‌اند، پاسخگو باشد و کشور را از بحرانی که در آن فرورفته، خارج کند.

این بار زیدی‌های حوثی ساکن استان شمالی «صعده» که سال‌ها از دو سو تحت فشار حکومت استبدادی یمن و تحریکات هماهنگ رژیم سعودی در فقر و استضعاف شدید به سر برده و از کوچک‌ترین حقوق اولیه محروم بودند، برای خروج از این وضعیت غیرقابل دوام، مرحله جدیدی از مبارزات خود را در قالب دعوت «عبدالمالک حوثی» رهبر گروه «انصارالله» برای برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز مردمی از سراسر کشور به سوی صنعا آغاز کرده و با تجمع در این شهر، نمازی میلیونی را با ترکیب «زیدی شافعی» به امامت یک روحانی شافعی اهل سنت برگزار کردند که در عمل کمر دولت را شکست و وزن سنگین زیدی‌ها را در صحنه سیاسی علاوه بر صحنه‌های نظامی به رخ دولت مرکزی کشید و توانست توطئه به حاشیه راندن حوثی‌های این کشور توسط دولت را خنثی کند و قدرت واقعی بسیج سیاسی مردم و به صحنه آوردن آنان را به اثبات برساند.

حوثی‌ها در این حرکت جدید برای رسیدن به مطالبات به حق خود که طبعاً خواسته تمام مردم یمن نیز هست از تاکتیک‌های مسالمت‌جویانه و اتحاد با سایر اقوام و مذاهب استفاده کرده و توانسته‌اند اکثریت یمنی‌ها، اعم از زیدی و شافعی را با خود همراه کرده و در این راه به موفقیت بزرگی دست یابند. آنها سه خواسته را مطرح کرده‌اند که با استقبال شدید مردم یمن مواجه شده و باعث پیوستن سایر اقشار مردم و ایجاد اکثریتی قوی در مقابل

دولت مرکزی شده است.

پس از تصمیم نخست‌وزیر یمن مبنی بر لغو یارانه سوخت در ماه‌های اولیه ۲۰۱۴، مردم این کشور که گویی منتظر بهانه‌ای برای قیام مجدد علیه دولت ناکارآمد وی بودند، به خیابان‌ها آمدند و سه هدف تغییر نخست‌وزیر، لغو تصمیم حذف یارانه سوخت و اجرای نتایج گفتگوهای ملی (تشکیل دولت وحدت ملی) را خواستار شدند.

مردم برای رسیدن به این اهداف بیش از یک ماه در صنعا پایتخت یمن خیمه زدند و صدها شهید تقدیم قیام خود کردند تا اینکه دولت این کشور تسلیم خواسته‌های انقلابیون شده و این سه خواسته محقق شد و انقلابیون، پیروزی انقلاب دوم خود را جشن گرفتند.

اکنون فارغ از اینکه نتیجه قیام مردمی در یمن چه باشد، می‌توان نگرانی گسترده عربستان و سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از این اعتراض‌ها را درک کرد. یمن در طول تاریخ معاصر خود، همیشه یک کشور مهم در موازنه قدرت منطقه‌ای بوده است تا جایی که از آن به عنوان یکی از کانون‌های کشمکش‌های منطقه‌ای یاد می‌شود. حالا نیز یمن یک کانون تحول در منطقه است. هرگونه تحول قابل توجه در این کشور می‌تواند شرایط را برای کشورهای پیرامونی سخت کند. یمن برای عربستان بسیار حائز اهمیت است و در حیاط خلوت این کشور قرار دارد. در نگاه عربستان، سقوط یک دولت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند به مثابه دومینویی تعبیر شود که دیر یا زود سراغ دیگر کشورهای عضو نیز خواهد رفت. سیاست‌های تقابلی عربستان با انقلاب مردم بحرین و یمن نیز بر همین اساس شکل گرفته است. اگر در بحرین، حضور نظامی آشکار، گزینه عربستان بود تا موج انقلاب از مرزهای شرقی آل سعود را تهدید نکند، در یمن، بازی سیاسی با قبایل به منظور وابسته نگه داشتن این کشور به خود و ممانعت از

قدرت‌گیری اسلام‌گرایان زبیدی که زمانی در رأس حکومت بودند، سیاست عربستان است. بر همین اساس، عربستان سارق انقلاب یمن محسوب می‌شود که با اصرارهای بسیار بر طرح خود در شورای همکاری خلیج فارس، در نهایت توانست علی عبدالله صالح را به سلامت از میان اعتراض‌ها به منزل امن رسانده و سیستم حکومتی همسو با خود را در رأس قدرت نگه دارد. یکی از خواسته‌های اصلی مردم در انقلاب ناتمام یمن، محاکمه عبدالله صالح بود، اما عربستان با زیرکی او و خانواده‌اش را به شرط دوری از فعالیت‌های سیاسی، در چارچوب مصونیت حقوقی قرار داد. حالا علی عبدالله صالح ریاست حزب گفتگوی ملی را برعهده دارد و این یعنی فعالیت سیاسی رسمی! یعنی فریب مردم یمن که با جدی‌تر شدن تحولات یمن، باید منتظر مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی بود که قطعاً تحول در یمن، تحول در معادلات منطقه‌ای را به ارمغان خواهد آورد.

در نتیجه مشخص می‌شود که شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند و آن، جلوگیری از تشکیل دولت مردمی و دگرگونی کلان در ساختار سیاسی یمن است.

### مروری بر مواضع موافقان و مخالفان در انتخابات

با معرفی گروه‌ها و احزاب مخالف به شرح مواضع آنان می‌پردازیم.

#### ائتلاف مشترک احزاب

این ائتلاف شامل حزب اصلاح، حزب سوسیالیست یمن و سه حزب اقلیت (حزب الحق، حزب وحدت‌طلب و حزب وحدت نیروهای مردمی) است.

**آل احمر:** فرزندان عبدالله الاحمر که رهبر و رئیس فقید قبیله بزرگ حاشد بود. اتحاد فرزندان پرشمار شیخ عبدالله الاحمر، این خاندان را به یک نیروی سیاسی پر قدرت در یمن تبدیل کرده است.

**الحوثی:** حوثی‌ها از سال ۲۰۰۴ به این سو به دفعات با رهبران صنعا وارد جنگ داخلی شده‌اند و به نظر نمی‌رسد بتوانند با نظام فعلی به سازش برسند. حرکت اعتراض‌آمیز آنها دارای ابعاد پیچیده‌ای است. آنان نگرانند که مذهب‌شان (شیعه زیدی) مورد تهدید نفوذ خزنده وهابی‌ها قرار گیرد. آنها همچنین از تبعیض و تفاوت اقتصادی شمال یمن، به خصوص استان صعده، با بقیه مناطق، آزردۀ خاطر و سرخورده‌اند. حاکمان صنعا در سال‌های گذشته با ادعای ارتباط حوثی‌ها با کشورهای خارجی منطقه، سرکوب آنها را توجیه کرده‌اند. موضع مشخص این گروه، تحریم انتخابات بود. آنها با انتشار بیانیه‌ای، تأکید کردند که غیر رقابتی بودن انتخابات و مشخص بودن تکلیف آن و نیز دخالت طرف‌های خارجی در این انتخابات، علت تحریم آن است.

### مروری بر چگونگی برگزاری انتخابات

پیش از برگزاری انتخابات، گروه‌های مخالف شرکت در انتخابات را تحریم کردند. آنها شرکت در انتخابات را در واقع مشارکت در خدمت منافع آمریکا و اعتراف به تبعیت از آمریکا می‌دانستند و این انتخابات را توطئه‌ای علیه انقلاب یمن قلمداد می‌کردند. حوثی‌ها این انتخابات را در چارچوب راه‌حل تحمیل‌شده از سوی کشورهای دیگر بر یمن عنوان کردند و آن را به منزله برتری دادن منافع کشورهای دیگر بر منافع مردم یمن دانستند. سخنگوی حوثی‌ها انتخابات یمن را مسخره‌آمیز عنوان و خاطرنشان کرده بود که نتیجه این انتخابات پیش از برگزاری به علت وجود یک نامزد، نهایی شده است و این امر به منزله توهین به ملت است.

البته حوثی‌ها اعلام کردند علی‌رغم اینکه تمایل به برگزاری انتخابات ندارند، اما برای شرکت مردم در این انتخابات در شمال این کشور مانعی ایجاد نخواهند کرد. نیروهای ملی جنوبی در یمن نیز بر مخالفت خود با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری تأکید کرده بودند. همچنین شورای

رهبری موقت نیروهای جنوبی و نیروهای ملی در شمال بر مخالفت با شرکت در انتخابات که تنها نامزد آن منصور عبد ربه است تأکید داشتند. جنبش اعتراضی جنوب یمن و شورای هماهنگی میان جوانان انقلابی عدن، با صدور بیانیه‌ای خواستار نافرمانی مدنی گسترده در استان‌های جنوبی یمن در دوم اسفند، روز برگزاری انتخابات نمایشی این کشور شده بودند.

### موضع غربی‌ها

کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا از همان آغاز انقلاب مردم یمن تلاش داشته‌اند تا انقلاب این کشور را به نفع خود مصادره کنند و با دادن بعضی امتیازها به مردم، آن را از مسیر اصلی خود خارج سازند. پیش از برگزاری انتخابات اگرچه صالح، شرایط را فقط یک بحران داخلی قابل کنترل می‌دانست، اما حتی باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا نیز خواستار رفتن صالح شده بود. کارشناسان، کناره‌گیری مسالمت‌آمیز صالح از قدرت به منظور فراهم شدن زمینه‌های تغییر آرام مطلوب ریاض و واشنگتن را برای دولت اوباما مهم ارزیابی می‌کردند. باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، در آستانه برگزاری انتخابات یمن، از عبد ربه منصور ال‌هادی، به عنوان رئیس جمهوری آینده این کشور حمایت کرده بود.

اتحادیه اروپا نیز اعلام کرده بود که مبلغ ۲/۹ میلیون دلار را برای حمایت از انتخابات یمن به این کشور اختصاص می‌دهد. پیش از فرار صالح از صنعاء، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان، نیکولا سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس، سیلویو برلوسکینی، نخست‌وزیر ایتالیا و خوزه لویس رودریگز زاپاترو، نخست‌وزیر اسپانیا در بیانیه مشترکی اعلام کردند خواهان برقراری آتش‌بس در یمن بر اساس طرح شورای همکاری خلیج فارس هستند و حتی در بیانیه مزبور از پذیرفته شدن دیکتاتور سابق از سوی

عربستان تقدیر شده بود. به این ترتیب کاملاً مشخص می‌شود که غرب به شکل واحد با طرح آرام انتقال قدرت به عبد ربه منصوره‌ادی موافق بودند و از طرح شورای همکاری پشتیبانی می‌کردند.

### نتایج و چالش‌های احتمالی

در صورت اصلاحات جدی در یمن که به کاهش نفوذ عربستان منجر شود، جبهه مقاومت در منطقه تقویت خواهد شد، احساس خطر عربستان در مناطق جنوبی‌اش بیشتر می‌شود، مناطقی که از قضا محل منازعات ارضی تاریخی با یمن بوده و با خیانت علی عبدالله صالح به نفع عربستان تمام شده، تحرکات القاعده در یمن به دلیل تحول در آن، بیشتر خواهد شد، منافع آمریکا در خلیج عدن به خطر افتاده و امنیت پایگاه‌های نظامی آن در خاک یمن نیز مورد تهدید قرار می‌گیرد و از همه مهم‌تر، حوثی‌ها حتی اگر به قدرت دست نیابند، حضور مقتدرانه‌تری در آینده یمن بازی خواهند کرد.

این موارد قطعاً با واکنش عربستان و آمریکا روبه‌رو خواهد شد و آنها تمام سعی‌شان را خواهند کرد تا با بهره‌گیری از روش‌های سیاسی و حتی نظامی مانع از قدرت‌گیری حوثی‌ها شوند تا جایی که خبر تهدید نظامی عربستان برای متوقف کردن آنچه تلاش حوثی‌ها برای تصرف صنعا پایتخت یمن خوانده شده به گوش می‌رسد و برخی رسانه‌ها نیز از حرکت ناو آمریکایی مستقر در دریای سرخ به سوی تنگه باب‌المندب در جنوب یمن خبر داده‌اند.

انتخابات پیش‌رو در یمن در واقع اقدامی برای نجات نظام سیاسی علی عبدالله صالح است. با نتایج این انتخابات قرار است این ادعا مطرح شود که از این پس یک رییس جمهور منتخب مردم بر یمن حکومت خواهد کرد، این به معنای ایجاد مشروعیت سیاسی در یمن است. هر چند بازگشت صالح به قدرت امری دور از ذهن است، اما همچنان آینده‌ای مبهم پیش روی یمن

قرار دارد؛ چراکه هر کدام از بازیگران این صحنه به دنبال تأمین منافع خویش و مصادره قیام مردمی در چارچوب اهدافشان هستند. امری که آینده یمن را در طیفی گسترده از مدل‌ها از گزینه تشکیل دولت مردمی تا تجزیه این کشور قرار داده است.

هرچند نمی‌توان شرایط پیش روی یمن را به طور دقیق ارزیابی و پیش‌بینی نمود ولی با توجه به موارد مشابه در سایر انقلاب‌های منطقه می‌توان گزینه‌های زیر را برای یمن متصور شد:

اول مردم با حذف صالح، پذیرنده دولت موقت می‌شوند تا شرایط آرام امنیتی بر کشور حاکم و از کشتارها و تجزیه احتمالی کشور جلوگیری شود و مردم در فرآیند زمان، سایر مطالبات خود را طلب کنند. این مدل را در مصر می‌توان مشاهده کرد که دولت موقت و شورای نظامی قدرت را در دست گرفته و مردم در فرایند زمان، مطالبات خود را طلب کرده و به آنها دست یافته‌اند.

دوم بدین شکل خواهد بود که بدنه حاکم‌شده در انتخابات فرمایشی به کمک سایر نهادهای قدرت باقی‌مانده از نظام صالح با همکاری کشورهای عربی و غربی قدرت را قبضه نمایند و حرکت مردم را در پیگیری خواسته‌های خود متوقف و انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف کنند. در این مدل در نهایت، تلاش می‌شود که به نحوی دموکراتیک، قیام مردم مصادره و در جهت منافع سران عرب و غرب هدایت شود.

سوم بر ادامه حضور گسترده مردم در تجمعات اعتراضی، گسترش اعتراض‌ها و درگیری‌ها، تداوم اعتراض به مسأله انتخابات و عدم رعایت تعادل و پخش قدرت در بین قبایل یمنی تکیه خواهد شد و در نتیجه انتخاب فردی انقلابی به ریاست جمهوری را در پی خواهد داشت که در اینصورت انقلاب یمن از مصادره توسط غرب نجات خواهد یافت.

البته می‌توان سناریوی چهارمی هم در نظر گرفت و آن اینکه گروه‌های مخالف دولت بدون دستیابی به یک توافق همه‌جانبه با دولت جدید به اقدامات اعتراضی خود ادامه دهند و مشابه وضعیت لیبی، یمن وارد یک جنگ داخلی شود.

### نتیجه

در صورت اصلاحات جدی در یمن که به کاهش نفوذ عربستان در این کشور منجر شود، جبهه مقاومت در منطقه تقویت خواهد شد، احساس خطر عربستان در مناطق جنوبی‌اش بیشتر می‌شود؛ مناطقی که از قضا محل منازعات ارضی تاریخی با یمن بوده و با خیانت علی عبدالله صالح به نفع عربستان تمام شده، تحرکات القاعده در یمن به دلیل تحول در آن، بیشتر خواهد شد، منافع آمریکا در خلیج عدن به خطر افتاده و امنیت پایگاه‌های نظامی آن در خاک یمن نیز مورد تهدید قرار می‌گیرد، حوثی‌ها حتی اگر به قدرت دست نیابند، حضور مقتدرانه‌تری در آینده یمن بازی خواهند کرد.

## تحریم روسیه و فرصت‌های ایران

روسیه پهناورترین کشور جهان است که در شمال اوراسیا قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی و نیز با دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد. روسیه با ۱۷،۰۷۵،۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است. پهناوری روسیه دو برابر مساحت کانادا یا چین یا ایالات متحده آمریکا است. بیشتر مناطق کشور سردسیر و کم‌بارش است. به همین دلیل بیشتر مناطق این کشور (به ویژه سرزمین بزرگ سیبری) خالی از سکنه هستند و کشاورزی در این مناطق میسر نیست. روسیه با حدود ۱۴۳ میلیون نفر (در سال ۲۰۱۳) جمعیت، نهمین کشور پرجمعیت دنیاست.



## تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا علیه روسیه

کشورهای عضو اتحادیه اروپا ضمن توافق در خصوص اعمال تحریم‌های اقتصادی جدید علیه روسیه اعلام کردند در صورت عقب‌نشینی نیروهای مسکو از اوکراین و ادامه آتش‌بس، این تحریم‌ها لغو خواهد شد. دیپلمات‌ها معتقدند این دور از تحریم‌ها، شرکت دولتی روس‌نفت و گازپروم روسیه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر شرکت‌های روسیه سخت‌تر از گذشته می‌توانند در اتحادیه اروپا سرمایه جذب کنند. همچنین کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مورد تشدید تحریم‌های مرتبط با صادرات کالاها با استفاده دوگانه، توافق کردند. تحریم بانک‌های دولتی روسیه و فروش اوراق قرضه آنها در بازارهای اروپایی نیز از دیگر موارد تحریم‌های مورد توافق است. افزون بر این، بر اساس تحریم‌ها ۲۴ نفر دیگر به فهرست افرادی که اجازه ورود به اتحادیه را ندارند و اموال آنها در اتحادیه اروپا توقیف می‌شود افزوده شده است. آمریکا هم با توجه به تحولات اوکراین، تحریم‌های بیشتری علیه روسیه اعمال کرد و این تحریم‌ها صادرات فناوری پیشرفته برای صنعت دفاعی روسیه را شامل شد. کاخ سفید پیش‌تر اعلام کرده بود، دوستان و نزدیکان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه و شرکت‌هایی که تحت کنترل وی قرار دارند، هدف تحریم‌ها قرار خواهند گرفت. ما به دنبال هدف قرار دادن آنهایی هستیم که در محفل داخلی پوتین هستند و در اقتصاد روسیه نقش قابل توجهی دارند. وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: هیچ تردیدی وجود ندارد که به هرگونه اقدام خصمانه علیه روسیه به شیوه متناسب پاسخ خواهیم گفت. روسیه در پاسخ به تحریم‌های آمریکا، برخی از مقامات واشنگتن را تحریم کرد. فهرست منتشرشده از سوی روسیه سه مشاور اوباما و چندین عضو پارلمان از جمله جان مک‌کین سناتور جمهوری خواه، بنجامین رودس، هری رید و جان بینر را شامل می‌شود. دیوید

کامرون نخست‌وزیر انگلیس هم اعلام کرد: سران کشورهای اروپایی باید در خصوص مسدود کردن دارایی‌ها و اعمال ممنوعیت سفر علیه افراد بیشتری که در جریان اشغال منطقه کریمه اوکراین توسط روسیه مسئول هستند، به توافق برسند. نخست‌وزیر روسیه، دستور ممنوعیت واردات هرگونه مواد غذایی از ایالات متحده، اتحادیه اروپا، استرالیا، کانادا و نروژ را صادر کرد. دیمیتری مدودوف واردات تمامی مواد غذایی از کشورهای تحریم کننده را ممنوع کرده، گفت: روسیه به طور کامل واردات گوشت قرمز، ماهی، طیور، میوه، سبزیجات، شیر، پنیر و همه محصولات لبنی را از کشورهای مذکور ممنوع کرد. به دنبال تحریم روسیه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، این کشور نیز واردات انواع محصولات کشاورزی و شیلاتی را از کشورهای اروپایی به مدت یک سال ممنوع کرده است و به همین دلیل روسیه برای تأمین نیاز داخلی خود به کشورهای شرق روی آورده است. در پی این مسائل اخیراً بحث‌هایی برای واردات محصولات کشاورزی از ایران مطرح بوده است و حتی پوتین رئیس جمهور روسیه نیز در زمینه واردات از ایران چراغ سبز نشان داده بود. وزیر جهاد کشاورزی ایران در رأس هیأتی برای شرکت در سومین نشست وزرای کشاورزی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگ‌های به مسکو سفر کرد.

### واکاوی تحریم‌ها علیه روسیه

این تحریم در دو شکل تحریم تجاری کامل و یا محدود و هدفمند اعمال می‌شود. تحریم تجاری کامل، گزینه‌ای است که احتمال وقوع آن به شدت پایین است. دلایل این امر را بدین شکل می‌توان توضیح داد: حجم تجارت خارجی روسیه و اتحادیه اروپا اگر چه تفاوت چشمگیری دارد، اما از وابستگی متقابل برخوردار است. حجم تجارت خارجی روسیه حدود ۸۵۰ میلیارد دلار است، ولی حجم تجارت خارجی اتحادیه اروپا ۳۵۰۰ میلیارد دلار است که

نشان از قدرت تجاری اقتصادی اتحادیه اروپا در مقایسه با روسیه است. در میان این حجم تجاری بالای اتحادیه اروپا، روسیه با اختصاص ۱۰ درصد از این حجم تجاری به عنوان سومین شریک تجاری این اتحادیه به شمار می رود (قابل ذکر است آمریکا با ۶۱ درصد و چین با ۱۴ درصد در جایگاه اول و دوم قرار دارند) و متقابلاً نیز اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ اولین شریک تجاری روسیه بوده است. شایان ذکر است بر اساس آمار رسمی گمرک روسیه، حجم مبادلات روسیه با اتحادیه اروپا در سال گذشته ۴۱۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بوده است که از این مقدار صادرات روسیه ۲۸۳ میلیارد دلار و واردات از اتحادیه اروپا ۱۳۴ میلیارد دلار بوده است. در بین سایر شرکای تجاری روسیه پس از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ می توان به ترتیب از کشورهای مشترک المنافع، چین، ترکیه، ژاپن، آمریکا، کره جنوبی و... نام برد. اینک با توجه به وضعیت اقتصاد جهانی و بحران اقتصادی اروپا و با در نظر گرفتن جایگاه روسیه به عنوان سومین شریک تجاری اتحادیه اروپا، احتمال تحریم کامل تجاری روسیه دور از ذهن است؛ زیرا در صورت اعمال این تحریم ها، برای اتحادیه اروپا نیز تبعات ناخوشایندی خواهد داشت و نمی تواند در کوتاه و میان مدت در دستور کار قرار گیرد. در خصوص تحریم های محدود و هدفمند نیز باید گفت در حال حاضر نیمی از محصولات صادراتی اتحادیه اروپا به روسیه شامل خودرو و ماشین آلات حمل و نقل می شود [پس از آن کالاهای مصرفی (۲۲ درصد)، محصولات شیمیایی و پتروشیمی (۱۶ درصد)، مواد خام (۱ درصد) و سایر کالا (۱۱ درصد) در جایگاه بعدی قرار دارد] و روسیه به عنوان دومین بازار بزرگ خودرو در دنیاست. با توجه به وضعیت اقتصادی اروپا، تحریم این محصولات به ضرر مالکان صنعت خودروسازی اروپا خواهد بود؛ زیرا آنها یکی از بزرگ ترین بازارهای خود را از دست می دهند.

## فرصت‌های صادراتی ایران

بازار روسیه بازار بسیار بزرگی است و برای ایران فرصت مناسبی است که بتواند رابطه دوجانبه‌ای در زمینه صادرات و همچنین واردات محصولات کشاورزی و غذایی با این کشور برقرار کند.

### ۱- سازگاری واردات روسیه با تولیدات ایرانی

تراز تجاری روسیه به نفع صادرات این کشور مثبت است و علی‌رغم اینکه روس‌ها ۳۵۰ میلیارد دلار کالا وارد می‌کنند، ۵۰۰ میلیارد دلار نیز صادرات کالایی دارند که بیشتر متمرکز بر نفت، انرژی و کانی‌های پربها است. عمده واردات روسیه را مواد غذایی و تبدیلی، میوه، صیفی‌جات، خشکبار، اقلام سوپرمارکتی، مصالح ساختمانی، قطعات پلاستیکی و لاستیکی و قطعات خودرو دانست.

### ۲- صادرات محصولات دریایی به روسیه

ایران آمادگی لازم برای صادرات انواع ماهی و محصولات دریایی به روسیه را دارد. بیش از ۱۰ شرکت عمده ماهیگیری ایران خواسته خود را برای صادرات این‌گونه محصولات به روسیه مطرح کرده‌اند. به گفته رئیس سازمان شیلات ایران، در استان هرمزگان حداقل ۱۸۰ هزار تن انواع ماهی در سال تولید می‌شود که قادر است به تنهایی ۶۰ درصد تقاضای بازارهای روسیه را تأمین کند. همچنین ماهی‌گیران بندرعباس سالانه بیش از ۱۵ هزار تن میگو از خلیج فارس صید می‌کنند.

### ۳- صادرات واردات میوه و سبزیجات

با محدودیت‌های ایجادشده در واردات میوه و سبزیجات از اتحادیه اروپا توسط روسیه که اخیراً اعمال شده است، جمهوری اسلامی ایران که یکی از

بزرگ‌ترین تولیدکنندگان میوه و سبزیجات منطقه است می‌تواند بخشی از تولیدات خود را به روسیه صادر نماید. روسیه سالانه بین ۷ تا ۱۰ میلیارد دلار واردات میوه‌جات و خشکبار دارد که پیش از این بخشی مهمی از این بازار توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا تأمین می‌شد.

#### ۴- ظرفیت‌های موجود ایران برای صادرات به روسیه

- ماهیانه ۲۰ هزار تن تخم مرغ تولید مازاد در کشور داریم، پیش‌بینی می‌شود حدود ۳ تا ۵ هزار تن تخم مرغ به کشور روسیه صادر شود.
- میزان صادرات گوشت مرغ ۲۰۰ هزار تن است که علاوه بر صادرات این محصول به عراق می‌توانیم بازارهای جدیدی مانند روسیه را نیز به عنوان کشورهای مقصد در نظر بگیریم. در حال حاضر ماهانه ۲۰ هزار تن گوشت مرغ به روسیه صادر می‌کنیم.
- مصرف سیب‌زمینی در روسیه چند میلیون تن است که بیش از ۱,۵ میلیون تن وارد می‌کند. با توجه به تولید بالای این محصول در ایران، روسیه می‌تواند بازار مطمئنی برای این محصول باشد.
- نیاز به محصولات کشاورزی به خاطر سردسیر بودن
- روس‌ها به بعضی محصولات کشاورزی ما به دلیل شرایط جغرافیایی و سردسیر بودن نیازمند هستند. در این کشور قیمت مرکبات، کیوی، انار و انگور بسیار بالاست. هیچ‌کدام از کشورهای آسیای مرکزی مرکبات ندارند و جاذبه ایران در مورد این گونه محصولات بسیار بالاست. در صنایع تبدیلی هم بازار خوبی برای ما محسوب می‌شود. محصولات کشاورزی تازه مانند انواع میوه و هم صنایع تبدیلی مانند رب گوجه فرنگی، آب میوه و کنسنتره به این کشور صادر می‌شده ولی اکنون می‌توان حجم مبادلات را افزایش داد.
- به خاطر سرمای زیاد در کشور روسیه، تولید سیب درختی در روسیه کم است. ۴۰ درصد سیب درختی مصرفی روسیه از لهستان وارد

می‌شود. همچنین مصرف محصولات فرآوری‌شده، رب گوجه فرنگی و خرما نیز در روسیه زیاد است.

## الزامات صادرکنندگان ایرانی

### ۱- کیفیت محوری

مدل مصرف کشور روسیه مصرف‌گرا بوده و کالاهای پرمصرف خود را از طریق واردات تأمین می‌کنند و تحریم‌های متقابل ایران و غرب فضای مناسبی برای تجارت ایران به این کشور ایجاد کرده است. رفتار مصرف‌کنندگان روسی با مصرف‌کنندگان افغان و عراقی تفاوت‌هایی دارد و قیمت عامل تعیین‌کننده برای آنها به حساب نمی‌آید، بلکه مصرف‌کنندگان روسی به دنبال کیفیت در سطح بازارهای اروپا هستند.

### ۲- بالا بردن سهم صادرات ایران

در سال گذشته روسیه ۵۰۰ میلیارد دلار صادرات و ۳۵۰ میلیارد دلار واردات داشته است. عمده کالاهای وارداتی این کشور انواع مواد غذایی، انواع میوه و صیفی‌جات، خشکبار، مصالح ساختمانی، قطعات لاستیکی، پلاستیکی و قطعات خودرو است. سهم ایران تنها کمتر از ۱ درصد بوده که نشان از ضعف صادرات ایران به روسیه است، اما نباید از فرصت به دست‌آمده به راحتی گذر کرد.

### ۳- سرعت در امضای پروتکل‌های دامپزشکی

مشکل عدم ورود مرغ از ایران به روسیه این است که پروتکل‌های دامپزشکی که باید بین سازمان‌های دامپزشکی دو کشور امضا شوند، هنوز امضا نشده است. سازمان دامپزشکی ایران باید هرچه زودتر با آنها مذاکره کند و به تفاهم برسد. امضا نشدن این تفاهم‌نامه به دلیل کیفیت نیست؛ چراکه

قادر به تولید محصول با هر کیفیتی که مدنظر روسیه باشد، هستیم. البته فاکتورهای استاندارد بیولوژیک برای مواد غذایی خام با سایر مواد غذایی بسیار متفاوت است؛ زیرا می‌تواند ناقل بیماری باشد و باید به آنها توجه خاصی شود.

#### ۴- اعطای یارانه‌های تولیدی

تخصیص نیافتن یارانه‌ها به بخش کشاورزی و در نظر نگرفتن جایزه صادراتی که در کشورهای دیگر برای محصولات کشاورزی یارانه وجود دارد، دلیل دیگر سهولت ورود رقبا به این بازارها است. در حال حاضر ترکیه بزرگ‌ترین رقیب صادراتی در بازار روسیه است و پس از آن کشور برزیل قرار دارد. البته از لحاظ سیستم حمل‌ونقل نیز مشکل داریم و کانتینر یخچال‌دار نداریم. در صورتی که تفاهم‌نامه دامپزشکی امضا شود باید از سیستم حمل‌ونقل روسیه استفاده کنیم و سود حاصل از حمل‌ونقل نصیب روس‌ها می‌شود. کشورهای ترکیه، آذربایجان، پرو، پرتغال و اخیراً صربستان در رسانه‌های روسیه حضور پیدا کرده و خواستار افزایش روابط تجاری بین دو کشور شدند. بیش از ۸۵ درصد صادرات به عراق و افغانستان است، برای ورود به بازارهای دورتر باید دولت حمایت ویژه‌ای داشته باشد و به این بخش یارانه پرداخت کند. به عنوان مثال دولت ترکیه یک شانه تخم‌مرغ را در کشور خودش ۱۷ هزار تومان می‌فروشد و به کشور عراق شانه‌ای ۷۵۰۰ تومان صادر می‌کند و این مابه‌التفاوت را به صادرکنندگان کشورش در قالب یارانه پرداخت می‌کند.

#### ۵- بسته‌بندی مناسب

موضوع دیگری که در مورد محصولات کشاورزی ایران در بین مردم و مسئولان روسیه وجود دارد بسته‌بندی نامناسب محصولات کشاورزی ایران و

پایین بودن سطح نگهداری این محصولات است.

#### ۶- ایجاد بانک مشترک و حل مشکلات تعرفه‌ای

یکی از مهم‌ترین مشکلات بین ایران و روسیه، مشکلات پولی و عدم وجود بانک ایران و روسیه است. مشکل دیگر هزینه تعرفه گمرکی بالا در روسیه برای محصولات ایران است.

#### ۷- تشکیل کارگروه‌های متعدد ویژه صادرات

با توجه به تغییر رویکرد روسیه برای تأمین مواد غذایی و محصولات کشاورزی، لازم است اتاق بازرگانی ایران کارگروه‌های ویژه‌ای را تشکیل دهد و با صنایع غذایی و افرادی که در زمینه کشاورزی فعالند هم‌فکری نماید. در این میان سازمان‌های دولتی مانند وزارت جهاد کشاورزی، امور خارجه و صنعت و معدن نیز باید هماهنگی و برنامه‌ریزی برای ورود به بازار روسیه را داشته باشند.

#### ۸- واردات گندم

توجه به بازار مصرف کشور روسیه در بلندمدت می‌تواند زمینه توسعه مبادلات اقتصادی در زمینه محصولات اساسی مانند گندم را فراهم سازد؛ چراکه روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گندم در جهان، در حال حاضر سهم قابل توجهی در تأمین نیاز بازار ایران ندارد.

#### ۹- حضور فعال در نمایشگاه‌های مسکو

بازار بزرگ مصرف شهر مسکو با جمعیت ۱۱ میلیون نفری و سه میلیون مسافر و مهاجر، زمینه مناسبی برای فروش کالاهای تولیدی ایران است. بیش از سه چهارم نمایشگاه‌های روسیه در مسکو برگزار می‌شود. تولیدکنندگان ایرانی باید در نمایشگاه‌های این شهر حضور فعال داشته باشند. البته با فعال

شدن کمیته کشاورزی در اتاق بازرگانی مسکو زمینه برقراری ارتباط بیشتر بین تولیدکنندگان فراهم شده است.



## ولایت فقیه

### در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

علی مرادزاده

#### مقدمه

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و ولایت فقیه هر یک مقوله‌ای بسیار مهم در جهان اسلام به ویژه در میان ملت ایران به شمار می‌روند. ولایت فقیه ریشه در اسلام و سیره پیشوایان معصوم (ع) دارد. ولایت فقیه در زمان حضور معصوم نیز مطرح بوده و در عصر غیبت بر اساس نصوص و روایات صریح از اهل بیت (ع) بیش از گذشته مورد بحث قرار گرفته است. امام خمینی (ره) بیش از سایر فقیهان اصل اسلامی ولایت فقیه را برجسته کردند. اینک ولایت فقیه، کارآمدی و اهمیت خود را در عرصه عملی به اثبات رسانده است و می‌تواند الگوی مناسبی برای مسلمانان به ویژه شیعیان جهان باشد. با این نگاه تلاش می‌کنیم این مهم را به اختصار از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد بحث قرار دهیم.

### خاستگاه و نقش ولایت فقیه

دال مرکزی در اندیشه فقهی و سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup> را ولایت مطلقه فقیه تشکیل می‌دهد. در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup>: "حکومت (اسلامی) که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله<sup>(ص)</sup> است، از جمله مهم‌ترین احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعی و حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضار باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند (صحیفه امام، ص ۵۸).

امام خمینی<sup>(ره)</sup> در تفسیر آیات مربوط به ولایت و اطاعت، اوامر و نواهی خداوند را از اوامر پیامبر تفکیک می‌کند و ضمن اینکه انجام واجبات و ترک محرمات را به عنوان امر الهی واجب می‌دانند، وجوب تمکین نسبت به اوامر حکومتی پیامبر و امام و ولی فقیه را نیز مورد تأکید قرار می‌دهند (الرسائل، ص ۵۰).

امام خمینی<sup>(ره)</sup> در این زمینه می‌فرماید: «رسول خدا<sup>(ص)</sup> از آن روی که پیام‌آور وحی الهی است، از خود امر و نهی ندارد و اگر در زمینه احکام الهی دستوری دهد مثلاً به نماز امر کند... تنها ارشاد به فرمان خداوند است؛ زیرا نسبت به اوامر و نواهی خداوند، صاحب امر و نهی نمی‌باشد، و صرفاً آنها را ابلاغ نموده و از طرف خدای تعالی به مردم گزارش می‌دهد، چه دستورات امامان<sup>(ع)</sup> نیز درباره احکام الهی چنین است و از این نظر دستورات پیامبر و امام همانند دستورات فقیه برای مقلدین است... این اوامر، اوامر ارشادی است و مخالفت با آنها تنها مخالفت با خداوند است نه مخالفت با رسول و امام و فقیه. ولی اگر رسول‌الله از آن جهت که حاکم است امر و نهی کرد اطاعت امر او واجب است از آن جهت که امر خود اوست، پس اگر به رفتن یک جنگی فرمان داد که به ناحیه‌ای اعزام شوید اطاعت او بر مؤمنان واجب است از

جهت زعامت و حکومت وی، اینگونه دستورات، دستورات خداوند است و دیگر ارشاد به حکم الهی نیست، بلکه دستورات مستقلی است که اطاعتش واجب است. آیه شریفه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ناظر به این اوامر و نواهی است که از پیامبر<sup>(ص)</sup> و اولی الامر صادر می‌شود» (کاظم قاضی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵).

امام خمینی<sup>(ره)</sup> در خصوص خاستگاه ولایت و شرایط ولی فقیه بر این باور هستند که: «پس از اینکه اصل ضرورت حکومت ثابت شد، سخن در فرد حاکم و والی است، شکی نیست که از دیدگاه شیعه، ائمه اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>، جانشینان پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و رهبران جامعه اسلامی‌اند، ولایت عامه و خلافت کلیه الهی (که برای پیامبر<sup>(ص)</sup> ثابت بوده) برای اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> نیز ثابت است و در زمان غیبت گرچه ولایت و حکومت برای شخصی و فرد خاصی مقرر نشده است، لیکن (به حکم عقل و شرع) اصل حکومت در عصر غیبت (نیز) استمرار دارد... و چون حکومت اسلامی به معنی حکومت قانون الهی است، حاکم و والی مسلمان باید واجد شرایط زیر باشد: ۱- علم به قانون الهی ۲- عدالت ۳- کفایت سیاسی و توان مدیریت، اعتبار و لزوم این شروط در رهبر و حاکم اسلامی، از بدیهیات است چنانکه در احادیث اسلامی (نیز) شواهدی بر آن یافت می‌شود، در این صورت امر ولایت و حکومت (در عصر غیبت) از شئون و وظایف فقیه عادل است» (البیع، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۶۴).

### جایگاه، ماهیت و ضرورت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup>

- «ولایت فقیه ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود، ... نظارت کند بر همه دستگاه‌ها که نیادا یک کار خلافی بکند، جلو دیکتاتوری را ما می‌خواهیم بگیریم... ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است» (۵۸/۷/۳۰).

- «اینکه فرموده‌اند فقها حصون اسلامند؛ یعنی مکلفند اسلام را حفظ کنند» (ولایت فقیه، ص ۶۷).

- «رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است، وقتی غیر مشروع شد، طاعت است، اطاعت او اطاعت طاغوت است، وارد شدن در حوزه او، وارد شدن در حوزه طاغوت است» (۵۸/۷/۱۲).
- «ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی داده است» (۵۸/۸/۹).
- «اینکه در قانون اساسی هست، این بعض شئون ولایت فقیه است نه همه شئون ولایت فقیه» (۵۸/۱۰/۷).
- «باید عرض کنم حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است، و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است» (۶۶/۱۰/۱۶).
- «ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است» (۶۶/۱۰/۲۳).
- (حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی<sup>(ه)</sup>)، تبیان، دفتر ۴۵، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲
- «ولایت فقیه است که جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد، اگر ولایت فقیه نباشد دیکتاتوری می‌شود» (کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، سال ۱۳۸۶، ص ۱۱۹).
- «در تمامی مسائل مربوط به حکومت، همه آنچه از اختیارات و وظایف پیامبر و امامان پس از او محسوب می‌شود، در مورد فقهای عادل نیز معتبر است... این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بیش از فقیه است، باطل و غلط است» (معصومی، نگاهی نو به حکومت دینی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳).
- بنابراین ولی فقیه و رهبر در اندیشه امام خمینی<sup>(ه)</sup> نایب عام امام عصر<sup>(عج)</sup> و منصوب از جانب آن حضرت به نصب عام است. ولی فقیه ولایت و مشروعیت الهی دارد و همه تصرفات و قوانین و عملکردها به تبع ولایت او مشروعیت پیدا می‌کند. این ولایت در اداره امور جامعه همانند ولایت معصوم<sup>(ع)</sup> است. از این رو امام راحل<sup>(ه)</sup> همواره بر ولایت مطلقه فقیه تأکید و

تصریح داشته‌اند.

### قلمرو اختیارات رهبری در قانون اساسی

از نظر امام، همه فقها در عصر غیبت به نصب عام از سوی امام معصوم به ولایت گمارده شده‌اند. اگر یکی از فقهای دارای شرایط، حکومت تشکیل داد و مردم ولایت او را پذیرفتند، ولایت وی از قوه به فعل در می‌آید و در همه اموری که امام معصوم ولایت دارد به جز مواردی که ویژه امام است، ولی فقیه نیز نسبت به مصلحت جامعه و امت اسلامی ولایت دارد (صحیفه امام، ج ۲، ۴۷۹؛ ج ۲۰، ۱۷۰).

بنابراین، ولی فقیه را امام معصوم به دستور خداوند به ولایت مطلقه برگمارده است و نظام اسلامی و نهادهای حکومتی، قوای سه‌گانه، قانون اساسی، قوانین عادی و... مشروعیت خود را از او می‌گیرند. درباره حوزه اختیار حکومت نیز هر اندازه که رسول خدا و پیشوایان معصوم در اداره جامعه اختیار داشته‌اند، ولی فقیه هم دارد (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۳۹). از این‌رو، حوزه ولایت ولی امر مسلمانان بسیار گسترده است، به گونه‌ای که هر آنچه را که در اداره جامعه و سامان‌دهی اقتصادی و سیاسی با توجه به مصلحت جامعه اسلامی و مسلمانان گریزناپذیر است، در بر می‌گیرد، اما در مجلس خبرگان قانون اساسی در نهایت واژه مطلقه برای ولایت فقیه به کار نرفت.

امام خمینی<sup>(ع)</sup> آنچه را که در قانون اساسی درباره اختیارات ولی فقیه آمده بود، کافی نمی‌دانست (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۳، ۱۳۱۳) و تصمیم خبرگان را نیز در نتیجه شتاب‌زدگی آنها و جوسازی مخالفان می‌دانست و بر این باور بود آنچه در قانون اساسی درباره وظایف و اختیارات رهبری آمده، اندکی از شئون ولی فقیه است (امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ۱۳۶۱، ج ۱۱، ۱۳۳).

از آنجا که هیچ‌گاه امام<sup>(ع)</sup> در پی آن نبود در اداره امور کشور، اراده و نظر خود را بر روال قانونی تحمیل کند، بر ولایت مطلقه که به آن باوری عمیق

داشت، پافشاری نورزید تا کم‌کم زمینه آماده شد و مدیران کشور در مقام عمل به این نتیجه رسیدند که بدون ولایت مطلقه فقیه دشواری‌های نظام حل نمی‌شود و خلأهای قانونی روزآمد، بی‌پاسخ می‌ماند. از جمله در مرداد ماه ۱۳۶۰ در زمینه قانون اراضی شهری، میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان اختلاف افتاد و امام در پاسخ نامه ۱۳۶۰/۷/۵ رئیس مجلس شورای اسلامی فرمودند:

«آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن، مادامی که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که اگر هر یک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود، مجرم شناخته می‌شود» (همان: ج ۱۵، ۱۸۸). البته بعدها حضرت امام<sup>(ع)</sup> برای دقت بیشتر در تشخیص موضوع، رأی نمایندگان را در این باره لازم می‌دانست. همین مسأله در نهایت به نگارش نامه ۱۳۶۶/۱۱/۱۱ و فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی امام خمینی<sup>(ع)</sup> منجر شد.

### ابعاد ولایت مطلقه

در نظریه سیاسی امام خمینی<sup>(ع)</sup> ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس (کتاب ولایت فقیه، ص ۵۶). ولایت در بحث ولایت فقیه به معنای سرپرستی است. ولایت در این معنا دارای اقسامی است نظیر: ۱- ولایت تکوینی، ۲- ولایت بر تشریع، ۳- ولایت تشریعی. دو قسم اول منحصر به خداوند متعال است. ولایت تشریعی یعنی نوعی سرپرستی که نه ولایت تکوینی است و نه ولایت بر تشریع و قانون، بلکه ولایتی است در محدوده تشریع و تابع قانون الهی. این نوع ولایت به نوبه خود بر دو قسم

است: یکی ولایت بر محجوران و دیگری ولایت بر جامعه خردمندان. آیاتی که در روز غدیر خم نازل شده و یا آیاتی چون النبی اولی بالمومنین من انفسهم، یا آیه انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا... بازگوکننده ولایت و سرپرستی و اداره امور جامعه اسلامی است. در عصر غیبت این ولایت به فقیه جامع الشرایط تفویض می‌شود و اطلاق آن بیانگر فقدان محدودیت اختیارات در اداره امور جامعه و بن‌بست‌شکنی است.

در فقه اسلامی و نیز در کلام سیاسی اسلام، همین دو گونه از ولایت آمده است، ولایت بر جامعه اعم از کشورداری و قضا و داوری، در مبحث جهاد و امر به معروف و نهی از منکر فقه مطرح است. صاحب جواهر می‌گوید: «کسی که در ولایت فقیه و سوسه کند گویا طعم فقه را نچشیده و فلسفه وجودی دین و احکام آن را در نیافته است»؛ بنابراین ولایت مطلقه فقیه بدین معناست که سرپرستی جامعه بشری در عصر غیبت امام معصوم<sup>(ع)</sup> بر عهده فقهای جامع‌الشرایط است و اختیارات ایشان برای اداره جامعه بشری در چارچوب احکام و موازین اسلامی همچون پیامبراسلام<sup>(ص)</sup> و امام معصوم<sup>(ع)</sup> محدودیت ندارد.

طبیعی است این نوع ولایت به نیابت از امام معصوم است و فقیه حاکم تا زمانی ولایت دارد که اوصاف و شرایط مندرج در منابع دینی همچون عدالت، تقوا، تدبیر و استعداد رهبری (مدیر و مدبر)، شجاعت، فقاقت و اجتهاد مطلق و ... را دارا باشد، در غیر این صورت خودبه‌خود از ولایت منعزل می‌گردد. ولایت فقیه بر اساس سه دسته از دلایل اثبات می‌گردد: ۱- دلیل عقلی محض ۲- دلیل مرکب از عقل و نقل ۳- دلیل نقلی محض.

### معانی مطلق و مطلقه

(الف) مطلق به معنای کل‌گرایانه و فراگیر و تمامت‌خواه که مفهوم توتالیتریانسیسم از آن دریافت می‌شود؛

(ب) مطلق به معنای آزاد و رها از هر قید و بند و فارغ از هر حد و

حدودی و رای قانون و مسئولیت نداشتن در برابر گفتار و رفتار؛  
(ج) مطلق در مقابل مقید و محدود.

مقصود از اطلاق، گسترش دامنه ولایت فقیه و شمول مسئولیت است که برای تأمین مصالح و تضمین عدالت، همه ابعاد مصالح مردمی را فرا می‌گیرد. فقه‌های پیشین به جای واژه مطلقه از عامه استفاده می‌کردند؛ زیرا در برابر این شمول و مطلق بودن ولایت، ولایت‌های دیگری نیز وجود دارد که جهات خاصی از آنها مورد نظر است؛ مانند ولایت پدر در امر ازدواج دختر یا ولایت پدر و جد در تصرفات مالی فرزندان نابالغ؛ بنابراین، منظور از اطلاق، گسترش دامنه ولایت فقیه و مسئولیت اجرایی ولی فقیه در همه احکام انتظامی اسلامی و همه ابعاد مصالح عمومی مردم است و مانند دیگر ولایت‌ها، یک بعدی نخواهد بود. از این‌رو، مطلقه در برابر مقیده‌ای آمده است که اختیارات ولی فقیه را به موارد خاصی همچون امور حسبه محدود می‌کردند. در نتیجه، مطلق بودن ولایت یعنی اینکه فقیه:

۱. ملتزم است همه احکام اسلام را تبیین و اجرا کند؛ چون هیچ حکمی از احکام الهی در عصر غیبت قابل تعطیل شدن نیست؛
  ۲. بر اساس قاعده اهم و مهم، برای تراحم احکام چاره‌ای بیندیشد؛
  ۳. بر خلاف حکومت‌های مطلقه، اطلاق در ولایت فقیه محدود به موازین اسلامی و رعایت عدالت و تقوا برای اداره جامعه اسلامی است.
- بنابراین، ولایت فقیه در چارچوب قوانین الهی اعم از فرعی، ثانوی و حکومتی را ولایت مطلقه فقیه می‌نامند (کعبی، عباس ۱۳۸۰، ص ۶۱).

### امام خمینی و ولایت مطلقه

ولایت مطلقه به معنای ولایت بی‌حد و حصر نیست. اضافه مطلقه بر ولایت فقیه به نوعی نسبی است؛ یعنی اطلاق در چارچوب شرع و فقه اسلامی، ولی فقیه حق ندارد هر طور میل دارد و دلش می‌خواهد رفتار نماید، بلکه باید دقیقاً در چارچوب شریعت سلوک و رفتار نماید. امام خمینی<sup>(ه)</sup>

می‌فرماید: «در اسلام حکومت قانون است هیچ‌جا در حکومت اسلامی نمی‌بینید که یک خودسری باشد، یک اعمال رأی باشد» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۸۱-۲۸۲).

ولایت فقیه با همت امام خمینی<sup>(ه)</sup> از قلمرو فقهی خارج و در جایگاه اصلی خود یعنی فلسفه سیاسی و علم کلام سیاسی اسلام قرار گرفت و سپس این مسأله را با براهین عقلی و کلامی شکوفا ساختند به نحوی که بر همه مسائل فقه سایه افکند و نتایج فراوانی به بار آورد. تا جایی که امام ولایت فقیه را از بدیهیات دانستند که تصور صحیح آن موجب تصدیق و اعتراف به ضرورت آن خواهد گشت (کتاب ولایت فقیه، ص ۱).

در مکتب سیاسی امام خمینی<sup>(ه)</sup>، فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت امام زمان<sup>(عج)</sup>، همه سمت‌های اعتباری امام معصوم را داراست. حکومت ولی فقیه شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول خدا<sup>(ص)</sup> و یکی از احکام اولیه اسلام است که بر تمام احکام فرعی، حتی نماز، روزه و حج تقدم دارد و به تعبیری دیگر «کلیه امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر و ائمه<sup>(ع)</sup> مقرر شده، در مورد فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد» (امام خمینی<sup>(س)</sup>، شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۳۵).

امام خمینی<sup>(ه)</sup> در تبیین حدود و اختیارات فقیه حاکم بر جامعه یا ولی امر، در کتاب البیع (بخش مربوط به ولایت فقیه) چنین می‌گوید: «نتیجه همه آنچه ذکر کردیم، آن است که برای فقیه همه آنچه برای امام معصوم ثابت است، ثابت می‌باشد، مگر اینکه دلیل قائم شود که اختیارات آنها از جهت ولایت و سلطنت آنها نیست، بلکه مربوط به جهات شخصی آنها (به سبب شرافت آنان) بوده است، یا اینکه دلالت می‌کند که شیء خاصی از جهت شئون حکومتی و سلطنت برای معصوم ثابت است. با این حال اختصاص به امام معصوم دارد و از آن تعدی نمی‌شود، کما اینکه این مطلب در جهاد غیر دفاعی مشهور است، اگرچه در آن نیز بحث و تأمل است» (امام خمینی<sup>(ه)</sup>، البیع، ج ۲، ص ۴۶۹).

همچنین امام راحل تصریح می‌کنند: «فرق گزاردن بین پیامبر و امام و ولی فقیه معقول نیست: برای فقیه عادل جمیع آنچه برای پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه<sup>(ع)</sup> ثابت است، از آنچه که به حکومت و سیاست بر می‌گردد، محقق است و فرق گزاردن بین پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه<sup>(ع)</sup> و فقیه در این امور معقول نیست؛ چراکه والی؛ مجری احکام شریعت، مقیم حدود الهی و گیرنده خراج و سایر مالیات و متصرف در آنهاست، به آنچه صلاح مسلمین است، پس پیامبر<sup>(ص)</sup> زنی را صد تازیانه می‌زند، امام نیز چنین می‌کند، فقیه عادل هم همینطور» (همان، ص ۴۶۷)؛ بنابراین از نظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> ولی امر، حاکم شرع یا ولی فقیه می‌تواند در محدوده کلی و مصالح عمومی جامعه اسلامی تصمیم بگیرد و اقدام نماید.

### معانی ولایت مطلقه در آثار و اندیشه امام خمینی<sup>(ره)</sup>

بر اساس آنچه از آثار و اندیشه امام راحل بر می‌آید می‌توان معنا و مفهوم مطلقه بودن ولایت را در دیدگاه ایشان این‌گونه توضیح داد: اصولاً مفهوم و واژه مطلقه، مشترک لفظی است، لفظ واحدی با مصادیق متفاوت و متعدد که دست‌کم به سه معناست:

۱- مطلقه معادل استبداد: این تعبیر، هم در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup> مطرح و هم نفی شده است. در کتاب ولایت فقیه می‌خوانیم: «حکومت اسلامی نه استبدادی است، نه مطلقه، بلکه مشروطه است. البته نه مشروطه به معنای متعارف آن، بلکه مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره، مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم معین گشته است. مجموعه شرط، همان قوانین و احکام اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است» (کتاب ولایت فقیه، ص ۳۳).

بنابراین اگر یک معنای ولایت مطلقه، حکومت بی‌حد و حصر فرد یا گروهی بر مردم باشد، ولایت مطلقه که امام<sup>(ره)</sup> از آن دفاع می‌کرد، چنین

ولایت مطلقه‌ای نیست.

۲- مطلقه به معنای عرفانی: مطلقه معنای عرفانی دارد و با مباحث حکومتی ولایت فقیه بی‌ارتباط است. این معنای ولایت مطلقه معادل و نام دیگر ولایت معنوی، ولایت تکوینی، و ولایت حقیقی است. در پاره‌ای از آثار عرفانی امام<sup>(ع)</sup>، بحث از ولایت کلیه و ولایت کلیه مطلقه است که با معنای عرفانی معظم‌له در مورد انسان کامل و اولیاءالله، چنین ولایت مطلقه‌ای پذیرفته شده است. این معنای مطلقه که نوعی ولایت معنوی است، غیر از مطلقه به معنای حکومتی است (امام خمینی، مصباح الیهادیه الی الخلافه والولایه).

۳- مطلقه در مقابل ولایت مقیده: ولایت مطلقه در مقابل ولایت مقیده از موضعی فقهی، در مورد محدوده اختیارات حکومت اسلامی مطرح شده است. امام خمینی<sup>(ع)</sup> این واژه را در مقابل کسانی به کار برد که معتقد بودند حکومت اسلامی در محدوده احکام فرعی دارای اختیار است.

امام تمیز این موضوع را رد کرد و اعلام داشت: «اختیارات فقیه محدود به احکام فرعی نیست، بلکه مطلقه است؛ یعنی ولی فقیه می‌تواند در صورت لزوم و آن هنگام که مصلحت نظام اسلامی اقتضا نماید، حکمی خاص و فرائر از احکام شرعی موجود صادر نماید». امام راحل در این باره فرمودند: «تعبیر به آنکه اینجانب گفته‌ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است، به کلی برخلاف گفته‌های اینجانب است... حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله... و از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام...» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱ و ۴۵۲).

### شئون ولایت مطلقه فقیه

بر اساس منابع و متون دینی به ویژه در مذهب تشیع ولی فقیه چهار شأن ویژه دارد که دو شأن آن علمی و دو شأن دیگر آن، عملی است:

۱- حفاظت: حفاظت و صیانت و دفاع از معارف اعتقادی و احکام عملی

کتاب و سنت؛

- ۲- افتاء: اجتهاد مستمر با استمداد از منابع معتبر و کشف احکام اسلامی و پاسخگویی به نیازهای زمان؛
- ۳- قضاوت: منصب قضا و رفع مخاصمات از شئون ولی فقیه است؛
- ۴- ولایت و سرپرستی: یعنی اجرای احکام دین و تشکیل حکومت و اداره امور جامعه (ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، آیت‌الله جوادی آملی، ص ۱۲۲).

### ابعاد مطلقه بودن ولایت فقیه

معنای اطلاق در ولایت مطلقه فقیه را از چهار جنبه می‌توان بررسی کرد که جمع این چهار جنبه روی هم، تصویر جامع و روشنی از معنای این واژه تحویل می‌دهد.

۱- **اطلاق مکانی:** محدوده ولایت ولی فقیه به هیچ مرز جغرافیایی مقید نمی‌شود و هر جا بشریت زیست می‌کند دایره ولایت او گسترده است؛ چون هیچ مکتب مدعی تکامل نمی‌تواند خود را در محدوده جغرافیایی خاص محدود کند.

۲- **اطلاق زمانی:** در هیچ مقطع زمانی احتیاج چنین ولایتی موضوعاً از بین نمی‌رود و بشریت هیچ‌گاه بی‌نیاز از ولایت ولی فقیه نمی‌شود؛ چون مراحل تکامل بشر عقلاً تمام‌شدنی نبوده و توقف‌بردار نیست و تا آنجا که انسان میل به عروج و کمال‌خواهی دارد، احتیاج به رهبری فرزانه برای هدایت به سمت این کمال اجتناب‌ناپذیر است.

۳- **اطلاق موضوعی:** موضوعات مورد ولایت فقیه تا آنجا گسترده است که ولایت دین بر جامعه سایه بی‌فکند. ولایت او بر همه روابط و ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه جاری است و هیچ شأنی از شئون اجتماعی جامعه نیست که ولایت او در آن محدوده جاری نشود.

۴- اطلاق حکمی (اطلاق در نفوذ): ولی فقیه حق رأی و حکم دادن دارد و حکم او نافذ است و آحاد جامعه باید تسلیم رأی او گردند و رأی او فصل الخطاب است (نظام معقول، علیرضا پیروزمند، ص ۲۰۲).

### حوزه اختیارات و وظایف ولی فقیه در نظریه انتصاب

حیطه وظایف شرعی فقیهان در دو دیدگاه ولایت و حاکمیت انتصابی و انتخابی کاملاً متفاوت است و تبیین و کالبدشکافی هرچه بهتر موضوع در گرو ذکر دلایل و مصادیق آن می‌باشد:

الف) حوزه اختیارات در نظریه انتصاب: وظایف شرعی فقیهان، طبق نظریه انتصاب، همانا سمت‌های افتا، قضاوت و ولایت و سرپرستی سیاسی جامعه است. طرفداران این نظریه بر این باورند که سمت‌های مزبور، الهی بوده که ثبوت آنها فقط با نص و نصب الهی است و توسط ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> حاصل می‌شوند؛ بنابراین، وظایف از جانب شرع مقدس به فقیهان داده می‌شود و استمرار آنها منوط به وجود و حفظ شرایط است. در این باره امام خمینی<sup>(ره)</sup> معتقد است:

«فقیه از ناحیه معصومان<sup>(ع)</sup> به قضاوت و ولایت و حکومت منصوب شده است، در آنچه مسلمانان در حیات و معاششان احتیاج دارند، آنچه مرتبط به اصلاح زندگی و تنظیم سیاست‌های دینی می‌باشد» (تهذیب الاصول، نگارش آیت‌الله جعفر سبحانی، ج ۲، ص ۱۴۹).

طرفداران این نظریه بر این باورند که شارع مقدس حدود و قلمرو اختیارات و وظایف حکومتی و سلطانی که رسول خدا<sup>(ع)</sup> و ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> از آن برخوردار بوده‌اند، برای جانشین آن بزرگواران ثابت و مسلم می‌شمارند؛ چرا که وظایف و مسئولیت‌های مشابه، حوزه اختیارات مساوی و همسانی را می‌طلبد؛ بنابراین دایره اختیارات ولایت فقیه بر اساس نظریه انتصاب به شرح زیر ترسیم می‌شود:

۱. ولی فقیه در امور حکومتی، همه اختیاراتی که پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> و

ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> داشته‌اند را دارد. امام خمینی<sup>(ره)</sup> در این زمینه می‌گویند: «فقیه عادل تمامی اختیارات حکومتی و سیاسی پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> را دارا می‌باشد و اساساً تفاوت، معقول نمی‌باشد؛ زیرا والی هر که باشد، اجراکننده احکام شریعت، اقامه‌کننده حدود الهی، گیرنده خراج و مالیات و متصدی مصرف آنها مطابق مصلحت مسلمانان است. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم<sup>(ص)</sup> بیشتر از حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بیش از فقیه است، باطل و غلط است همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه<sup>(ع)</sup>... داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است، منتها شخص معینی نیست، روی عنوان عالم عادل است» (امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۵۵. عبدالله جوادی آملی، وحی و نبوت، ص ۲۱۰-۲۱۲).

۲. قلمرو اختیارات ولی فقیه در چارچوب اهداف و احکام اسلام، مطلقه است، ولی محدود به قوانین اولیه و ثانویه شرع نیست. در این باره نیز امام خمینی<sup>(ره)</sup> می‌گویند: «اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیه الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مفوضه به نبی اسلام، یک پدیده بی‌معنا و بی‌محتوا باشد... حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است ... حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و چه غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامی که چنین است، جلوگیری کند» (صحیفه امام<sup>(ره)</sup>، ج ۲۰، ص ۱۷).

۳. اختیارات رهبری در نظام سیاسی اسلام فراتر از قراردادهای اجتماعی و قوانین موضوعه حتی قانون اساسی است، چنان‌که امام خمینی<sup>(ره)</sup> در اشاره به اصل یکصد و دهم قانون اساسی ضمن نارسا دانستن آن، می‌گوید:

«اینکه در قانون اساسی یک مطلبی ولو به نظر من یک قدری ناقص است و روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد ... این که در قانون اساسی هست، این بعض شئون ولایت فقیه است نه همه شئون ولایت فقیه» (همان، ج ۶، ص ۵۱۹. نشریه حوزه، ش ۸۵ و ۸۶، ص ۳۳۹).

مشروعیت قانون اساسی در نظریه انتصاب از مقام ولایت ناشی می‌شود؛ چراکه قانون اساسی با تنفیذ و امضای ولایت فقیه اعتبار یا تغییر می‌یابد. قانون در رتبه متأخر از رهبری است نه در عرض و نه فوق آن، از این رو قانون اساسی نمی‌تواند اختیارات رهبری را مقید و محدود سازد. علاوه بر این، بر اساس اصل پنجاه و هفتم و بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی، رهبری دارای اختیارات مطلق است، از این رو طبق نظریه نصب، دایره اختیارات رهبری محدود به قانون و موارد مطرح شده در اصل یکصد و دهم نیست. بیان موارد یازده‌گانه در این اصل به معنای حصر اختیارات رهبری نیست و فقط جنبه تمثیلی دارد و نه حصر؛ زیرا وقتی ولی فقیه برای تأمین مصالح نظام می‌تواند حتی برخی از احکام شرعی را به طور موقت تعطیل کند، قطعاً در شرایط اضطرار و ضرورت برای حل پاره‌ای از معضلات نظام و جامعه می‌تواند بعضی از اصول قانون اساسی را به طور موقت نقض یا تعطیل نماید.

اصل ۵۷ قانون اساسی: در این اصل به صراحت لفظ ولایت مطلقه به کار رفته است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردد».

ب) حوزه اختیارات در نظریه انتخاب: در نظریه انتخابی ولایت، ولایت فقیه اولاً از مقولات عقلی و محصول قرارداد طرفینی است که بین مردم و ولی فقیه بسته می‌شود. ثانیاً اعتبار و مشروعیت ولایت، ناشی از بیعت مردم است. ثالثاً بیعت در عصر حاضر تنها از طریق انتخابات عمومی امکان پذیر است؛ بنابراین اختیارات او محدود است به اختیاراتی که قانون و مردم به

او داده‌اند (لک‌زایی، شریف، بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۸۰).

در مجموع، مطلقه بودن اختیارات حکومت بر اساس مصالح و در حوزه عمومی مصداق پیدا می‌کند، و حکومت اسلامی می‌تواند در شرایط ویژه و با لحاظ کردن مصالح (به صورت موقت و مقطعی) فراتر از قوانین موجود و یا قانون اساسی نیز عمل کند. این‌گونه اقدامات در عرف سیاسی توسط حکومت‌ها در شرایط خاص (مانند جنگ‌ها و بحران‌ها) نیز انجام می‌گیرد. در سیره امام خمینی<sup>(ه)</sup> نیز در دوران دفاع مقدس برخی از این موارد اتفاق افتاد که معظم‌له با وجود اعتقاد به ولایت مطلقه، آن را به ضرورت‌های دوران جنگ منتسب کردند و اعلام داشتند که تلاش خواهند کرد در محدوده قانون اساسی عمل نمایند و اقدامات مذکور استثنا و بر اساس ضرورت بوده است. هر چند در قانون اساسی با به رسمیت شناختن اختیارات مطلقه برای ولی فقیه، این استثنائات نیز جنبه قانونی یافته است. در واقع امام<sup>(ه)</sup> با طرح ولایت مطلقه برای حکومت اسلامی، اقتدار کامل دولت اسلامی را در پیشرفت مصالح عمومی تضمین نمود (فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ه)</sup>، ص ۱۶۰).



## ارتجاع روشنفکری چیست؟

واژه «روشنفکر» در زبان فارسی، معادل واژه Intellectuel در زبان فرانسوی، aufklärer در زبان آلمانی، intelligentsia و enlightenment در زبان انگلیسی و واژه‌های متنور، متنورالعقل، مفکر و مثقف در زبان عربی است. در ادبیات فارسی واژه «روشنفکر» کلمه‌ای است مرکب از دو واژه «روشن» و «فکر» که ترکیبی وصفی به حساب می‌آید. در این ترکیب وصفی، واژه «روشن» به عنوان وصف، و واژه «فکر» به عنوان موصوف به کار رفته است. در لغتنامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین آمده است که روشنفکر، صفت مرکب و معنای (لغوی) آن عبارت است از: «کسی که دارای اندیشه روشن است».

واژه «روشنفکر» واژه‌ای وارداتی است که ریشه در زبان و فرهنگ اروپایی دارد. معروف‌ترین معادل این واژه در زبان‌های اروپایی واژه «انتلکتوئل» است که بسیاری از محققان، ریشه اصلی روشنفکر را همین واژه فرانسوی دانسته‌اند. این واژه در زبان فرانسه برگرفته از واژه «انتلکت» به معنای قوه عقلی است [داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، ۱۳۷۸]. این واژه قرن‌ها با توجه به ریشه لاتینی‌اش، به معنای وصفی و به عنوان صفت و به معنای «عقلی»، «عقلانی»، «فکری» و «اندیشمندانه»

به کار می‌رفت، و در زبان‌های اروپایی برای بیان مواردی چون «کار فکری»، «تصمیم عقلانی» یا «نظریه‌ای اندیشمندانه» از آن استفاده می‌شد [بابک احمدی، کار روشنفکری، ۱۳۸۴].

مفهوم مدرن و امروزی روشنفکر محصول خردورزی اجتماعی اروپایی است که عنصر تجربیدی و بخردانه سنت روشنگری و دگرگونی‌های فکری ناشی از انقلاب‌های بورژوازی را به شکل استعاره یا نمادین در یک فرد خاص و مشخص، یعنی یک موجود اجتماعی، نمایان می‌کرد [همان]. این خردورزی اجتماعی اروپایی به معنای خاصی از عقل اشاره دارد. به همین دلیل برخی معتقدند که اساساً واژه «انتلکت»، به معنای عقل در اصطلاح اهل دیانت و کلام و فلسفه (از افلاطون تا دکارت) نیست، بلکه مراد از عقل، نوعی خرد عملی مستقل بشر است که از هیچ جای دیگر مدد نمی‌گیرد و به استقلال، وضع نظامات و قوانین می‌کند. بر اساس این معنای جدید، روشنفکر (انتلکتوئل) به کسی اطلاق می‌شود که پیرو آموزه‌های علمی و عقلانی عصر روشنگری اروپاست و بر اساس این آموزه‌ها خواهان تغییر و تحول و گذار از سنت‌های گذشته است.

### مفهوم اصطلاحی روشنفکر در ادبیات سیاسی - اجتماعی ایران

امروزه در ادبیات سیاسی - اجتماعی ایران واژه «روشنفکر» به معانی مختلفی استعمال می‌شود که به طور کلی در دو معنای مثبت و منفی قابل تقسیم‌بندی است.

#### ۱- معنای مثبت

واژه روشنفکر عموماً به معنای مثبت و مطلوب به کار رفته است. این معنای مثبت نیز به اشکال مختلفی استعمال شده است که می‌توان آنها را به سه دسته عام، خاص و اخص تقسیم کرد:

##### ۱-۱. معنای عام

در معنای عام، روشنفکر به کسی اطلاق می‌شود که دارای فکر و نگاه

روشن و نو و آگاه به زمان است و متفکرانه، معقول و دور از تعصبات و احساسات غیر معقول، فکر و عمل می‌کند. در فرهنگ معاصر فارسی نیز روشنفکر به شخص «دارای بینشی آگاهانه، منطقی و دور از خرافه و تعصب» تعریف شده است. اولین معنای متبادر به ذهن از واژه «روشنفکر» همین معناست. به همین دلیل هم در تصور عموم افراد، «روشنفکر» معنایی مثبت و مطلوب دارد و روشنفکری یک نوع امتیاز و افتخار به حساب می‌آید.

## ۱-۲. معنای خاص

در معنای خاص، «روشنفکر» به کسی اطلاق می‌شود که دارای سطح فکری و هوشی نسبتاً بالاست و فعالیت فکری و علمی انجام می‌دهد. معادل انگلیسی egghead به معنای افراد باهوش و متفکر (حزب) یا کسانی که مغز خود را به کار می‌گیرند، به همین معنا می‌باشد [علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۸۴]. تعریفی که ریمون آرون، جامعه‌شناس فرانسوی، راجع به روشنفکری دارد نیز بر اساس همین معناست. وی جامعه روشنفکر را به سه قسمت تقسیم کرده است:

(الف) تولیدکنندگان اندیشه؛ مانند هنرمندان و متفکران مبتکر؛

(ب) توزیع‌کنندگان اندیشه؛ مانند استادان دانشگاه و نویسندگان؛

(ج) مصرف‌کنندگان؛ مانند دانشجویان.

وی خاستگاه گروه سوم را جهان سوم معرفی می‌کند. تعریفی که فرهنگ آکادمی فرانسه از روشنفکر ارائه داده است نیز منطبق بر همین معنای خاص است. در این فرهنگ آمده است:

روشنفکر کسی است که اندیشه، هوش و تفکر، ملاک جهت‌دهنده زندگی وی به حساب می‌آید. با این نگرش، روشنفکر در مقابل افرادی که به کار دستی اشتغال دارند، قرار می‌گیرد.

## ۱-۳. معنای اخص

به معنای اخص، کسانی روشنفکر هستند که دارای توان فکری و علمی در حد عالی هستند و خواهان نوگرایی، ایجاد تحول در جامعه، پیشرفت کشور و

خدمت به ملت و فرهنگ خویش هستند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

## ۲- معنای منفی

معنای منفی روشنفکر ناظر به روشنفکران غیر حقیقی است. مراد از این معنا کسانی هستند که مؤلفه‌های کلی روشنفکر به معنای اخص (توان فکری و علمی و خواهان پیشرفت و تحول) را دارند، ولی مدل و الگوی آنها برای پیشرفت و تحول و نوگرایی، تئوری و عملکرد اندیشمندان عصر روشنگری در اروپاست. معنای مدرن و امروزی روشنفکر و تعریف دایره‌المعارف فارسی که «روشنفکر» را «اصطلاحی برای طرز فکر و تمایل عقلایی، آزادمنشانه، اومانیستی و علمی رایج در اروپای قرن ۱۸ میلادی» می‌داند، ناظر به همین معنا است [غلامحسین مصاحب، دایره‌المعارف فارسی، تهران، ۱۳۴۵].

تعریفی که کانت از روشنفکری و روشنگری ارائه می‌دهد نیز اشاره به همین معنا دارد. کانت در رساله خود پیرامون «روشنگری»، اصالت دادن به عقل و فهم فردی و جزئی بشر را جان و روح روشنگری می‌نامد. او این تکیه و اصالت بخشیدن به عقل جزئی بشر را در مقابل تفکر دینی (که بر مبنای اصالت وحی الهی و نیازمندی بشر به هدایت آسمانی استوار است) و بینش مذهبی مطرح می‌کند و قرار می‌دهد [امانوئل کانت، روشنگری چیست؟ ترجمه همایون فولادپور مندرج در ماهنامه کلک، ش ۲۲].

بر اساس همین معنا دکتر داوری اردکانی معتقد است، روشنفکر کسی است که با اصل جدایی سیاست از دیانت به مدد خردی که جای وحی را گرفته و در مقابل آن قرار دارد، طرح سیاست در می‌اندازد و یا اگر به ظاهر دین معتقد باشد، دین را در کنار علم و تمدن غرب می‌گذارد و به تصرف در آنها رضا نمی‌دهد. ایشان معتقد است روشنفکری طوایف مختلفی دارد، اما یک چیز در آن‌ها و عقاید و بستگی این طوایف، مشترک است و آن اینکه منشأ احکام و قواعد و دستورالعمل‌ها بشر است؛ و احکام دینی و آسمانی صرفاً از جهت تاریخی و اجتماعی اهمیت دارد و دیگر منشأ اثر نیست. پیداست که

تمام طوایف روشنفکران ضدیت علنی با دین نمی‌کنند [همان].  
جلال آل احمد در کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» در این باب می‌نویسد: «روشنفکری تعبیری است که من نمی‌دانم کی و کجا و چه کسی آن را به جای انتلکتنوئل گذاشته و این البته مابه‌ازایی است غلط، ولی مصطلح شده است. پس بگوییم یک غلط مشهور» (ص ۱۹).

### تقسیم‌بندی روشنفکران

با توجه به مباحث گذشته، روشنفکر به دینی و سکولار تقسیم می‌شود. در این صورت بر اساس معنای حقیقی روشنفکر، باید گفت روشنفکران دینی را عالمان دینی و تحصیل کرده‌های دانشگاهی تشکیل می‌دهند که درد دین دارند و با معیار و مبنای دینی به پیشرفت و تحول و حل مسایل اجتماعی نگاه می‌کنند، اما اگر روشنفکر را به معنای پیروان عصر روشنگری در اروپا بدانیم، نمی‌توان آنها را روشنفکر دینی نامید؛ زیرا مبنای کار آنها بر اساس سکولاریسم شکل گرفته است. هر چند برخی با تعریف حداقلی از دین به گونه‌ای که با ماهیت سکولاریستی روشنفکری قرن هیجدهم تعارض پیدا نکند و یا با بحث از ایمان عصری، تحول معرفت دینی و امکان قبض و بسط شریعت و احیاء دینی و بازفهمی و بازسازی دین به نفع مدرنیته، قائل به امکان روشنفکری دینی هستند که البته غایت حرکت آنها در عمل به همان روشنفکری سکولار و حتی الحاد می‌رسد. چنان که امروز اصل وحی و نبوت را به اشکال مختلف زیر سؤال برده‌اند.

### ارتجاع روشنفکری

عبارت ارتجاع روشنفکری اشاره به روشنفکران غیر حقیقی و سکولار دارد که علی‌رغم تحولات شگرف فکری و سیاسی همچنان به دنبال ارتجاع (بازگشت و عقب‌گرد) به افکار پوسیده و در حال انحطاط جوامع غیر دینی هستند. بعد از انقلاب اسلامی جریان روشنفکری نوینی که با آرمان‌های انقلاب هم‌خوانی داشت، ایجاد شد، اما بعد از پایان دفاع مقدس جریان روشنفکری به عقب بازگشت و روشنفکران جدیدی با همان پایه‌های اعتقادی

روشنفکری قبل از انقلاب و با اعتقاد به جدایی دین از سیاست، پلورالیسم، تمجید از غرب، وابستگی و تقلید کورکورانه از غرب و... به وجود آمد.

امام خامنه‌ای در مجموع روشنفکر را به معنای اخص یعنی کسانی که توان علمی و فکری بالایی دارند و خواهان تحول و پیشرفت جامعه هستند، می‌داند، اما نکته مهمی که در بیان ایشان وجود دارد این است که روشنفکر حقیقی کسی است که این پیشرفت و تحول را از هر طریقی نمی‌پذیرد، بلکه آن نوع از برنامه برای تحول و پیشرفت را می‌پذیرد که مطابق منافع ملی و ساختار فکری، فرهنگی و ارزشی جامعه باشد. با این معیارها، روشنفکر اختصاص به تحصیلکرده‌های دانشگاهی یا محصلان فرنگ رفته و یا کسانی که صرفاً کار فکری می‌کنند و فعالیت بدنی ندارند، نمی‌شود. همچنین روشنفکر حقیقی شامل کسانی که به اسم ترقی و پیشرفت، دین و آموزه‌های آن را زیر پا گذاشتند و منابع و منافع ملی را در اختیار بیگانگان قرار دادند و جاسوس و دلال قراردادهای استعماری شدند، نمی‌شود. با توجه به همین معیارها، مقام معظم رهبری معتقدند چون روشنفکران اولیه تاریخ ما — یعنی کسانی که برای اولین بار به طور رسمی خود را منادیان روشنفکری در ایران نامیدند — از جهات مختلفی از معیارهای بالا فاصله داشته‌اند و دچار مشکلات متعددی بوده‌اند، جریان روشنفکری در ایران بیمار متولد شده است و بسیاری از خصوصیات بالا را نداشته است.

در ادامه به بخشی از بیانات روشنگرانه امام خامنه‌ای در خصوص مسأله روشنفکری اشاره می‌شود:

«... اما مسأله مورد نظر من در مقوله روشنفکری. این مسأله، مسأله‌ای است که اگر من بخواهم روی آن اسم بگذارم، مثلاً بخواهم گفت: ارتجاع روشنفکران، یا ارتجاع روشنفکری. می‌دانید که مقوله روشنفکری، اساساً ضد ارتجاع است. روشنفکری مقوله‌ای است که رو به جلو دارد و به آینده نگاه می‌کند؛ یعنی همان مفهومی که در فارسی آن را از «انتلکثوئل» فرانسوی ترجمه کرده‌اند. البته کسانی که اهل فن این کار و اهل زبانند، می‌گویند این

ترجمه، ترجمه درست و دقیقی نیست. حالا هرچه هست، معلوم است که مقصود چیست... این هویت پیشرو و آینده‌نگر، رو به مستقبل دارد و نمی‌تواند با رجعت و عقب‌گرد خو کند، اما من پدیده‌ای را مشاهده کردم و مشاهده می‌کنم که جز اسم گفته‌شده برای آن، عنوانی پیدا نمی‌کنم: ارتجاع روشنفکری، رجعت روشنفکری.

من بارها گفته‌ام که روشنفکری در ایران، بیمار متولد شد. مقوله روشنفکری، با خصوصیتی که در عالم تحقق و واقعیت دارد که در آن، فکر علمی، نگاه به آینده، فرزاندی، هوشمندی، احساس درد در مسائل اجتماعی و به خصوص آنچه که مربوط به فرهنگ است، مستتر است در کشور ما بیمار و ناسالم و معیوب متولد شد. چرا؟ چون کسانی که روشنفکران اول تاریخ ما هستند، آدم‌هایی ناسالمند. اکنون من سه نفر از این شخصیت‌ها و پیشروان روشنفکری در ایران را اسم می‌آورم: میرزا ملکم‌خان ارمنی، میرزا فتحعلی آخوندزاده، حاج سیاح محلاتی. این کسانی که اولین نشانه‌ها و پیام‌های روشنفکری قرن نوزدهمی اروپا را وارد ایران کردند، به شدت نامطمئن بودند. مثلاً میرزا ملکم‌خان که داعیه روشنفکری داشت و می‌خواست علیه دستگاه استبداد ناصرالدین‌شاهی روشنگری کند، خود دلال معامله بسیار استعماری و زیانبار «رویت‌ر» بود!

بعد از جنگ (دفاع مقدس) تلاش‌های جدی شروع شده برای اینکه روشنفکری ایران را به همان حالت بیماری قبل از انقلاب برگردانند - برگشت به عقب - یعنی باز قهر کردن با مذهب، قهر کردن با بنیان‌های بومی، رو کردن به غرب، دلبستگی و وابستگی بی‌قید و شرط به غرب، پذیرفتن هرچه که از غرب - از اروپا و از آمریکا - می‌آید، بزرگ شمردن هر آنچه که متعلق به بیگانه است و حقیر شمردن هر آنچه که مربوط به خودی است؛ که در باطن خود، تحقیر ملت ایران و تحقیر بنیان‌هایش را همراه دارد. من این را مشاهده می‌کنم. اینها چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که «لم یؤمنوا بالله طرفة عين».

اینها هرگز، نه به اسلام و نه به ایران، ایمان نیاورده‌اند. آن چند سالی هم که این جریانات روشنفکری الهی، اسلامی، مذهبی، حقیقی، ایرانی، در ایران وجود داشت، اینها حاضر نشدند حتی سر بلند کنند! به گوشه‌ای رفتند، یا به خارج از کشور سفر کردند و معبود، قبله، معشوق خودشان را آنجا یافتند. سنت‌ها، تاریخ و فرهنگ این ملت، برایشان اهمیتی نداشت؛ طبعاً آینده این ملت هم برایشان اهمیتی ندارد. ممکن است حرف بزنند، ممکن است ادعا کنند، اما گذشته نشان نمی‌دهد که اینها صادقند. اینها به فکر مردم نیستند؛ به فکر خودشانند ... با همه قوا، باید وضع موجود را حفظ کرد. نباید اجازه دهند که افرادی که سال‌های متمادی در این کشور با ابزارهای روشنفکری و با ابزارهای فرهنگی، هیچ خدمتی به این مردم نتوانستند بکنند ... — همیشه عقب ماندند، همیشه در انزوا ماندند — اینها مجدداً به این کشور بیایند و سایه فکر و فرهنگ خودشان را حاکم کنند. این که می‌بینیم در بعضی از مطبوعات و مجلات و منشورات فرهنگی، چیزهایی نشان داده می‌شود، دنبال رجعت به گذشته‌اند؛ دنبال برگشتن به حالت بیماری روشنفکریند.

این مقوله روز است. این مقوله بسیار اساسی و مهمی است ... به هر حال، ارتجاع روشنفکری یعنی برگشتن به دوران بیماری روشنفکری؛ برگشتن به دوران بی‌غمی روشنفکران، برگشتن به دوران بی‌اعتنایی دستگاه روشنفکری و جریان روشنفکری به همه سنت‌های اصیل و بومی و تاریخ و فرهنگ این ملت. امروز هر کس این پرچم را بلند کند، مرتجع است، ولو اسمش روشنفکر و شاعر و نویسنده و محقق و منتقد باشد. اگر این پرچم را بلند کرد — پرچم بازگشت به روشنفکری دوران قبل از انقلاب، با همان خصوصیات و با جهت‌گیری ضد مذهبی و ضد سنتی — این مرتجع است؛ این اسمش ارتجاع روشنفکری است» [سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲].

## «پاسخ به سؤالات»

### «سؤال های سیاسی»

۱- به نظر شما علل عدم همراهی جمهوری اسلامی ایران در ائتلاف ضد گروه تکفیری داعش چه بوده است؟

وحشی‌گری تکفیری‌های داعش در عراق و لزوم تقابل همه‌جانبه با این پدیده شوم، موضوعی است که در ماه‌های گذشته توجه تمام مردم دنیا به خصوص سیاستمداران را به خود معطوف داشته است. به گونه‌ای که تمام دولت‌های دنیا حتی ایالات متحده آمریکا، که به استناد شواهد و قرائن متعدد، خود مؤسس اصلی این جریان بوده است نیز علیه اقدامات آنان به خصوص ایزدی‌ها معترض شد. نکته جالب توجه آنکه در کنار آمریکا، برخی دولت‌های منطقه که در وحشی‌گری‌های تکفیری‌ها نقش اساسی داشته‌اند نیز هم‌صدا با ایالات متحده، مراتب اعتراض خود علیه فعالیت داعش را ابراز نموده‌اند. این اعتراض‌ها تا آنجا پیش رفت که ائتلافی حدود چهل کشور به رهبری آمریکا، ضد داعش تشکیل دادند. علی‌رغم تقاضاهای مکرر و آشکار و نهان



پرسش و پاسخ

آمریکایی‌ها و برخی دولت‌های دیگر این ائتلاف، جمهوری اسلامی ایران به چند علت حاضر به حضور در این ائتلاف نشد:

۱- جمهوری اسلامی ایران آمریکا و هم‌پیمانانش را حامیان اصلی تروریسم می‌داند و به عزم و اراده آنها برای مبارزه با تروریسم تردید دارد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری نیز به صراحت فرمودند: «ما اعتمادی به آمریکا نداریم و مشارکت در چنین امری نخواهیم داشت»؛ بنابراین دولت آمریکا که حامی اصلی تروریست‌های داعش است، نمی‌تواند داعیه رهبری علیه تروریسم را داشته باشد.

۲- دولت آمریکا از یک سو به قصد مبارزه با حکومت مردمی و قانونی سوریه به حمایت همه‌جانبه از تروریست‌های داعش در سه سال اخیر پرداخت، از سوی دیگر تاریخ گواه بر رفتار دروغین و پرونده سیاه آمریکایی‌ها در مبارزه با تروریسم در کشورهای افغانستان، لیبی، پاکستان، عراق و سوریه، این مسأله را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۳- جمهوری اسلامی ایران معتقد است هدف آمریکا مبارزه با تروریسم نیست، بلکه حضور نظامی در منطقه است.

جمهوری اسلامی ایران معتقد است؛ در مبارزه با تروریسم، نیروهای ملی و مردمی باید نقش اساسی را در تقابل با این پدیده ایفا نموده و کشورهای منطقه بدون دخالت قدرت‌های خارجی مشکلات خود را حل نمایند. پس نیازی به حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نمی‌داند.

## ۲- نظر شما در خصوص راه‌اندازی تشکلهای جدید چون «ندا»

توسط اصلاح‌طلبان چیست؟

همان‌گونه که می‌دانید رفتارهای رادیکالی و خارج از چارچوب نظام و قانون سران اصلاح‌طلب در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، خدشه جبران‌ناپذیری به اعتبار اجتماعی آنان وارد کرد که به راحتی و در مدت

زمانی کوتاه قابل ترمیم و جبران نخواهد بود. از سوی دیگر، اصلاح‌طلبان به خوبی می‌دانند که نظام سیاسی اجازه بازی به مهره‌های سوخته آنان نخواهد داد. به همین منظور بایستی با تاکتیک‌ها و مهره‌های جدید در شطرنج سیاست و قدرت بازی کنند؛ بنابراین راه‌اندازی شبکه نهادی و اجتماعی مهندسی‌شده چون «ندا»، برای جریان اصلاحات حکم شریان‌های حیاتی را دارد و این جریان در سال‌های اخیر امید زیادی به این نهادها و شبکه‌ها برای بازگشت به قدرت داشت. پس برای بازگشتی دوباره به قدرت، امید زیادی به بقایای این نهادها و شبکه‌های خودساخته دارند، و ساماندهی و بازسازی مجدد آنان را جزو اولویت‌های خود قرار داده‌اند؛ بنابراین برآنند تا با به میدان آوردن چهره‌هایی که آشکارا در فتنه سال ۸۸، نقش نداشته‌اند با راه‌اندازی تشکل‌هایی با پوسته ظاهری، فضا را تلطیف کرده و با تغییر پالس‌های جدید علاوه بر جلب افکار عمومی جامعه بازگشت مجدد خود به عرصه‌های حاکمیتی را رقم زده و اکثریت کرسی‌های مجلس آینده را از آن اصلاح‌طلبان کنند.

### ۳- به نظر شما تلاش انگلیس برای بازگشایی سفارت خود در تهران به چه منظور است؟

لازم به یادآوری است پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، رویکرد "اروپامحوری" در دستور کار دستگاه دیپلماسی با نگاه ترمیم روابط با سایر کشورهای اروپایی کلید خورد و یکی مهم‌ترین موضوعاتی که از روزهای اول استقرار آقای ظریف در وزارت خارجه پیگیری شد، بازگشایی "سفارت انگلیس" در تهران بود، همانگونه که در رسانه‌ها منعکس شد حاکی از آن است که در آینده‌ای نزدیک این اتفاق خواهد افتاد و سطح روابط به "کاردار مقیم" به جای "کاردار غیر مقیم" ارتقا پیدا خواهد کرد.

اما نکته حائز اهمیت نقش پررنگ سفارت انگلیس در فتنه ۸۸، اظهارات

متعدد ضد ایرانی افرادی چون "سایمون گس" سفیر سابق بریتانیا در ایران و فعالیت گسترده انگلیس در افزایش تحریم‌ها بر سر موضوع پرونده هسته‌ای از جمله اقداماتی است که چهره لندن را برای مردم ایران تخریب کرده و روند عادی دیپلماسی بین دو کشور را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است. از سوی دیگر این نکته را نباید فراموش کرد که برخی کشورها از جمله انگلیس چندان علاقه‌ای به برقراری رابطه سالم دیپلماتیک ندارند و این امر در گزارش کمیته روابط خارجی مجلس عوام انگلیس تصریح می‌کند که فقدان روابط دیپلماتیک مستقیم با ایران، مانع از توانایی انگلیس در شکل‌دهی حوادث و رویدادها، جمع‌آوری اطلاعات و ایجاد ارتباطات پرسنلی ضروری در مسیر روابط دیپلماتیک و... است.

#### ۴- سفر رییس جمهور کشورمان به نیویورک چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

همان‌گونه که در رسانه منعکس شد رییس جمهور در جریان سفر خود به نیویورک، علاوه بر سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در نشست سران در زمینه تغییرات آب و هوا، با سران کشورهای مختلف و مقامات نهادهای بین‌المللی از جمله دبیرکل سازمان ملل متحد و رییس شورای اروپایی دیدار و گفتگو نمود. همچنین با روسای جمهوری ترکیه، ونزوئلا، فرانسه، اتریش، اسلونی، بولیوی، سوئیس، عراق و گینه، نخست وزیران ژاپن، انگلیس، عراق، گرجستان و لبنان و وزیر امور خارجه آلمان دیدار کرد و درباره مهم‌ترین مسایل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی به بحث و تبادل نظر پرداخت. نشست‌هایی جداگانه‌ای نیز در جمع نخبگان سیاسی اندیشکده‌های آمریکایی، اعضای اندیشکده‌های آمریکایی، فعالان و صاحب‌نظران و سرمایه‌گذاران شرکت‌های آمریکایی، رهبران جوامع اسلامی آمریکا، ایرانیان مقیم آمریکا، کارآفرینان ایرانی مقیم آمریکا و اساتید و دانشجویان ایرانی

مقیم این کشور برگزار کرد و دیدگاه‌ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران را تشریح نمود. می‌توان گفت امیدواری‌های فراوانی را در پی داشت تا با نتایج پرباری همراه باشد؛ چراکه ایشان در شرایطی به نیویورک سفر کرد که اقدامات تروریستی گروه‌های تکفیری بخش بزرگی از منطقه غرب آسیا را در بر گرفته است و از این منظر اعلام موضع ایران از تریبون سازمان ملل متحد فرصت بزرگی بود تا به کالبدشکافی جریان‌های تکفیری و تروریستی در منطقه پرداخته شود و از پشت پرده آن رونمایی شود. هر چند سخنرانی رییس جمهور در سازمان ملل، دارای بار دیپلماتیک ارزشمندی بود که به صورت حساب‌شده به موضوعات اساسی پرداخت و همین ویژگی آن را به سخنرانی دیپلماتیک سزاوار تحسین تبدیل کرد، اما با وجود این شرایط موجود در منطقه و به ویژه اختلاف بر سر چگونگی مبارزه با داعش و نیز مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ سایه سنگینی را بر فضای مجمع عمومی حاکم کرده بود که عبور از این فضا به این راحتی‌ها مقدور نبود.

## «سؤال‌های اقتصادی»

### ۱- وضعیت لایحه خروج از رکود چگونه است؟

در خصوص آخرین وضعیت بررسی لایحه خروج از رکود دولت در مجلس و مواد بحث‌برانگیز آن باید گفت. برای ماده مربوط به کاهش سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفت در کمیسیون پیشنهاد حذف مطرح شده، اما به تصویب نهایی نرسید. همچنین پیشنهاد تهاتر ۴۰ هزار میلیارد تومانی بدهی‌های سه‌جانبه بانک‌ها، دولت و بانک مرکزی بررسی شد و کمیسیون این تهاتر را تا حدی که مربوط به پرداخت تعهدات بانک‌هاست پذیرفته است. در خصوص کاهش پیشنهاد ۴۰ هزار میلیارد تومانی دولت به ۱۰ هزار میلیارد در کمیسیون مشترک عددی در همین حدود مطرح است، اما هیچ یک از این موضوعات هنوز به تصمیم‌گیری نهایی نرسیده است. حال یک سوال مطرح است؛ آیا با این تغییرات لایحه دولت دستخوش تغییرات اساسی نخواهد شد؟ در جواب باید گفت قطعاً باید در سیاست‌گذاری‌ها انضباط مالی مد نظر باشد؛ چون شورای پول و اعتبار هم‌اکنون در حال بررسی بدهی‌های ناشی از نوسانات نرخ ارزی است. گفته می‌شود مجموع بدهی‌های ناشی از نوسانات نرخ ارز ۷۴ هزار میلیارد تومان است و در لایحه ۳۴ هزار میلیارد بدهی واردکنندگان که با ارز مرجع کالا وارد و با نرخ ارز آزاد فروخته‌اند، نادیده گرفته شده است. علاوه بر این قرار نیست نسخه واحدی برای بدهکاران ارزی پیچیده شود، بلکه تصمیم بر این است کارگروه‌هایی در استان‌ها متشکل از دستگاه‌های مرتبط اقتصادی، استانداری، اطلاعات و ... تشکیل شده و بدهی ارزی بدهکاران مورد به مورد بررسی شود.

### ۲- چه بخش‌های از اقتصاد ایران قوت‌ها و فرصت‌هایی را برای تحقق

#### اقتصاد مقاومتی مهیا کرده است؟

نیم نگاهی به برخی آمارها در تولید محصولات کشاورزی، صنعتی، خدماتی و توانایی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان، ظرفیت‌های درون‌زای

کشورمان را برای هر تحلیل‌گر منصفی باز می‌نماید. ایران با تولید سالانه بیش از ۲۵۰ تن زعفران به ارزش بالغ بر ۶۲۵ میلیارد تومان مقام اول تولید و تجارت این محصول در جهان را به خود اختصاص داده و زعفران ایرانی به ۴۶ کشور دنیا صادر می‌شود. یکی از ویژگی‌های زعفران، نیاز کم آن به آب است، آیا امروز با توجه به بحران خشکسالی در کشور نمی‌توان با یک برنامه جامع پهنه وسیعی از زمین‌های کشاورزی را به این محصول گرانبها اختصاص داد. ایران، اولین تولیدکننده گل محمدی در جهان محسوب می‌شود. کشورمان با تولید حدود دو میلیارد شاخه گل، هفدهمین تولیدکننده گل در جهان است و با تولید حدود ۳۰ هزار تن گل محمدی اولین تولیدکننده این نوع گل به شمار می‌رود، اما متأسفانه در زمینه صادرات گل در بین ۱۱۷ کشور دنیا، رتبه ۱۰۷ را دارد. آیا دولت نمی‌تواند این ظرفیت عظیم را بارور کند. ایران اولین تولیدکننده انجیر خشک دنیاست و استان فارس ۹۰ درصد تولید انجیر خشک کشور را به خود اختصاص داده است. شهرستان استهبان با بیش از ۲۳ هزار هکتار، بیشترین سطح زیر کشت انجیر (حدود ۵۷ درصد) را به خود اختصاص داده است. ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده زرشک در جهان، و خراسان جنوبی ۹۸ درصد تولید این محصول را انجام می‌دهد که بالای ۸۵ درصد این محصول در شهرستان قائنات صورت می‌گیرد، اما امروز مسأله خام‌فروشی زرشک یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در صنعت تولید و صادرات زرشک شده است. ایران اولین تولیدکننده و دومین صادرکننده خرما در جهان است. ایران بهشت داروها و فرآورده‌های گیاهی است. رشته کوه‌های زاگرس، البرز و سایر مناطق جلگه‌ای و حتی کویری، کشور ما را مستعد رویش انواع گیاهان کمیاب دارویی نموده است. خوشبختانه با روی آوردن دنیا، به خصوص کشورهای پیشرفته به استفاده از فرآورده‌های گیاهی و مصرف روز افزون آن در جهان، چه در داروسازی و چه در صنایع غذایی و آرایشی - بهداشتی فرصتی طلایی نصیب جمهوری اسلامی ایران گشته است تا حضور خود را در بازارهای جهانی بیش از گذشته افزایش دهد. با یک برنامه‌ریزی منسجم و

عالم‌مانه می‌توان از تجارت و صادرات داروها و فراورده‌های گیاهی طی ۱۰ سال آینده ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار نصیب کشور کرد. در حوزه محصولات معدنی و صنعتی نیز باید گفت: هم‌اکنون ایران پس از هند، در رتبه دوم تولیدکننده آهن اسفنجی دنیا قرار دارد و بر اساس برنامه‌ریزی‌های تولید، سال آینده ایران اولین کشور تولیدکننده سنگ آهن اسفنجی در دنیا خواهد بود. کشورمان امروز اولین تولیدکننده سرامیک در غرب آسیا است. ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده برق منطقه غرب آسیا است و امروز صادرات برق به چندین کشورهای همسایه انجام می‌گیرد. ایران در دو ماه ابتدای سال ۲۰۱۴ میلادی، دومین تولیدکننده فولاد خام به روش احیای مستقیم در جهان و بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد در منطقه غرب آسیا شد. ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده سرب و روی خاورمیانه، رتبه سوم استخراج سنگ تزئینی جهان، رتبه نهم تولید سیمان دنیا و رتبه هفدهم تولید فولاد جهان را داراست. این نقاط قوت در کنار سرمایه عظیم سوخت‌های فسیلی اعم از نفت و گاز در کشور ایران، انرژی هسته‌ای، انرژی بادی و خورشیدی، دسترسی به آبهای آزاد بین‌المللی و سرمایه‌های انسانی، ظرفیت بی‌بدیلی را در اختیار دولتمردان برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی قرار داده است.

### ۳- به نظر شما آیا تعداد بانک‌های موجود در ایران زیاد نیست و

پاسخ دادن به این روند تا کی باید ادامه داشته باشد؟

برای این سؤال مناسب است به آمارهای رسمی جهانی نگاهی بیندازیم؛ بانک جهانی با بررسی آمار شعب بانک در ۱۷۸ کشور جهان، اعلام کرد سرانه شعب بانکی در ایران بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته‌ای مثل انگلیس، نروژ، اتریش و آلمان است. بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی این نهاد بین‌المللی در ایران به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۲۹/۱ شعبه بانک تجاری تأسیس شده است که این رقم تقریباً ۲ برابر آلمان و اتریش است. در آلمان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۱۵/۵ شعبه بانک، در اتریش ۱۵ شعبه، در انگلیس ۲۴/۲ شعبه و در نروژ ۱۰/۷ شعبه تأسیس شده است. ایران از نظر میزان

سرانه شعب بانکی در رتبه ۴۱ جهان قرار گرفته است. قبرس بیشترین رقم در این زمینه را به خود اختصاص داده است و در رتبه نخست جهان قرار دارد. در این کشور به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۱۰۲ شعبه بانکی فعال است. اسپانیا با ۸۹/۶ شعبه در رتبه دوم و لوکزامبورگ با ۸۶/۳ شعبه در رتبه سوم قرار گرفته‌اند.

#### ۴- لطفا درباره نرخ بیکاری توضیح دهید که چقدر است؟

بررسی جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران درباره وضعیت بیکاری در استان‌های کشور نشان می‌دهد نرخ بیکاری در ۱۵ استان تکریمی و به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است، همچنین نرخ بیکاری در ۱۶ استان نیز دو رقمی و بیشتر از ۱۰ درصد است. بیشترین نرخ بیکاری در استان خراسان شمالی به میزان ۱۶/۲ درصد و کمترین نرخ بیکاری در تهران به میزان ۵/۱ درصد به ثبت رسیده است. در عین حال، فاصله نرخ بیکاری استان‌ها به ۱۱/۱ درصد رسیده است. در بهار سال جاری، نرخ بیکاری در ۹ استان تکریمی و در ۲۳ استان نیز دو رقمی بوده که این معادله بنا به اعلام مرکز آمار در تابستان تغییر یافته است. استان لرستان که همواره در طی سال‌های اخیر دارای بالاترین میزان نرخ بیکاری در کشور بوده، در حال حاضر وضعیت بهتری یافته به نحوی که طبق اعلام مرکز آمار نرخ بیکاری آن در فاصله بهار تا تابستان به میزان ۷ درصد کاهش یافته است. اصفهان با ۱۳/۶ درصد، البرز با ۱۲/۷ درصد، ایلام ۱۴ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۱۴ درصد، خراسان شمالی ۱۶/۲ درصد، فارس با ۱۱/۵ درصد، کرمانشاه با ۱۳/۴ درصد، کهگیلویه و بویراحمد با ۱۶ درصد، گیلان با ۱۳/۴ درصد، لرستان با ۱۳/۴ درصد و مازندران با ۱۲/۴ درصد؛ مجموعه استان‌هایی هستند که دارای بالاترین میزان بیکاری در کشور هستند. آذربایجان غربی با ۵/۶ درصد، تهران با ۵/۱ درصد، خراسان جنوبی با ۷/۵ درصد، خوزستان با ۸ درصد، زنجان با ۷/۸ درصد، کردستان با ۸/۷ درصد، کرمان با ۶/۳ درصد، مرکزی با ۶/۲ درصد و همدان با ۶/۷ درصد دارای کمترین میزان بیکاری در کشور هستند.

## ۵- علت تعطیلی گاوداری‌ها چیست؟

در ماه گذشته خبرهای متعددی از نابسامانی گاوداری‌ها به گوش رسید و حتی بسیاری از گاوداران گاوهای شیری خود را به کشتارگاه‌ها می‌بردند. چند دلیل عمده برای این موضوع وجود دارد؛ اول متعادل نبودن قیمت عرضه شیر با هزینه‌های تولید این محصول، منجر به نابسامانی این صنعت شده است. ۵ ماه قبل دولت قیمت شیر را به ازای هر کیلو ۱۴۴۰ تومان در محل گاوداری‌ها تعیین کرد، اما کارخانه‌های لبنی از این قیمت تبعیت نکرده و شیر را به قیمت یک هزار و ۱۰۰ تومان خریداری می‌کنند. دولت برای ایجاد تعادل بین قیمت‌ها، حدود ۱۵ درصد به قیمت فروش محصولات لبنی اضافه کرد که این درصد از همان ۵ ماه قبل از سوی کارخانه‌های لبنی اعمال شد، اما تولیدکنندگان محصولات لبنی، شیر را حتی پایین‌تر از قیمت ۵ ماه قبل از گاوداری‌ها خریداری می‌کنند! قبل از این قیمت هر یک کیلو شیر گاو با توجه به بار میکروبی و میزان چربی، ۱۲۰۰ تومان بود، اما اکنون به ۱۱۰۰ تومان کاهش یافته است. دوم افزایش حدود ۲ برابری هزینه نهاده‌ها، موجب ضرر و زیان گاوداری‌ها و به سمت رکود و تعطیلی رفتن این صنعت شده است. با این وضعیت بسیاری از تولیدکنندگان خرد در عرصه تولید شیر به تدریج از مدار تولید خارج می‌شوند و خیلی طول نمی‌کشد که شیر در انحصار گروهی محدود از تولیدکنندگان که توان بالا دارند، در خواهد آمد آن‌وقت کارخانه‌های لبنی باید برای تأمین نیاز خود، تلاش و هزینه چند برابری داشته باشند.

## بسمه تعالی

### پرسشنامه نظر سنجی پیرامون نشریه هدایت

نشریات از جمله ابزار اشاعه فکر و اندیشه و جهت‌دهی به رفتار خوانندگان است که می‌تواند به خدمت اهل فرهنگ و مهندسی فرهنگی جامعه در آید. چنین مقصودی در طراحی، ابداع و خلاقیت دست‌اندرکاران نشریه و محتوا و شکل تولید و زمان و نحوه توزیع آن از یک سو و توجه به واقعیات پیرامونی و نیاز و نظر مخاطبان از سوی دیگر بستگی دارد که اینک به دنبال آن برآمده‌ایم تا نظر جنابعالی را پیرامون نشریه هدایت جستجو نماییم. پاسخ‌های صادقانه شما می‌تواند راهنمای ما به سوی شناخت واقعیت باشد؛ بنابراین هادیان سیاسی محترم پاسخنامه‌ها را بعد از تکمیل از نشریه جدا و به سیاسی استان و نواحی محل خدمت خود تحویل دهند؛ سیاسی استان‌ها تمام پرسشنامه‌ها را از نواحی مربوطه جمع‌آوری و حداکثر تا ۹۳/۸/۳۰ به سیاسی سازمان بسیج مستضعفین ارسال نمایند.

#### اطلاعات فردی:

- سمت: هادی سیاسی ☐ مسؤل و مدیر ☐ فرمانده ☐
- تحصیلات: دیپلم و پایین‌تر ☐ فوق دیپلم ☐ لیسانس ☐ فوق لیسانس ☐
- دکتر ☐ حوزوی ☐
- جنسیت: مذکر ☐ مؤنث ☐
- سن: ۲۴-۲۰ سال ☐ ۲۵ تا ۲۹ سال ☐ ۳۰ تا ۳۴ سال ☐ ۳۵ تا ۳۹ سال ☐ ۴۰ سال ☐
- و بالاتر ☐
- مدت زمان عضویت در شبکه هادیان:
- یک سال ☐ دو سال ☐ ۳ تا ۵ سال ☐ ۵ سال و بیشتر ☐
- تعداد جلسات سیاسی در سال ۹۳:
- ۲ جلسه ☐ ۳ تا ۵ جلسه ☐ ۶ تا ۹ جلسه ☐ ۱۰ جلسه و بیشتر ☐

۱- به طور معمول زمان دسترسی شما به نشریه و مطالعه آن چگونه است؟

(الف) خیلی خوب ☐ (ب) خوب ☐ (ج) متوسط ☐ (د) ضعیف ☐ (و) خیلی ضعیف ☐

۲- چه مدت است که نشریه هدایت را دریافت می کنید؟

(الف) کمتر از یکسال ☐ (ب) ۱ تا ۲ سال ☐ (ج) ۳ تا ۴ سال ☐ (د) ۵ سال و بیشتر ☐

۳- نشریه هدایت به چه میزان نیازهای مختلف فکری - فرهنگی شما را پاسخ

می دهد؟

(الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

۴- کدامیک از بخش ها و مقالات ماهنامه را بیشتر قابل توجه و استفاده می دانید؟ (به ترتیب اولویت شماره بگذارید)

(الف) سیاسی داخلی ☐ (ب) سیاسی منطقه ای ☐ (ج) سیاسی بین المللی ☐

(د) بخش اقتصادی ☐ (و) اندیشه سیاسی ☐ (ه) مفاهیم و اصطلاحات ☐ (ع) پرسش و پاسخ ☐

۵- کیفیت ظاهری نشریه را از لحاظ طرح جلد و صفحه بندی چگونه می بینید؟

(الف) خیلی خوب ☐ (ب) خوب ☐ (ج) متوسط ☐ (د) ضعیف ☐ (و) خیلی ضعیف ☐

۶- نشریه هدایت تا چه حد در اطلاع رسانی صحیح و به موقع به خوانندگان موفق

بوده است؟

(الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

۷- مطالب نشریه تا چه حد مورد رضایت شما قرار گرفته است؟

(الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

۸- تحلیل های سیاسی داخلی را تا چه حد به روز و منطبق بر واقعیات جامعه

می بینید؟

(الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

۹- تحلیل های خارجی را تا چه حد به موقع و منعکس کننده واقعیات می دانید؟

(الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

۱۰- تحلیل های اقتصادی را تا چه حد مورد توجه شما قرار گرفت؟

(الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

۱۱- بخش «کلام نور» را تا چه حد مورد توجه شما قرار گرفته است؟

(الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۲- آموزش‌های سیاسی (روش تحلیل - جریان‌شناسی) را تا چه حد مورد نیاز

می‌بینید؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۳- مطالب نشریه تا چه حد در بالا بردن دانش و بینش سیاسی و فرهنگی شما مؤثر

بوده است؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۴- مطالب و محتوای نشریه به چه میزان در توان پاسخگویی و اظهار نظر شما

پیرامون مسائل سیاسی و فرهنگی اثر داشته است؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۵- مواضع سیاسی نشریه را تا چه حد منطبق بر مصالح نظام و تدابیر مقام معظم

رهبری می‌دانید؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۶- جذابیت ادبیات به کارگیری شده در نشریه برای شما چقدر است؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۷- تا چه حد ماهنامه هدایت شما را از مطالعه ماهنامه‌های دیگر بی‌نیاز می‌سازد؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۸- میزان موفقیت و دستیابی به اهداف و توسعه فرهنگ پاسداری و تفکر بسیجی

را در نشریه چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۱۹- انتخاب نوع تیتر، در این نشریه تا چه حد مطلوب است؟

الف) خیلی زیاد ☐ (ب) زیاد ☐ (ج) متوسط ☐ (د) کم ☐ (و) خیلی کم ☐

## ۲۰- محاسن و قوت‌های نشریه را به ترتیب نام ببرید؟

۱- .....

۲- .....

۳- .....

۴- .....



## ۲۱- ضعفها و معایب نشریه را به ترتیب نام ببرید؟

- ۱- .....
- ۲- .....
- ۳- .....
- ۴- .....

## ۲۲- تغییرات مورد نظر خویش را برای افزایش جذابیت نشریه به ترتیب شماره‌گذاری نمایید.

- الف) تغییرات در گرافیک، عکس و استفاده از رنگ‌ها ☐ ب) تغییر در قطع و اندازه نشریه ☐
- ج) تغییر در حجم نشریه و نوع صفحه‌بندی ☐ د) تغییر در موضوعات و عناوین صفحات ☐
- و) تغییرات اساسی در همه زمینه‌ها ☐

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین



امام خامنه ای (مدظله العالی) :

اگر امروز مسلمانان جهان  
 وملت های کشورهای اسلامی ،  
 شعار ولایت اسلامی سردهند ،  
 بسیاری از راه های نرفته  
 وگره های ناگشوده امت اسلامی  
 باز خواهد شد و مشکلات  
 کشورهای اسلامی  
 حل خواهد شد



نماینده ولی فقیه در سازمان پیچ مستقیمین  
 معاونت سیاسی